



سالم خان قهرمان سینا

در طلیعه هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب، تثبیت آیت ا... منتظری را به عنوان نایب امام خمینی به مستضعفین جهان تبریک میگوئیم

فَارَمَعَ الْعَرَبُ نَارًا
از مَعَ الْعَرَبِ نَارًا
لا محب هه
در راه خدا بفرستد و به ما بفرستد و ما را بفرستد
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال پنجم - شماره ۳۴ - بهار ۶۰ ریال
بهرمن و اسفندماه

صفحه ۷
تفقه در دین
وظیفه عمومی واجب عینی

ام سلمه
سرمشق زنان انقلاب
صفحه ۲۸

- ویژگیهای موردنیاز عملیات در مرحله کنونی
۱- بسی امان
در هر حربه با بدفاصله بین دو عملیات به گونه ای باشد که اجازه تفکر، جمع بندی و تجدید سازماندهی را به دشمن ندهد.
۲- نفوذی محدود
هر عملیات باید هم از نظر طول و عرض و هم از نظر تعداد نیروها محدود باشد. نحوه عملیات هم باید به این صورت باشد که فقط نفوذ کرده، ضربه زده و برگردند.
۳- ذاتی
نیروهای شرکت کننده در هر عملیات، مبیایست در همان حبه زندگی کرده باشند و نسبت به تغییر و تحولات دشمن شناخت لازم داشته باشند.
۴- سرسری
مبیایست در سرتا سرمرز، هر حبه به طور مستقل و فعال عملیات انجام دهد. این شیوه قدرت تمرکز نیرو و در یک نقطه خاص را از دشمن میگیرد.
۵- هماهنگی
رعایت هماهنگی در زمینه های زیر ضروریست
الف- هماهنگی بین حبه ها
ب- هماهنگی با سطوح بالای فرماندهی
ج- هماهنگی بین ارتش و سپاه
۶- دراز مدت
جنگ ما با رژیم کافر صدام جنگ دراز مدتی است که باید آنرا با آرامش خاطر، مرحله بندی کنیم و بدون اضطراب از گذشت زمان مراحل آنرا بطور کامل طی کنیم.
۷- کم تبلیغاتی
تبلیغاتی خارجی ما روی هر عملیات باید در حد اقل باشد تا ارتجاع منطقه و امیرالایم، علیه ما بسیج نشده و نیروهای اسلام فرصت انسجام هر چه بیشتر را داشته باشند.

تسار واد کنسرسیوم
اخیرا "عوام" کنسرسیوم نفت شگابتی علیه ایران تسلیم دادگاه لاهه کرده و نسبت به ملغی کردن قرارداد کنسرسیوم بعد از انقلاب اسلامی، ادعای خسارت کرده اند... هدف ما در این مقاله بررسی مواضع قرارداد کنسرسیوم و اشاره به اهمیت قانون ملی شدن صنعت نفت است تا با تشریح محتوای ضد خلقی و غیر قانونی کنسرسیوم قدیمی در جهت تقویت موضع دولت جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق ملت مستضعف ایران در دادگاه لاهه برداریم
بقیه در صفحه ۳

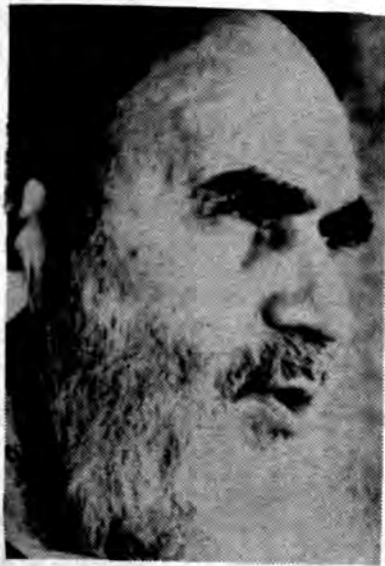
دری از شهادت سلیمان خاطر
صلح یا سرکوب
پیرامون
عاقبت رجوی
پیرامون بیانیه سازمان آزادیبخش فلسطین
استراتژی دگر
روش تفکر در قرآن
صفحه ۳۰
صفحه ۳۱
صفحه ۳۲

حیرت انگیز
استرآن ریگ
خط امام در کلام آیت الله منتظری
مترو و مهاجرت روستاییان به شهر
نفوذ دستهای مرموز در حوزه های علمی
سه جریان معرفتی در دوران انقلاب و حوزه های علمی (منطقون - اخباریون - عرفا)
فقه آل محمد و فقه نفتی و جد حکم سیاسی فقهی
عرفان در صحنه و عرفان عاقبت طلب
جنگ اسلام و کفر و عسرو حرج
پیرامون چرخش شورای همکاری خلیج
صدور انقلاب و نهضت های رهاش بخشش
قیمت شکنی نفت و ضد حمله به صدور انقلاب اسلامی
اجرای شیوه های اسلامی در زندانها، راه مایه با تروریسم
مصدق نمائی
سنگ قبر خرد شده شهید حنیف نژاد
کنگره سراسری دانشجویان مسلمان بیرو خط امام
بررسی دیدگاهها و مواضع دکتر حسن نصر
ادامه پاسخ به "جوابیه" دکتر احسان نراقی
موضع گیری طرفهای درگیر در جنگ طرابلس
شعار وحدت دهنده برای لبنان - لبنان وحدت شکن
ضرورت اسکان آوارگان فلسطینی در ایران
سخنرانی سفیر فلسطین در دانشگاه تهران
در صفحات ۹ الی ۲۶

ماه تغییر قازی در روند جنگ نموده بلکه خط عملیاتی همان خط گذشته (عملیات گسترده) بوده است بدینسان این دیدگاه، در تقویت عملیات آن چنانکه با بدفعال نمیشوند و خود باعث ضربه خوردن به این شیوه عملیاتی میگردد.
مهمترین استدلالهای آنها اینست که اولاً اسن عملیات توسط معتقدین به عملیات بزرگ و چشمگیر طرح و اجرا شده است. ثانیاً این شیوه همان شیوه عمل بزرگ در ابعاد کوچکتر است. و ویژگیهای همان عملیات بزرگ را در خود دارد. مثلاً اگر در عملیات بزرگ شناسائی توسط افراد عمل کننده انجام نمیشد و عملیات ذاتی حبه ورزندگان نبود، در این سری عملیات نیز شناسائی توسط خود حبه های شرکت کننده در عملیات انجام نمیگیرد. بلکه شناسائی شناسائی که دیگران کرده اند و نیروهای دیگری که اکثراً از یادگانهای پشت حبه یک یا چند شب قبل از عملیات به حبه میآیند، دست به عمل میزنند و...
این جریان در عین اینکه حقایق و واقعیاتی را زام طرح میکنند، توجه ندارد که:
الف- تفکر قاز در استرآن تدریجی است یکی از ویژگیهای مشخص جمهوری اسلامی
بقیه در صفحه ۳۰

از یاد بر سر عید ششما گذشته
بسم الله الرحمن الرحيم
همگام با بسیج عمومی مردم در روز قدس شاه دیده کارگیری شیوه مکتبی و صالح عملیات بسی امان، نفوذی محدود در حبه های جنگ اسلام و کفر بوده ایم. اکنون که بیش از شش ماه از آغاز آن میگذرد ارزیابی و جمع بندی از این عملیات امری ضروری در جهت تدوین بیروزمندان جنگ میباشد.
در این نوشته سعی بر آن داریم که گوشه هایی از این عمل صالح را ارزیابی نموده و نقاط ضعف و قوت آنرا بنمایانیم.
جریانیکه خود از علاقمندان به این شیوه عملیات بوده و سعی زیادی در اجرای این شیوه عملیات داشته است، مطرح میکند که بکارگیری این شیوه در مدت شش

سخنِ امامِ راهبِ مسضعفین



دانشجویان یا باید صرفاً درس بخوانند و یا اینکه درس را کنار گذاشته و فعالیت سیاسی کنند .

کیهان ۶۴/۱۰/۳
امام خمینی : ... امروز همه دنیا متوجه به ایرانند که این جمعیت می خواهند چه بکنند ... شوروی توجه دارد ، امریکام بیشتر توجه دارد ، همه متوجه اند به اینکه این جمعیت کمی که در یک گوشه از دنیا یک صدایی بلند کرده این چه صدایی است که اینطور صدایش در همه جاموج افکنده ... مسئله ای نیست که ما می خواهیم جنگ بکنیم یا می خواهیم دفاع بکنیم . ما دفاع مقدس می خواهیم بکنیم یعنی ما می خواهیم از آبروی اسلام از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو پیش موافقت ... من از شما می خواهم که بدون اینکه در هتئان هیجان پیدا کنید ارتش شاید مثلاً آنطور که منافقین می خواستند بکنند شاید بشود ، بدون خلجان به کار خودتان مشغول باشید . قوی باشید ملت باشماست . ما همه با شما هستیم .

ایجاد کنند ، مقصد اعلی اینها نیست یک کسی ممکن است درس بخواند درس الهی بخواند ، توحید بخواند عرفان بخواند و جهنم برود . دیگران از استفاده از او به بهشت بروند . این برای این است که خودش انگیزه باطل داشته باشد خدا انبیا را فرستاده که تربیت کنند مردم را نجات دهند ، نجات مردم هم به این است که دنبال انبیا باشند و انگیزه هایشان هم انگیزه الهی انبیا باشد .

راه مجاهد :
انگیزه های مهم انقلاب فرهنگی عبارت بودند از :
۱- دروسی که در دانشگاهها تدریس میشود باید پاسخ گوی نیاز جامعه انقلاب اسلامی باشد .
۲- سیستم آموزشی دانشگاهها باید اسلامی گردد .
۳- کلیه روابط و ضوابط در دانشگاهها باید اسلامی گردد .
۴- دانشجویان و اساتید باید حلال مشکلات اعم از مشکلات فرهنگی ، سیاسی ، صنعتی و کشاورزی و ... باشند .
متاسفانه آنچنانکه مشهود است این انگیزه ها در دانشگاهها تحقق پیدا نکرده است . بطور مثال در مورد فعالیت سیاسی دانشجویان ، آنقدر حجم دروس زیاد شده است که دانشجویان نمی توانند فعالیت سیاسی بنمایند بطوریکه در شرایط فعلی

از رئیس دیوانعالی کشور و رئیس کمیسیون قضایی و دو نفر از فقهای شورای نگهبان فقهای مذکور حدود تعزیرات را تعیین کنند که در چهار چوب آن اجازه داده شود و حق تخطی از آن نداشته باشند و البته این امر موقتی و اضطراری است . انشاء الله قضات جامع شرایط تعیین گردند .

کیهان ۶۴/۹/۲۰
امام خمینی در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی
... مسئله دانشگاه یک مسئله فوق العاده است . یعنی افرادی که از دانشگاه در می آیند یا مخرب کشوری هستند یا سازنده آن کشور هستند در انقلابی که در عالم واقع میشود یا در شورشها یاد رکود تا - ها یکی انگیزه اش یکی محتوایش اینها سه امری است که باید در آن توجه کرد . خودشان ، خود انقلابات یا خود اینها شبهه به همدن . یا شورش است یا کودتاست یا انقلاب . صورتاً مثل انسانها می مانند که همه صورتشان مثل هم است اما معنایشان با هم فرق دارد . انگیزه ها مهم است و محتواها . گاهی وقتها انگیزه ها خوب است و محتوی خوب نیست گاهی وقتها محتوی خوب است انگیزه درست نیست یک وقت هم هر دو آن خوب هستند . انقلاب فرهنگی هم همین جور است که یک انقلاب است یک تحول است از یک حالی به حال دیگر نه پیشبرد همان چیزی که هست یک وقت این است که یک قیام میشود ، یک نهضتی میشود برای یک کار خویس . اما الهی نیست . از باب اینکه کار خوب است برای ملتتان ، خدمت می کنیم ، کار خوب است فلان به این ممکن است ارج بدهد اما آنچه که مقصود است این است که انسان در کارهایش چه در تشکیل حکومتش چه در انقلاب فرهنگی چه در انقلابات دیگرش ، نظرش به این باشد که یک کار الهی کرده باشد . این پیش خدا ارزش دارد وقتیکه انگیزه برای خدا شد دنبال این است که این کار را انجام بدهد بطوری که خدا پسند باشد ، از این جهت که در این کار موفق است . اگر موفق نشد در انجام و نتوانست انجام بدهد ، خوب این تصور قدرت تر است ، قدرت نداشته است بیشتر از این ، اما این پیش خدا ارزشش با آن کسی که قدرت داشته است ، مثل هم می ماند بنابراین آنی که برای انسان ارزش دارد ارزش انسانی و روحانی دارد ارزش الهی دارد ، این است که این انگیزه را حفظ کند که برای خدا این کار را بکند خدا که انبیا را فرستاده مقصد اصلی این نبوده است که حکومت بکند ، مقصد اصلی این نبوده است که نظام ایجاد کنند مقصد اعلی این نبوده است که عدالت اجتماعی

کیهان ۶۴/۹/۱۰
امام خمینی به مناسبت میلاد رسول اکرم (ص) :

... قضیه شکست خوردن طاق کسری و فرو ریختن چهارده کنگره از آن قصر و از آن جمله خاموش شدن آتشکده های فارس و ریختن بتها به روی زمین . قضیه شکست خوردن ، شکست طاق کسری شاید اشاره به این باشد که در عهد این پیغمبر بزرگ طاق ظلم ، طاقتهای ظلم می شکند و مخصوصاً طاق کسری شکسته برای اینکه آن وقت این طاق کسری مرکز ظلم انوشیروان بود برای شاه عباس آنقدر تبلیغ کردند با اینکه در صفویه شاید از شاه عباس بدتر آدم نبوده ، در قاجاریه ، آنقدر از انصار - الدین شاه تعریف کردند شاه شهید و نمی دانم امثال ذالک در صورتیکه یک ظالم غداری بود که بدتر از دیگران این که چهارده کنگره از کنگره های قصر ظلم خراب شد بنظر شما نمی آید یعنی در قرن چهاردهم این کار میشود یا چهارده قرن بعد این کار میشود ، به نظر شاید بیاید . این محتمل است که این بنای ظلم شاهنشاهی بعد از چهارده قرن از بین می رود و بحمد الله رفت از بین حالا بتهایی که تراشید نبودند از سنگ یا بتهایی که خود ملتها یا بعضی از ملتها می تراشند با آدم اینها هم رفتنی است . منتها ما حوصله مان کم است تمام دنیا از اول تا آخرش پیش حق تعالی یک جور پیدا است . این ور و آن ور ندارد که یک راه دوری باشد . پیش انسان اینطور است که خیلی راه دور است که هزار سال طول میکشد ، دو هزار سال طول میکشد . نخبیر اینها قریب است . نزد یک است و میشود و بتها شکسته خواهد شد من باید عرض کنم که مقصد اصلی انبیا تا حالا کم حاصل شده است خیلی کم . اگر فردا آخوند های داری نگویند که فلانی گفت ، پیغمبر کسری ازش نیامده . اگر پیغمبر مقصدش حاصل شده بود این آخوند های داری حالا نبودند اگر مقصد انبیا حاصل شده بود این دولت امریکا نمی دانم دیگران نبودند مقصد انبیا حکومت نبوده است حکومت برای مقصد دیگری بوده است . نه مقصد بود . تمام مقاصد بر میگردد به معرفت الله .

کیهان ۶۴/۹/۱۱
امام خمینی در پاسخ به استفتای کمیسیون قضایی مجلس :
در این موقع که اکثریت قاطع متصدیان امر قضا واجد شرایط شرعیه قضاوت نیستند و بهباب ضرورت اجازه به آنان داده شده است حق تعیین حدود تعزیر را بدون اجازه فقیه جامع شرایط ندارند . بنابراین این لازم است با تعیین هیئتی مرکب

چیزیکه برای همه ما لازم است اینست که در فکر این باشیم که مردم را دو صحنه نگهداریم امام خمینی

زنانی چون ام سلمه در عین آنکه کانون خانوادگی گرم و پررحمتی داشتند در عین حال در راه امامت حق بسیار فعال بودند و عشق آنها به امامت نه تنها خانواده آنها را نفی نمی کرد بلکه باعث برخورد اصولی با خانواده نیز می گردید . شیوه ام سلمه این بود که خود و همسر و فرزندان خود را نیز در جهت اسلام فعال می نمود .

زن مسلمان واقعی کسی است که در مسائل اساسی جامعه فعال باشد و حتی مسائل خانوادهاش را در همین جهت حل نماید و خانواده خود را به خدمت عمل صالح در آورد واضح است که چنین زنی دیگر به فکر تجمل پرستی و خودنمایی و ... نمی افتد و انقلاب مایه چنین زنانی نیاز مند است .

والسلام

بقیه از صفحه ۲۸
اُمّ سلمه ...

ما دیگر وظیفه مان را انجام دادیم و حالانویس دیگران است . و یا برخی پدرمادها به فرزندان بسیارشان میگویند مگر انقلاب تنها وظیفه شماست .

اما ام سلمه را میبینیم که در تمام عمر در جنگ و مبارزه شرکت نموده و لحظه ای انفعال و توقف نداشته است .

۵- مزینندی عشق به خانواده و عشق به امامت

برخی عشق به امامت و فعالیت در راه حق را مغایر عشق به خانواده میدانند و عنوان میکنند یا مبارزه یا خانواده . حال آنکه می بینیم

آنچه که مقصود است این است که انسان در کارهایش چه در تشکیل حکومتش چه در انقلاب فرهنگی چه در انقلابات دیگرش نظر بر این باشد که یک کار الهی کرده باشد امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرار داد کنسرسیوم

مقدمه :
اخیراً عوامل کنسرسیوم نفت شکایتی علیه ایران تسلیم دادگاه لاهه کرده و نسبت به ملغی کردن قرارداد کنسرسیوم بعد از انقلاب اسلامی ادعای خسارت کرده اند و این مطلب را یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری دوره چهارم در سخنرانی رادیو تلویزیونی خود به منظور انتقاد به دولت مطرح نمود .

وقتی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید دولت موقت با اعلامیه‌های قرارداد کنسرسیوم را ملغی اعلام کرد و مهندسین بازرگان در بهار رادیو تلویزیونی مورخه ۱۳۵۸/۱/۱۴ اعلام کرد :
"ما کارهای دیگری کرده ایم از جمله قرارداد کنسرسیوم نفت را که مدت آنهم سر آمده بود خاتمه دادیم"
در شرایط بعد از انقلاب بحلت بسیج و شور انقلابی مردم که در اوج خود بود کنسرسیوم نسبت به امر ملغی کردن هیچگونه اعتراضی نکرد در حالیکه در آن زمان می توانست علیه ایران شکایت کند کنسرسیوم مدت ۲۵ سال یعنی از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۸ برخلاف قانون ملی شدن صنعت نفت و خواست مردم به غارت خود در ایران ادامه داده است و تنها حامی او رژیم محمد رضا شاه معدوم بود .
کنسرسیوم با علم به این عمل غیر قانونی خود بعد از انقلاب اسلامی شهادت طرح اعتراض و شکایت علیه ایران را در خود نمیدید اما اینکه چرا حالا جرات طرح شکایت را پیدا کرده جای بسی تأمل است .

به قوای نظامی بر علیه حکومت د کتر مصدق کودتا کردند .
حکومت زاهدی بازور سر نیزه روی کار آمد ، شرایطی بوجود آمد که نیروهای ملی را بازداشت ، محاکمه و زندانی میکردند اختناق و خفقانی بر مملکت حاکم شده بود مردم از این واقعه حیرت زده بودند که چه اتفاقی افتاده است .
بسیاری از سران نهضت مخفی شده و با در زندانها بسر می بردند . حکومت نظامی بطور جدی در اکثر شهرها برقرار شد . کار دولت کودتا آغاز گشت و شاه در همان روز کودتا به کشور بازگردانده شد .
دولت جدید چند مشکل داشت که باید این مشکلات را حل می کرد .
الف : مجلس هیچدم
یکی از مشکلات دولت کودتا انتخاب مجلس جدید بود چون مجلس هفدهم در کودتا کسر مصدق قبا و فرزند وم منحل اعلام کرد و دولت کودتا مجلس نداشت . دولت بهر صورت باید انتخابات مجلس جدید همرا برگزار میکرد تا نشان دهد که مملکت مجلس داشته و مجلس به کارهای دولت

به مجلس و مراجع دیگر ارائه ندادند . تنها گفتند ما قرارداد فروش نفت و گاز با غرب بستیم . دولت زاهدی جرات نکرد که لفظ موافقتنامه ایران و کنسرسیوم را با اطلاع مردم برساند لذا گفتند مادر کادرقانون ملی شدن صنعت نفت قرارداد فروش نفت را بسته ایم در حالیکه کنسرسیوم این جمله را قبول نداشت و میگفت اگر من خواهید این لغت را بکار بگیری پس در رابطه با خودتان می توانید استفاده کنید ولی در متن قرارداد ما ما باید نوشته شود که موافقتنامه ایران و کنسرسیوم "نه" قرارداد فروش نفت"
دولت کودتا از اعتراف به ماهیت عمل خود که همانا امتیاز دادن به کشورهای خارج بود ترس داشت .

۲- مقدمات شکل گیری قرارداد
اولین هیئت در ۲۵ مهر سال ۱۳۳۲ از طرف آمریکا به ایران آمد از کودتای ۲۸ مرداد حد و ۲ ماه گذشته بود . این هیئت بنظام هربرت هوور معروف شد هوور مشاور نفتی وزارت خارجه آمریکا بود که از طرف دالس مامور

در آمریکا و انگلیس و حاج محمد نسیازی به عنوان شخص مطلع از صنعت نفت .
در این کمیسیون مشورتی نظردادند که لازم است از مشخصین خارجی در مورد قرارداد استفاده شود در این رابطه بساد و نفرینام های دون پرت وری پرت تمام گرفتند که این دو میتوان مشاور ایران در کمیسیون منتصب شد تا اما بجای اینکه مشاور ایران باشند عامل شرکت های عضو کنسرسیوم شدند و سنگ آنان را به سینه می زدند .
چندی بعد یک هیئت ۲۰ نفره از شرکت های که قرار بود کنسرسیوم نفت را تشکیل بدهند از تاسیسات نفت بازدید کردند و با هیات به مذاکره پرداختند و در بهمن ۱۳۳۲ از ایران رفتند و ترتیب آمدن نمایندگان کنسرسیوم را برای مذاکره دادند دولت بمذاکرات زیادی با هوور و بن تریز داشت و هیئتی متشکل از دکتر علی امینی و مرتضی قلی مدییر عامل شرکت نفت و فتح الله نوری اسفند پاری عضو شورایی برتساکه تشکیل داد تا برای مذاکره با نماینده کنسرسیوم آماده شوند .

۳- اعضای کنسرسیوم و تعداد سهام آنها
نماینده کنسرسیوم در ۲۰ فروردین سال ۳۳ وارد تهران شد و سفیر کبریا انگلیس هم نامه ای به وزیر خارجه ایران نوشت و شرکت کنندگان را به شرح زیر با سهم های مشخص معرفی کرد :
شرکت استاندرا اوپیل کالمفرن با سهم ۸٪
شرکت سوینی و اکیوم با سهم ۸٪
شرکت استاندرا اوپیل کالمفرن با سهم ۸٪

۴- شرکت گلف اوپیل با سهم ۸٪
شرکت تگزاس با سهم ۸٪
که مجموعاً سهم شرکت های امریکایی ۴۰٪ میشود . شرکت نفت انگلیس هم با سهم ۴۰٪
شرکت رویال داچ شل هم با سهم ۱۴٪
شرکت نفت فرانسه هم با سهم ۶٪
پس این سهمیه بندی ، کنسرسیوم سه نماینده به ایران فرستاد . باید توضیح دهیم که شرکت رویال داچ شل یک شرکت هلندی انگلیسی است که از ۱۴٪ سهم آن در کنسرسیوم ۸٪ متعلق به شرکت نفت انگلیس بود و در نتیجه سهم انگلیس در کل قرارداد به ۴۸٪ میرسد که بزرگترین سهام دار کنسرسیوم میا شد .
زاهدی از عده های در حدود چهل نفر که سهام السلطان بهیات و جمال امامی در رأس آنان بودند دعوت کرد که تا با صلاحیت بدانان به حل مسئله نفت بپردازند .

با تشریح مواد قرارداد مشخص شد که کنسرسیوم چقدر در حق مردم محروم ایران ظلم کرده است و حتی بطور علنی استقلال ایران را نقض میکند . در قرارداد آمده است که هرگاه اختلافی بین این شرکتها و ایران پیدا شد دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی ندارند و باید بدادگاههای خارج ارجاع شود .

نظارت دارد و از این طریق به کارهایش شروعات بخشد .
ب : رابطه با انگلیس
مشکل دیگر رابطه با انگلیس بود د کتر مصدق رابطه دولت ایران را با دولت انگلیس قطع کرد و دولت زاهدی علیرغم خواست مردم و نهضت مصمم بود با دولت انگلیس روابط خود را مجدد ا برقرار کند که مسئله مهمی در آن زمان بود .
ج : نفت
مسئله سوم که مهمترین زمینه فارتگری کشور های استثمارگراست مسئله نفت بود که باید بسرعت تکلیف نفت مشخص می شد مهمترین وظیفه دولت کودتا جاری کردن نفت بسوی غرب بود .

در این چنین شرایطی بود که قرارداد خشم و کینه کشورهای استکباری است که نشان دادند تحمل حکومت ملی د کتر مصدق خفقان و اختناق از متن قرارداد آگاه راندند آنها دست بکار شدند و با تشدد نشاندند که چه خیانتی به ملت ایران شده است اختلافات درونی و بالاخره در انتها با توسل حتی عوامل دولت زاهدی مطالب و مواد آن را

۱- شرایط سیاسی اجتماعی بعد از کودتا ۲۸ مرداد
۲- مقدمات شکل گیری قرارداد
۳- اعضای کنسرسیوم و مقدار سهام آنها
۴- موضوع قرارداد
۵- مقایسه مواد قرارداد با قانون ملی شدن صنعت نفت
۶- بررسی اقتصادی قرارداد
۷- نظرات شخصیت های مختلف راجع به کنسرسیوم

۱- شرایط سیاسی اجتماعی قرارداد کنسرسیوم
واقعیه کودتای ۲۸ مرداد بیانگر خشم و کینه کشورهای استکباری است که نشان دادند تحمل حکومت ملی د کتر مصدق خفقان و اختناق از متن قرارداد آگاه راندند آنها دست بکار شدند و با تشدد نشاندند که چه خیانتی به ملت ایران شده است اختلافات درونی و بالاخره در انتها با توسل حتی عوامل دولت زاهدی مطالب و مواد آن را

امام: با کشورهای که نمیخواهند ما را ببلعد رابطه باید باشد

این افراد بعد از صحبت‌ها و مشورت‌هایی که کردند در بهمن سال ۳۳ گزارش خود را به دولت دادند و خلاصه گزارش این بود: ناچاریم تسلیم کارت‌بیل بین‌المللی نفت باشیم برای اینکه ما توانایی فروش نفت را نداریم صلاح در این است که بر میزان فروش نفت افزوده شود.

قانون "اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز" (این ظاهر آسمش بود) و طرز عملیات آن در روز ۲۹ مهر سال ۱۳۳۳ با ۱۱۳ رای موافق از ۱۲۰ رای در مجلس دوره هجدهم تصویب شد. و از این زمان به بعد دوره سلطه کنسرسیوم بر نفت ایران آغاز شد.

اعضای کنسرسیوم همان‌طوری که قبلاً توضیح داده شد شرکت خارجی بودند که پشت سر آنان کشورهای انگلیس و آمریکا و فرانسه و هلند قرار داشتند.

شرکت آمریکایی که هر کدام دارای ۸٪ سهام بودند برای ساکت کردن شرکت‌های کوچک آمریکایی، هر کدام یک درصد از سهام خود را به تعدادی از آنها فروختند. باید این نکته را تذکر داد که وقتی حکومت ملی در تصدق بر سر کار بود از آمریکا درخواست کمک کرد، آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ داده بود "هرگاه دولت متحده به شما خواهد به میزان مستجابی از طریق اقتصادی به ایران کمک کند در حق مؤدیان مالیات‌های آمریکا شرط انصاف را رعایت نکرده است".

بنظر می‌رسد منظور آیزنهاور اینست که سرمایه داران نفتی مالیات می‌دهند که ما حافظ منافع آنها باشیم اگر نخواهیم به شما کمک کنیم به آنها خیانت کرده‌ایم و در حق آنها انصاف را رعایت نکرده‌ایم زیرا دولت مصدق را ضد کارتهای نفتی میدانستند.

اما همین شخص وقتی دولت کودتاری کار می‌آید سریعاً ۵۰ میلیون دلار کمک فوری به سرلشکرزاهدی می‌کند. و این مبلغ پولسی که باید در جهت سرکوب نهضت بکار گرفته شود. آیزنهاور حمایت‌های زیادی از دولت کودتا می‌کند، دولت هم مجبورست که در دست تمام امکانات را برای غارتگری آنها فراهم کند

موضوع قرارداد در دوران حکومت ملی مصدق سعی بر این بود که صنعت نفت بدست ایرانی اداره گردد، برعکس در قرارداد کنسرسیوم سعی بر آن بود که تمام امکانات صنعت نفت از دست ایرانیان کاملاً خارج شده و بدست خارجیان اداره شود. یعنی اکتشاف، استخراج و تولید و پالایش و فروش که وظیفه شرکت ملی نفت ایران بود به عهده کنسرسیوم گذاشته شد. و بیشتر مانع‌ترازینکه تا کید میکنند که این قرارداد ننگین به هیچ وجه قابل فسخ نیست.

در ماده ۴۱ قرارداد کنسرسیوم چنین آمده است: "هیچگونه اقدام قانونگذاری یا اداری اعم از مستقیم یا غیرمستقیم یا عملی دیگری از طرف ایران یا مقامات ایرانی در ایران اعم از مرکزی و محلی، این قرارداد را لغو نخواهد نمود و مقررات آن اصلاح یا تغییر می‌دهد نخواهد آمد و مصلحت حسن اجرای مقررات آن نخواهد شد"

هربرت هوور یکی از پایه گذاران قرارداد کنسرسیوم بود و در سال ۱۹۴۸ (حدوداً در سال ۱۳۲۸ شمسی) که انگلیس نفت ایران را

غارت میکرد و آمریکا منفعتی در آن نداشت اشاره به ماده ۲۱ قرارداد ۱۹۳۳ کرده و می‌گوید:

"هیچ دولت و ملت از حق حکومت خود استعفا نمی‌دهد لذا ماده ۲۱ قرارداد ۱۹۳۳ به واسطه اینکه مفایر با حق حاکمیت ایران است باطل و کان لم یکن می‌شود."

ولی همین شخص خود عاملی است که ماده ۴۱ را در قرارداد کنسرسیوم میگذارد. برای روشن شدن مطلب فوق ماده ۲۱ قرارداد ۱۹۳۳ را ذکر می‌کنیم:

"این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه به وسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری یا عملیات اجرائی قابل تغییر نخواهد بود."

۵ - مقایسه مواد قرارداد با قانون ملی شدن صنعت نفت در قانون ملی شدن صنعت نفت چنین آمده است:

"بنام سعادت ملت ایران کلیه عملیات اکتشاف، استخراج، تصفیه و بهره برداری نفت در سراسر کشور باید کاملاً در دست ایران قرار گیرد و بندج از قانون ۳۰ مهر ماه سال ۱۳۲۶ و اگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن را به شرکت‌های خارجی مطلقاً منع می‌کند"

قانون ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ چنین مقرر می‌دارد:

شرکت ملی نفت ایران برای اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری از قبیل تصفیه و صدور و پخش نفت و مشتقات آن تاسیس می‌گردد که دارای شخصیت حقوقی است و مدت عملیات آن نامحدود است.

اما ماده ۴ قرارداد کنسرسیوم این است "که شرکت‌های عامل در مدت این قرارداد کلیه حقوق و اختیارات برای انجام اکتشاف و تولید و تصفیه و صدور نفت را دارا می‌باشد."

ماده فوق بقدری با قانون ملی شدن نفت در تضاد بود که دولت زاهدی مجبور می‌شود حقوق مربوط به شرکت ملی نفت ایران را در ناحیه عملیات کنسرسیوم محدود نماید تا با مقررات آن قرارداد منطبق شود.

کنسرسیوم علاوه بر اکتشاف و حفاری و استخراج و تصفیه نفت و تهیه محصولات دیگر و ضبط و ربط تأسیسات نفتی موجود کلیه حقوق و اختیارات لازم را دارا خواهد بود که چه در داخل حوزه عملیات و چه در خارج ناحیه عملیاتی خود از تمام اراضی و مواد معدنی دیگر متعلق به شرکت ملی نفت و اراضی متعلق به دولت ایران که احتیاج داشته باشد استفاده بلا شرط مجانی و مانع القید کند. همین‌طور از هر آب‌گرمی که روی زمین یا زیر زمین یا در حال عبور از زمین‌ها بوده باشد استفاده می‌نماید و در همه جا شرکت ملی نفت ایران مکلف است اگر آب و زمینی متعلق به مالکین خصوصی حتی مورد احتیاج مالک بوده باشد بدون تأخیر آن اراضی و میاه را به سرای شرکت‌های عامل کنسرسیوم خریداری و اجاره کند و بهای آن هم نیابتی از قیمت بازاریا اجاره بهای معمولی تجاوزه کند و آن اراضی و میاه باید بدون هیچگونه قید و شرطی بعنوان داشتن حقوق و بدون هیچگونه پرداخت دیگری تا آخر مدت قرارداد در تصرف شرکت‌های عامل باشد

مطالب فوق نشان میدهد که ماهیت دولت کودتا چیست؟ چطور برخلاف قانون ملی شدن صنعت نفت بصورت نوکروها ملو

مزدور و رفیع آمریکا و انگلیس و فرانسه و هلند وارد عمل میشود و همه امکانات مملکت را برای آنان فراهم می‌کند و آشکارا استقلال مملکت را زیر پا میگذارد.

بر طبق ماده ۴ قرارداد کنسرسیوم اختیارات وسیعی برای ایجاد خطوط آهن و بنساده و سرویس‌های تلفن و تلگراف بی‌سیم و تسهیلات مربوط به هواپیمایی در ایران به کنسرسیوم واگذار می‌شود. استفاده از این اختیارات منوط به موافقت قبلی و کسبی ایران است ولی دولت ایران نباید بدون دلیل موجه از موافقت منوط خوداری یا در اعلام این موافقت تأخیر نماید.

حتی در اینجا که موافقت ایران لازم است مطلب طوری تنظیم شده که جواب باید مثبت باشد و همچنین ماده ۱۲ می‌گوید:

"شرکت ملی نفت ایران عملیات غیر صنعتی را از قبیل خانه‌سازی، راه‌سازی، راه‌داری بهداشت، رفاه اجتماعی، اداره نمیسودن تالارهای غذاخوری و رستورانها و فروشگاه‌های البسه حفظ اموال، تنظیم وسایل نقلیه عمومی و فراهم ساختن آب‌بهرق مورد مصرف اهالی و هرگونه کارهای دیگری را که ارتباط مستقیم با بهره برداری و استخراج و تصفیه و صدور نفت نداشته باشد عهده دار خواهد بود یعنی شرکت ملی نفت ایران که بهره‌آزمه مبارزات و خون شهیدان است بعد از کودتا بعنوان پاد و در خدمت کنسرسیوم درآمد و وظیفه تعیین کند که بگوید که برای من غذا بپزورستوران‌ها را اداره کن و راه برای من بساز و آب تهیه کن، کاری که یک نوکرو با کلفت خانه برای آقای خانه انجامی دهد.

وظایف بقدری وقیحانه و تحمیلی است که برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر باید اساسنامه شرکت ملی نفت ایران تغییر کند. سهام السلطان بهای مدبر عامل شرکت ملی نفت به خبرگزاران مطبوعات گفت: چون بایستی اساسنامه شرکت ملی نفت طوری باشد که با قرارداد کنسرسیوم و اختیاراتی که به این شرکت عامل داده می‌شود مطابقت داشته باشد لذا هیئت

رئیس هیات کنسرسیوم: نحوه عمل شرکت نفت ایران یا کنسرسیوم ما ننند آن است که کسی مالک اتومبیل باشد و ای استفا ده از آن، مادام که قبال استفا ده است به دیگری واگذار رد. یعنی ایران هم غرامت تا سیسات را داد و هم آن تا سیسات را مجاناً "در اختیار کنسرسیوم گذاشت که استفا ده کند.

مدیر شرکت ملی نفت با تشریح مساعی وزیر دارایی آقای امینی مشغول تغییر اساسنامه شرکت شده است. حدود حوزه امتیاز و شعاع عملیات کنسرسیوم خیلی بیشتر از حوزه فعالیت شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تعیین شده است علاوه بر درصدی از خاک بلوچستان قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان و تمام استان های خوزستان و لرستان و شهرهای بروجرد و ملایر و صفحات جنوبی کرمانشاهان و جزایر خارک و خارکو و هند و وای و کیش و قشم و هنگام و هرمز و ... در حوزه کنسرسیوم قرار می‌گیرد

ماده ۴۹ کنسرسیوم: امتیاز نامه مدت قرارداد را ۲۵ سال از تاریخ اجرائی تعیین می‌کند.

تاریخ عقد قرارداد ۲۹ مهر ۱۳۳۳ است و در وهله اول ۲۵ سال یعنی تا سال ۱۳۵۸ و در حقیقت ۴۰ سال است زیرا کنسرسیوم سه دوره ۵ ساله حق دارد مدت قرارداد را تمدید کند و این اختیار یک طرفه و منحصر به کنسرسیوم است یعنی دولت ایران نمی‌تواند با تمدید سه دوره ۵ ساله مزبور موافقت نکند و مجبور است قبول آن است.

راجع به نحوه نظارت دولت ایران در عملکرد شرکت‌های عامل نفت، در جزوه "ماده سوم قرارداد کنسرسیوم چنین آمده است: "از هفت نفر اعضای هیئت مدیره کنسرسیوم و نفر ایرانی خواهند بود.

این دو نفر مسئولیت اجرائی نداشته فقط در جلسات هیئت مدیره شرکت خواهند کرد اما خواهند توانست هرگونه اطلاعاتی که برای انجام وظیفه مدیریت لازم داشته باشند از شرکت دریافت کنند"

مشخص است که این دو نفر در هیئت هفت نفری کاری را نمی‌توانند انجام دهند حتی در مجلس به این موضوع اعتراض شده بود، دکتر امینی وزیر دارایی جواب داد: بود که درست است ما از نظر کمیت در اکثریت نیستیم ولی از لحاظ کیفیت و معنی‌سوی در اکثریت هستیم. معلوم نیست که این جواب روی چه مبنا و اصولی است.

جز "ماده ۴ قرارداد می‌گوسید: اعمال نظارت بصورتی نخواهد بود که مانع بشود یا موجب بطی جریان عملیات شرکت‌های عامل بشود یا اثر سوء در این عملیات ببخشد. مهندس شریف امامی که ستانورانتخابی تهران بود یکی از مخالفین این قرارداد بود می‌گوید:

"در این چهل سال که مدت قرارداد است هر جا که محدودیتی برای دولت ایران و شرکت ملی نفت بوده با الفاظ خیلی صریح پنهان داشته و هر جا که پای منافع کنسرسیوم در کار بوده الفاظ مبهم و کشدار بکار برده شده یا

رئیس هیات کنسرسیوم: نحوه عمل شرکت نفت ایران یا کنسرسیوم ما ننند آن است که کسی مالک اتومبیل باشد و ای استفا ده از آن، مادام که قبال استفا ده است به دیگری واگذار رد. یعنی ایران هم غرامت تا سیسات را داد و هم آن تا سیسات را مجاناً "در اختیار کنسرسیوم گذاشت که استفا ده کند.

مدیر شرکت ملی نفت با تشریح مساعی وزیر دارایی آقای امینی مشغول تغییر اساسنامه شرکت شده است. حدود حوزه امتیاز و شعاع عملیات کنسرسیوم خیلی بیشتر از حوزه فعالیت شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تعیین شده است علاوه بر درصدی از خاک بلوچستان قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان و تمام استان های خوزستان و لرستان و شهرهای بروجرد و ملایر و صفحات جنوبی کرمانشاهان و جزایر خارک و خارکو و هند و وای و کیش و قشم و هنگام و هرمز و ... در حوزه کنسرسیوم قرار می‌گیرد

حتی قید شده که حقوق و اختیارات کنسرسیوم منحصر به آنان که ذکر شد نخواهد بود و اگر کنسرسیوم فلان چیزی را خواست باید با موافقت ایران باشد ولی ایران مخالفت نخواهد کرد و امثال اینها.

پاتشریح مواد قرارداد مشخص شد که کنسرسیوم چقدر در حق مردم محروم ایران ظلم کرده است و حتی بطور وطنی استقلال ایران را نقض می‌کند. در قرارداد آمده است: که هرگاه اختلافی بین این شرکت‌ها و ایران پدید شد دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی ندارند و باید بدادگاه‌های خارج ارجاع شود

بقیه در صفحه ۲۹

تو خود با رحمت و اسعه خود به مسلمین نظر بفرما و همه ما و آنها را از قید خود و عبودیت بتها خصوصاً بت نفت نجات بده امام خمینی

پیرامون بیانیه

سازمان آزادیبخش فلسطین

برای جلوگیری از انفعال مهاجرین فلسطینی آنها یا نهضت‌های انقلابی اسلامی موجود در هر یک از کشورهای عربی پیوند خورده و در عمل صالح نهضت‌ها فعال شوند.

ج: رابطه استراتژیک میان انقلاب فلسطین و توده‌های منطقه: ابوابی‌دادر جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد که عدم وجود رابطه استراتژیک میان انقلاب فلسطین و حکومت میزبان نه‌ایتها "به کشمکش میان خط دولتها و خط انقلاب منحرف شده است و این خطر وجود دارد که فلسطینی‌ها از طرف دولت حاکم یا آمریکا و صهیونیسم سرکوب شوند.

باید توجه داشت که اولاً "انقلاب فلسطین در منطقه از جایگاه مردمی برخوردار است لذا با تکیه به ملت‌ها امکان مبارزه نیروهای فلسطینی وجود دارد ولی احساس میشود ساف در تحقق هدف "پیوند خو ردن با مردم" تلاش کمی داشته در حالیکه در این زمینه امکانات بیشتری داشته و از حمایت مردم برخوردار بوده است. ثانیاً "سازماندهی مخفی توده‌ای مانعی برای سرکوب آنهاست و در اینصورت ابتکار عمل در دست رزمندگان بوده و دشمن را وادار به عقب‌نشینی میکند ثالثاً آنچه که باید اصل قرار گیرد اتحاد استراتژیک میان ملت‌هاست نه دولت‌ها، که عمدتاً "اسرائیل مبارزه بنیادی ندارند.

د: فشارهای بین‌المللی برای محدود کردن و تعدیل انقلاب فلسطین و جلوگیری از فراگیر شدن آن: جمع‌بندی امیرالاسیم بعداً ضربه‌های نظامی که از طرف نیروهای فلسطینی خورده است، تعدیل و سازش تدریجی نهضت فلسطین و وابسته کردن آن به ارتجاع عرب میباشد. ساف می‌بایست با توجه به این توطئه، اگر هم

شیوه فعالیت مخفی ناپدید شده و بدین لحاظ تمامی بدنه تشکیلاتی خود را آشکار کرده است. به گفته وی در سال ۱۹۷۰ سازمان در اردن سرکوب شد، سپس پایگاه‌های ساف در لبنان مورد هجوم قرار گرفت و آنها تحت مراقبت نیروهای حسد-ملیتی از لبنان خارج شده و در سرزمینهای عربی پراکنده شدند. اخیراً "تیزمقرب ساف در تونس بمباران گردید.

نقاط قوت و نقاط ضعف بیانیه

الف: جمع‌بندی از شعار دفع تجاوز: اگر ساف از شعار دفع تجاوز در جنگ اسلام و کفر و همچنین تحقق این شعار در افغانستان به جمع‌بندی عملیات مسلحانه در مناطق اشغالی رسیده باشد، برکت آن اینست که عملیات در مناطق اشغالی علیه دشمن صهیونیستی شدت می‌گیرد و در ضمن نیروهای بین‌المللی و ضد اشغالگر حول این شعار بسیج میشوند، افکار عمومی جهان نیز نمیتوانند مخالفتی با اینگونه عملیات ابراز کنند.

آنگیزه و هدف
بدین حال ما حرای "کشتی آکیلوارو" از جانب سازمان آزادیبخش فلسطین بیانیه‌ای در قاهره مبنی بر ممنوعیت عملیات مسلحانه در مناطق غیر از فلسطین اشغالی، صادر شده است. ساف در این بیانیه یادآور شده است که عملیات مسلحانه در مناطق اشغالی انجام خواهد داد. در این رابطه موضعگیری‌های مختلفی شده است و اسبها ماتی را در مورد انقلاب فلسطین و خط مشی سازمان آزادیبخش، موجود آورده است. گروه‌های مخالف عرفات نیز این بیانیه را محکوم کرده و آنرا سازش با دشمن تلقی کرده‌اند. برخی از مسئولین جمهوری اسلامی نیز چنین برخوردی با این قضیه نموده‌اند. اما بنظر میرسد برای برخورد تعالی بخش با انقلاب و رهبری فلسطین میبایست با توجه به خط مشی انقلاب فلسطین به تحلیل بیانیه پرداخت.

دبیلمایک و بین‌المللی ساف راه این جمع‌بندی رسانده است؟

علل صدور بیانیه

بنظر میرسد ساف با توجه به شرایط و مشکلات موجود از یک طرف و پاسخگویی به نیاز مردم فلسطین از طرف دیگر تصمیم به صدور این بیانیه گرفته است. این مشکلات عبارتند از:

- ۱- پراکندگی نیروهای مبارز ۲- پراکندگی مردم فلسطین بعنوان یشتوانه تسودای انقلاب فلسطین ۳- عدم وحدت استراتژیک بین آرمان فلسطین و کشورهای که نیروهای فلسطینی را پذیرا میشوند مثل عراق، اردن و... که با موجودیت صهیونیسم تضادی ندارند. حتی سوریه نیز در توافق عملیات مسلحانه علیه اسرائیل را از طریق بلندیهای حولان ممنوع اعلام کرده است.

بدین ترتیب شاهدیم که کشورهای عربی نه تنها خود هیچگونه درگیری مستقیم با موجودیت اسرائیل ندارند بلکه جلوی حرکت فلسطینی‌ها را نیز میگیرند. از طرف دیگر مردم فلسطین اولاً نیاز به منطقه آزاد شده‌ای دارند تا از طریق آن بتوانند نیروهای خود را علیه اشغالگران آموزش داده و سازماندهی کنند. ثانیاً "نیاز به مبارزه مخفی است. تشکیلات ساف در سر بلندی شدن، در لبنان به اوج خود رسیده و رهبران آن احساس کردند که قادرند بصورت نظام و یک جریان حاکم در آیند، غافل از اینکه انقلاب فلسطین در این مرحله می‌بایست به نهضتی بودن در مقابل اسرائیل بیشتر بسند شد تا دولتی شدن و برقراری روابط علنی با عناصر ناخالص منطقه.

پس از حوادث لبنان و مقاومت ۸۸ روزه ابوابی‌دادر مباحثه‌ای (کیهان مورخ ۶۲/۸/۵) فعالیت علنی را ویرانگر میدانند، چرا که

بنام خدای شهدای فلسطین

سیرا جمالی جمع‌بندی‌های ساف

در ابتدای اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸، مبارزاتی علیه اشغالگران صورت میگرفت منتها استراتژی منسجم و واحدی وجود نداشت تا اینکه نیروهای مبارزه ضرورت تدوین استراتژی و تاکتیک رسیدند. این جمع‌بندیها در نشست سال ۱۹۵۹ به موارد زیر تکیه داشت: (۱)

- ۱- مسلحانه بودن مبارزه ۲- خودکفایی مالی ۳- عدم وابستگی به کشورهای عرب ۴- چگونگی برخورد با تضادها که تضادهای عمده فلسطین، اسرائیل، آمریکا، ارتجاع عرب و تضادهای داخلی است اما سازمان فتح به این مسئله توجه داشت که از دشمن اصلی (صهیونیسم) هیچگاه غافل نشود. ۵- پیوند با مردم.

رهبران سازمان فتح در آن نشست به جمع‌بندی‌های رسیده بودند که بعداً "به عنوان اهداف سازمان مطرح شد. این اهداف عبارتند از: سازماندهی مبارزه مسلحانه در از مدت توده‌ای علیه اسرائیل (عملیات فدائی).

وحدت ملت فلسطین

تصمیم گیری مستقل فلسطینی حرکتی فدایی که بطور خودجوش در بین مردم فلسطین صورت میگیرد ناشی از این مسئله است که مردم به اصول مبارزاتی خود پایبند بوده و توانایی رویارویی مستقیم با صهیونیسم و تداوم آن را دارند. با توجه به موارد فوق این سئوالات مطرح است: در تعیین خط مشی و شیوه‌های مبارزاتی آیا به نیاز و وضع مردم اصالت میدهم یا به شرایط و مشکلات؟

آیا توان تاریخی و وضع مردم فلسطین در حدی است که فقط در مناطق اشغالی عمل کنند یا اینکه شرایط سیاسی و فضا رهای

اگر ساف از شعار دفع تجاوز در جنگ اسلام و کفر و همچنین تحقق این شعار در افغانستان به جمع‌بندی مبارزه مسلحانه در مناطق اشغالی رسیده باشد، برکت آن اینست که عملیات در مناطق اشغالی علیه دشمن صهیونیستی شدت می‌گیرد.

ب: نیاز به مبارزه "فدائی": آنچه که در بن خط مشی انقلاب فلسطین جای دارد مبارزه مسلحانه در از مدت است. که این اصل در بیانیه رعایت شده است اما نباید این مبارزه را محدود به منطقه خاصی نمود یا بدتوجه کرد که نیروهای فلسطینی حدود ۱۰ هزار جنگجو است، اما نیروهای مردمی و مقاوم فلسطینی در لبنان حدود ۴۰۰ هزار نفر، در اردن یک میلیون نفر و در سوریه حدود ۳۵۰ الی ۴۰۰ هزار نفر هستند شماری هم در مصر و عراق و... مستقر هستند (مباحثه ابوابی‌دکیهان ۶۲/۸/۵). بشتوانه مردمی انقلاب فلسطین نیاز به تحرک و مبارزه با دشمن اشغالگر دارند و در صورت محدود کردن جنبه جنگ به داخل سرزمینهای اشغال شده این نیروها منفعل میشوند. لذا رهبران فلسطینی از کلیه جناحها می‌بایست در فکر بسیج مردمی که در بیرون از مناطق اشغالی هستند بوده و جدا "روی این مسئله فکر کنند، در غیر اینصورت ممکن است تدریجاً "بسیاری از این نیروها به رفا و آسایش‌گرایی پیدا کرده و با توجه به جو غیر انقلابی کشورهای عربی به طرف غرب و ارتجاع عرب بروند. توصیه میشود

کمکهای مالی و نظامی از برخی از کشورهای منطقه دریافت میکنند تا به استقامت استعماری نشده و استقلال خود را حفظ نماید ه: در یک سازمان رزمنده جمع‌بندی ایدئولوژیک استراتژیک و تاکتیکها دائماً "مؤد نظر است. ساف ابتدا ۹ سال مبارزه مخفی داشته و پس از آن در سرزمینهای عربی پراکنده شد اکنون بعد از ضرباتی که متحمل شده است نیاز به جمع آوری کادرها و سازماندهی مجدد دارد. هر جمع‌بندی اصولی تازیه تکاملی است برای تشدید حرکت و جلوگیری از خطاها و در اینصورت اختلافات داخلی کاهش یافته و از پراکندگی نیروها جلوگیری میشود.

آکنون در جمع بندی مجدد نیاز به بررسی "۸۸ روز مقاومت در بیروت" هست و ریشه بیانیه فوق را هم باید در آن جریان جستجو کرد. در آن روزها برخلاف تصور نیروهای لبنانی و فلسطینی و حتی برخی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران، خط مشی فلسطینیها ایجاب میکرد که نیروهای فلسطینی با مقاومت خود کربلایی بیافرینند و دشمن متحاذر را عقب برانند حتی عرفات نیز بعداً "بقیه در صفحه ۶

برادران! در هر جا هستید با هم پیوندید، مسلمین، با هم پیوندید، با وحدت کلمه قدس عزیز را از دست صهیونیسم نجات دهید.

«رفقیه عالیقدر آیه الله منتظری»

پیرامون سخنان دادستان کل کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

ضرورت و مقدمه :

بعد از انتصاب حجت الاسلام موسوی خوئینیها از جانب امام خمینی به سمت دادستانی کل کشور ایشان حرکتی را جهت مصادره و جلوگیری از استرداد اموال سرمایه داران فراری و وابسته را شروع کردند که با مخالفتها مواجه شدند. این مخالفتها از جانب جریانهاست که مالکیت شخصی را فطری میدانند. این جریان معتقد است حتی اموال سرمایه داران فراری متعلق به خودشان بوده و گرفتن اموال آنان عملی نامشروع بود مبادی پس داده شود و از این موضع به مخالفت با مصادره اموال و ... میرد ازنده به آن مارک مارکسیستی و ... میزنند. این جریان فکری تضاد کاذب بین بخش خصوصی و دولتی را به وجود آورده و به دولت مارک میزند. در این نوشته برآنیم که این تضاد را بررسی نموده و به شرح منطقی ایدئولوژیک سیاسی آقای خوئینیها بپردازیم.

الف - منطقی ایدئولوژیک سیاسی
آقای خوئینیها در رابطه با مصادره اموال

"در زمان شاه صادرات نفت به ۶ میلیون بشکه رسید این پولهای نفت را شما بررسی کردید که در زمان شاه به جیب چه کسانی رفت یانه؟ این اشخاصیکه در همان زمان صدها و هزارها هکتار زمینشان به اسم اصلاحات ارضی شاه دادند به این کشاورز بیچاره و پولش را از او گرفتند و حتی آنقدر عجله داشت شاه که آمد از خزانه دولت، از بودجه کشور پول آنها را یکجا داد بعد گفت من خودم از کشاورز میگیرم. بعد این پولی که به آن صاحب زمین داد چکار کرد، آمد پولش را کارخانه درست کرد. اگر اینها حرام نیست پس این بودجه و حقوقی که از مردم غارت رفته است و به ناحق برده اند و اگر مهر زنان هم شده باشد از آنها بر میگردد انم - نظامی درست کردند که بر مبنای آن نظام اموال فقوا وضع غارت شد ..."

با اشاره به سخنان حجت الاسلام خوئینیها به دلائل غیر شرعی و غیر قانونی بودن درآمد ناخالص نفت در زمان شاه میپردازیم :

بعد از کودتای ۲۸ مرداد قانون ملی شدن نفت توسط رژیم امریکایی - انگلیسی شاه زیر پا گذاشته شد و نفت ایران توسط کنسرسیوم به غارت رفت و به کشورهای صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل و همچنین افریقای جنوبی صادر گردید. به همین علت علمای و مراجع و بخصوص امام خمینی فروش نفت را غیر شرعی و غیر قانونی دانسته و آنرا غارت و غصب بیت المال مسلمین اعلام کردند. حتی امام خمینی در ان زمان شرکت در مجلس قانونگذاری را حرام دانسته و فرمودند حقوق نمایندگان آنها حرام است و باید برگردانند چرا که آنجا عمل حرام انجام میدادند. نهضت مقاومت ملی و مجاهدین و دیگر نیروهایی که مبارزه مسلحانه میکردند نیز فروش نفت را غارت بیت المال می دانستند.

اینها بهترین دلیل است که فروش نفت و درآمد حاصل از آن سرمایه های که از این طریق انباشته میشود غیر شرعی بوده و از آن بیت المال مسلمین است و باید آنرا به نفع مستضعفین مصادره نمود، حتی اگر این سرمایه ها را به کسانی داده که وابسته و فراری نیستند و یا حتی اگر این سرمایه ها به کابین زنان رفته باشد.

ب- بررسی تضاد کاذب بخش خصوصی و بخش دولتی

یکی از تضادهای کاذبی که بخصوص پس از مطرح شدن تجارت خارجی عمده شد مسئله بخش خصوصی و دولتی بود. عمده ای با دست گذاشتن روی اشکالات و نارسائیهای بخش دولتی از قبیل رشوه خواری وارتی بازی، عدم برنامه ریزیهای صحیح و ... دولت را ناتوان از اداره امور معرفی میکردند. طرفداران بخش خصوصی معتقدند بخش دولتی بعلت کمبود کادر متخصص و وضع مدیریت نمیتواند مشکلات اقتصادی را حل نموده و در نتیجه قراردادهایی میبندد که به ضرر کشور است و باعث رکود صنایع و کشاورزی و رکود صادرات شده است و کلاً این سیستم را مارکسیستی و الحادی و مخالف با فقه و شرع اسلام میدانند.

عمده ای دیگر معتقدند با آزاد گذاشتن بخش خصوصی تمام سرمایه ها نزد عمده و جریبان خاص انباشته شده و تکثیر ثروت بوجود میاید و بازار بدست افرادی میافتد که بیشتر از آنکه بفکر محرومین و مستضعفین باشند در فکر درآمد بیشتر میباشند و بدین ترتیب سرمایه داران سرمایه دارتر و محرومین محرومتر میشوند و در مجموع نبض اقتصاد مملکت بدست سرمایه داران میافتد که در واقع همان احای رژیم سابق میباشد.

حال با توجه به نظریات ایند و علت کاذب بودن

این تضاد را اینگونه میتوان بررسی کرد که هر دو بخش خصوصی و دولتی متکی به درآمد نفت هستند و بر سر حدود اختیارات استفاده از این نفتی اختلاف دارند و در واقع این تضاد، تضادی است که بر سر ارزش نفتی است نه اینکه چه کسی بهتر میتواند در جهت خود کفایی و استقلال حرکت کند.

در شرایط فعلی دولت چون نماینده مردم بوده و معتقد به انقلاب و امام میباشد صلاحیت بیشتری در اداره امور اقتصادی کشور دارد. البته باید توجه داشت که چه بخش خصوصی و چه بخش دولتی هر دو باید تابع خط مشی صحیح انقلاب باشند. خط مشی انقلاب و نیاز اصیل مردم نیز خود کفایی و عدم اتکا به درآمد نفت است و هر کس و یا هر موسسه ای چه دولتی و چه خصوصی باید در جهت نیاز اصیل مردم که خود کفایی است حرکت کند و تمام توان و نیروی خود را در جهت زندگی بدون نفت بکار گیرد.

اگر اینها تابع خط مشی صحیح انقلاب شوند کسی صلاحیت اداره مملکت را پیدا میکند که در این جهت فعال باشد. اگر بخش خصوصی فعلی سرمایه خود را در این جهت بکار اندازد دیگر بخش خصوصی نبوده و بخش مردمی و انقلابی خواهد بود و دیگر تضاد بنیادینی با دولت که مردمی و انقلابی است پیدا نخواهد کرد.

هم اکنون جریانات معتقد به بخش خصوصی به حرکت آقای دادستان کل کشور میزنند و آنرا مارکسیستی و کمونیستی میدانند. حال آنکه آقای دادستان برخلاف مارکسیستها در مقابل غارت نفتی موضع دارند.

باید توجه داشت که جریانهای مارکسیستی در هیچ مقطع از تاریخ ایران موضعی انقلابی و مبارزاتی در مخالفت با صدور نفت و غارت آن نگرفته و اصولاً استثمار از طریق غارت نفت برای آنها ملموس نیست. این مسئله بطور مفصل در کتاب "دانشگاه مدرسه" و "راه مجاهد شماره ۱۶" آمده است.

این بی تفاوتی در مقابل غارت نفت حتی در مارکسیستهای بود که با رژیم شاه مبارزه هم میکردند. اکثر جریانهای مارکسیستی بعلت عدم درک استثمار نفتی و سرمایه داری نفتی در تمام راه خود به ضدیت با انقلاب و امام هم کشیده شدند.

زمانیکه شاه اصلاحات ارضی نفتی "کرد موضع توده ایها و مارکسیستهای دیگر نسبت به رژیم تعدیل شد چرا که آنها معتقد بودند که رژیم با این اصلاحات در واقع فتوح الجزم را از بین برده و دوران سرمایه داری و رشد طبقه کارگر شروع شده است. مارکسیستها با سرمایه داری نفتی تضادی ندارند چرا که این سرمایه داری باعث بوجود آمدن کارخانه و ایجاد طبقه کارگر میشوند. بدین ترتیب میبینیم که مارکسیستها تضادی با سرمایه داری نفتی ندارند.

کسانیکه مارک مارکسیستی به آتسای دادستان میزنند خودشان هم موضع با مارکسیستها شده که تضادی با سرمایه داری نفتی ندارند و آنقدر که مسئله بی حجابی و در واقع دولت برایشان اهمیت دارد مسئله سرمایه داران نفتی و رباخواران اهمیتیت ندارد

والسلام

پیرامون بیانیه سازمان

به این نتیجه رسید که نیروهای فلسطینی ناسیستی بیروت را ترک میکردند. به ترات در این شرایط ضروری این جمعیتی فکر کرده و به ریشه یابی ضربه های بعد از حرم ارسنان سیر دارند.

برخورد صبورانه با انقلاب فلسطین اکنون با توجه به موارد مطرح شده بیاض راه برخورد اصولی و دلسوزانه را با انقلاب فلسطین بیش بگیریم. امت قهرمان و مستضعف فلسطین هیچ بناهی ندارند و ما هستیم که طبق شعار "مروا بایران، فرودا فلسطین" کد سازد و امت انقلابی ایران و فلسطین میباشد. بایستی به آنها پناه بدهیم. نیروها و مردم آن ها را بپذیریم و در برخورد تنگ تنگ با آنها ما هم خودمان مسائل آنها را بهتر درک کرده و در صدد حل آن باشیم. وهم اینکه از نزدیک شدن آنها به کشورهای ارتجاعی منطقه جلوگیری نمائیم تا سس دانشگاه قدس و پذیرفتن دانشجویان فلسطینی طبق طرحی که آیت الله العظمی منتظری مطرح کرد یکی از شیوه های مناسب در این زمینه است.

نباید از نظر دور داشت که ما خودمان یک نظام منضم هستیم، سرزمین داریم - امکانات تبلیغاتی فراوان در اختیار داریم ارتش و سپاه و بسیج (نیروهای کلاسیک و غیر کلاسیک) داریم و از همه مهمتر شخصتهایی چون امام و آیت الله منتظری در رأس رهبری نهضت و نظام هستند، با همه این امکانات با زحم هماهنگی و انسجام کامل در تحلیلها، روابط خارجی و مسائل داخلی در بین مسئولین و نیروهای ما وجود ندارد، با این حال برخورد امام با مسئولین برخوردی صبورانه، دلسوزانه و هدایت آمیز میباشد. توصیه میشود برخوردهای امام برای تعالی بی ارتش و ... توجه بیشتری شود، امام با شکی به نقاط قوت نهضت اسلامی با نارسائیهای موجود برخورد میکنند.

امیدواریم مسئولین از شیوه های امام درس عبرت گرفته و در برخورد و تحلیلهای خود با مسئله فلسطین و رهبران فلسطینی شیوه دلسوزانه تری داشته باشند.

امیدواریم کلیه جناحهای فلسطینی اختلافات خود را کنار گذاشته و تشویر عملیات مسلحانه را در داخل فلسطین گرم نگه دارند. در شرایط فعلی نیز تا کیستی که ساف بر روی "سارزه" مسلحانه در داخل سرزمینهای اشغالی کرده است، نقطه قوتی است که باید آن را سال و پیرداد و تبلیغ نمود. ملک حسین دوم صحنه خود گفته است اگر غرب به فلسطین امتیاز ندهد الگوی جنوب لسان یعنی "سارزه" مسلحانه به منظور دفع تجاوز و اخراج اشغالگر، در سرتاسر مناطقی شروع خواهد شد. آنها عملیاتی بی امان که فرصت جمعیتی را از دشمن ملت میکند. همجنس امیدواریم از تحریکات دفع تجاوز در ایران و جنوب لسان حداکثر استفاده را بنمایند. شدت گرفتن این عملیات چنان تازه ای به مقاومت فلسطین میدهد و بیوند آنها را با انقلاب اسلامی بیشتر میکند و از این راه توطئه هائیز خنثی میگردد. والسلام

باورقی (۱) : مراجعه شده راه محاهد شماره ۲۵ مقاله "عمل صالح فلسطینی ها چیست"

اگر ماتمولی داخلی در خود و روش خود بوجود نیاریم، دستاوردهای انقلاب و خون پاک شهدای عالیقدر اسلام را بخطر انداخته ایم. آیت الله منتظری

تفقه در دین

وظیفه عمومی و واجب عینی

بسم الله الرحمن الرحيم

واقع جامعه اسلامی و مسائل زمانه عقب ماندند و در نتیجه فقرا هم منحصر به همان مسائل محدود و فروعی روزمره نمودند.

ب: اهل عمل

عده‌ای دیگر از آیه ۱۲۲ سوره توبه برداشت کاملاً متفاوتی کرده و معتقدند تفقه در دین تنها در میدان عمل و مبارزه امکانپذیر بود موهبیچ گاه در پشت درهای بسته و خارج از صحنه عمل نمی‌توان در دین تفقه کرده بلکه تفقه همان درک و عمل به اصول دین می‌باشد. چنانکه حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای در یادگان ابودر صحبتی بدین مضمون داشتند که من تا بحال فکر میکردم در حجره‌ها میشود اسلام را شناخت حالا فهمیدم اینطور نیست و در سنگرها می‌توان اسلام را شناخت و درک کرد. در جای دیگری نیز گفتند در جبهه‌ها و میدان غلبه حق بر باطل است که می‌توان تفقه کرد. همچنین آیت‌الله مهدوی‌کی‌ن نیز در سخنرانی که در مراسم عاشورا در میدان امام حسین (ع) داشتند صحبتی بدین مضمون کردند: تفقه کسی که در قرآن می‌فرماید در همین جبهه‌های نبرد حق علیه باطل امکانپذیر می‌باشد. چنین تفکری هیچگاه اسلام را به دو بخش متفاوت تقسیم ننموده بلکه برای اسلام تنها یک میدان که میدان عمل و تفقه در در حرکت است قائل می‌باشد.

بنابراین با دیدی وسیع‌تر و با توشه‌گیری از قرآن و آیات متعددی که راجع به تفقه وجود دارد، در این باب که تفقه در دین نه تنها مختص گروهی خاص نمی‌باشد بلکه وظیفه فرد فرد مسلمان است و موضوع تفقه را نیز از حدود و مسائل فردی فراتر رفته و دربرگیرنده معنی عامتری می‌باشد.

حال در حد توان خویش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا امر تفقه و اجتهاد وظیفه عده‌ای محدود می‌باشد یا بر عموم مردم واجب است.

۱- تفقه بر همه واجب است

بنظر میرسد در آیه ۱۲۲ سوره توبه اصل بر تسبیح عمومی برای تفقه و واجب عینی بودن آن می‌باشد ولی چون در آن شرایط زمانی برای همه مؤمنین این امر امکانپذیر نبود مثلاً عده‌ای در جنگ شرکت کرده بودند، خداوند می‌فرماید پس چرا یک‌عده از شما برای تفقه در دین کوشش نمی‌کنید.

در این باره در صفحه ۱۶ اصول کافی جلد ۱ از حضرت امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرموده‌اند: "دین را خوب بفهمید زیرا هر که دین را خوب نفهمد مانند صحراگرد (اعراب بدوی) است. خداوند در کتابش می‌فرماید: تا در امر دین دانش‌اندوزند و

در جامعه امروز ما "تفقه در دین" به معنای یک شغل و حرفه تلقی میشود که مختص عده‌ای خاص بوده و بقیه مردم موظف به تقلید صرف از این عده میباشد. از آنجا که لزوم "تفقه در دین" از قرآن اتخاذ شده است، برای حل اختلاف در برداشت‌ها از امر تفقه و تفقه اصل قرآنی آن مراجعه میکنیم.

مبنای قرآنی امر تفقه

مبنای قرآنی فقاها آیه ۱۲۲ سوره توبه است که میفرماید:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً وَلَوْ لَأَنفَرْنَا مِن كُلِّ قَبِيلَةٍ مِّنْهُمُ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ .

و مؤمنون که همگی کوچ نمی‌کنند پس چرا نباید از هر طائفه ای عده‌ای از آنها کوچ کنند برای اینکه در دین تفقه کنند و انداز نمایند قسم خود را هنگامیکه باز میگردند بسوی ایشان شاید بترسند.

این آیه صراحتاً به مؤمنین امر می‌کند که حداقل عده‌ای باید به امر تفقه بپردازند.

تفسیرهای مختلف از این آیه

الف: اهل علم - اهل عمل

عده‌ای در تفسیر این آیه همانطور که در تفسیر نمونه حجت‌الاسلام ناصر مکارم شیرازی و تفسیرهای دیگر آمده است معتقدند:

نباید همه به جهاد بروند بلکه لازم است هر جمعیتی از مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگری در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلام را بیاموزند و به هنگامی که یاران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمانهای الهی را به آنها تعلیم دهند و از مخالفت اندازشان نمایند.

بنا بر این بر اساس این برداشت از آیه قرآن، جامعه مسلمان را به دو تشرودسته تقسیم می‌کنند: عده‌ای جهاد کنند و اهل عمل و مبارزه و درگیری مستقیم با دشمن و عده‌ای اهل علم و تحقیق و تفقه در مسائل دینی.

این تفکر بهرور در جامعه اسلامی بصورت سیستم فکری درآمد است. بخصوص بعد از تشکیل حوزه‌های علمیه این تفکر قوت بیشتری پیدا کرد که یک عده فقیر از تفقه در دین نباید بیه کاری دیگر مشغول شوند.

این تفکر باعث شد که برخی روحانیون تحقیق و تفقه در امور دینی را نافی شرکت در مسائل سیاسی اجتماعی دانسته و تدبیراً از نیازهای

بنابراین تفقه واجب کفائی نبوده بلکه واجب عینی است و بدین معنی نیست که عده‌ای محدود و به اندازه‌ای که رفع نیاز بشود بدنبال آن بروند، بلکه همه فطرتاً نیازمند تفقه در دین هستند. بعلاوه این آیه تقلید کورکورانه را نفی کرده و با استقلال فکری اصالت می‌دهد و مشخص می‌نماید که نبایستی به تقلید اصالت داده و تقلید و مقلد ماندن نیز دائمی و همیشگی باشد بلکه اساس بر این است که همه مجتهد بوده و تفقه کنند و تقلید یک حد و مانعی است که باید برداشته شود.

۳- تفقه خیرخواهی و رحمت الهی فراگیر است.

قال امام صادق (ع) إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ نَفَقَهُ فِي الدِّينِ .

چون خداوند خیر بخواهد او را در دین دانشمند می‌کند.

از آنجا که خداوند رحمان برای تمام بندگان خود اعم از زن و مرد طالب خیر و نیکی است مسلماً برای همه تفقه را نیز طالب است. پس فقاها یکی از نعمات عام خداوند است که به بندگان ارزانی داشته و امکان دستیابی به آن برای همگان میسر است و تفقه در دین قانون الهی است که همه باید برای رسیدن به آن تلاش نمایند.

در نتیجه آنها که می‌گویند تفقه در دین واجب کفائی است در واقع ناخود آگاه خیر الهی را به اقلیتی اختصاص داده و اکثریت مردم را از

تفقه در دین و درک امور دین یک امر تخصصی و مخصوص عده‌ای خاص نیست بلکه یکی از وظایف اساسی هر مؤمن است

آن محروم می‌دانند.

۴- عبادت بدون تفقه خیری ندارد

(ع) در باب خبر دادن معنی واقعی فقیه

روایت شده: "... أَلَا خَيْرٌ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ إِلَّا لَخَيْرٍ فِي عِبَادَةٍ لَا فِقْهَ فِيهَا ."

"در قرائتی که در آن تدبیر نباشد خیری وجود ندارد و در عبادتی که در آن تفقه نباشد، خیری یافت نمی‌شود."

حضرت در این کلام خود یکی از ارکان اصلی عبادت را تفقه می‌دانند یعنی عبادت باید از روی فهم و فقاها انجام شود و نسبت به عبادت و کسی که مورد عبادت قرار میگیرد شناخت وجود داشته باشد.

بنابراین در عبادت کورکورانه خیری وجود ندارد. یعنی انسان را رشد و تعالی نمی‌دهد و باعث نزدیکی او به خدا نمی‌گردد. بلکه آن عبادتی موجب تقرب الی الله می‌شود که از روی فهم و تفقه انجام می‌شود. حال از آنها که اعتقاد دارند فقاها در دین واجب کفائی است باید پرسید پس تکلیف عبادت بقیه مردم چه میشود؟

که بقول امام علی (ع) در این صورت خیری در عبادت آنها نیست!

والسلام

چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند شاید آنها بترسند. باز هم مفضل از قول امام صادق (ع) می‌گوید: "بر شما باد که در دین خدا دانشمند شوید و صحراگرد (اعراب بدوی) نباشید. زیرا آنکه در دین خدا دانشمند نشود خدا در روز قیامت به او توجه نکند و کردارش را پاکیزه شمارد." از گفتار امام صادق (ع) نیز چنین برمی‌آید که تفقه در دین و درک امور دین یک امر تخصصی و مخصوص عده‌ای خاص نیست بلکه یکی از وظایف اساسی هر مؤمن است. امام صادق (ع) آیه ۱۲۲ از سوره توبه را هم برای تأکید این مطلب بیان می‌کنند و در ادامه می‌گویند هر کس تفقه در دین نکند در روز قیامت مورد توجه خدا نمی‌باشد و خداوند کردارش را پاکیزه نمی‌شمارد. در نتیجه تفقه در دین یک شرط لازم برای هر مسلمانی است که بدون آن کردار و اعمال ما پاک و خالص نمی‌گردد و مقبول درگاه الهی نمی‌افتد.

۲- تفقه واجب عینی است نه واجب کفائی

همانطور که گفته شد این تصور در جامعه تدبیراً قوت گرفته است که چون همه مردم نمی‌توانند در دین به تفقه بپردازند، در نتیجه به اندازه‌ای که کفایت بشود عده‌ای محدود باید در این امر خیره شوند و بقیه مردم از این افراد تقلید کنند. حتی بتدریج مقلد بودن و مقلد ماندن خود یک وظیفه و ضرورت اولیه تلقی میگردد و نه تنها تلاشی برای آموزش و کادرسازی مقلدین و به اجتهاد رساندن آنها نمی‌شود بلکه می‌گویند اساساً تقلید یک امر فطری است و بشر فطرتاً بدنبال تقلید می‌رود. حتی واژه مجتهد و مقلد را تبدیل به مقلد و مقلد می‌کنند و اجتهاد را امر ثانویه قلمداد می‌نمایند. در صورتی که در سوره اعراف آیه ۱۷۹ خداوند می‌فرماید:

ما بسیاری از آدمیان و پیری را برای جهنم آفریدیم و آنها کسانی هستند که دل‌هایی دارند که به وسیله آن تفقه نمی‌کنند و چشم‌هایی که به وسیله آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی که بد آنها نمی‌شنوند. آنها مانند حیوانات بلکه گمراه تر هستند و آنها غافلانند.

از این آیه چنین استنباط می‌شود که تفقه یک امر عام و یک وظیفه و رسالت انسانی است و همه باید تفقه کنند و گرنه از چارایان هم گمراه‌تر هستند.

دیدگاه‌های مختلف در عتباتی: عدم پیام مردم عراق

بعد از گذشت ۳ سال از مرحله اول ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق و عدم قیام مردم عراق، این سؤال در بسیاری از رزمندگان و نیروهای خط امام بوجود آمده که علت عدم قیام مردم عراق چیست؟

آشنایی با مشکلات مردم عراق موجب برخورد فعالتر با انقلاب عراق و برخورد صحیح با مردم عراق و اسرای عراق در جنگ، اسلام‌علیه کفر می‌گردد.

۱- فشار و اختناق موجود در عراق
جریانی می‌گوید موج دستگیری و اعدامها بسیار زیاد است و موجب ترس مردم گشته است. هر خدایان گشتی مخصوص دارد و مردم نمی‌توانند تظاهرات کنند، اسامی و تعداد خانه‌های هر کوجه را نگهبان مخصوصی میدانند و رفت و آمد را کنترل میکند.

۲- رفاه
عده‌ای می‌گویند رژیم باداوان رفاه فراوان سعی در راضی نگه داشتن مردم دارد همین رفاه عده‌ای را خوشبین کرده و جلوی قیام علیه صدام را گرفته است.

۳- نبودن نیروی مبارز جوان
عده‌ای می‌گویند در اثر دستگیری‌های وسیع و اعدام‌ها و مهاجرت عده‌ای از مبارزین نیروی جوانی که قادر به مبارزه باشد در عراق وجود ندارد. در شهر فقط پیرمرد و پیرزن و بچه به چشم می‌خورد.

۴- پایین بودن سطح آگاهی مردم
جریانی می‌گوید مردم نسبت به فرهنگ و واقعی اسلامی ضعیف است و دیدگاه واقعی از اسلام در بین مردم وجود ندارد.

۵- نبودن شعار وحدت دهنده و رهبری واحد:
عده‌ای می‌گویند در بین نیروهای مبارز شعار واحدی که همه گروهها حول آن وحدت پیدا کرده و مبارزه کنند وجود ندارد. همچنین رهبری واحدی همانند امام خمینی در آنجا وجود ندارد تا مردم را علیه صدام بسیج کند.

۶- نداشتن الگویی برای انقلاب کردن:
عده‌ای می‌گویند وجود دستهای مرموز و شیوه‌های غیراسلامی در ایران عده‌ای را از انقلاب در عراق مأیوس کرده است. آنها می‌گویند ایران انقلاب کرده و وضعیتش این است، ما به چه امید می‌داریم انقلاب کنیم.

۷- نبودن کادرهای کیفی
جریانی معتقد است کسانی که صلاحیت اداره کشور بعد از پیروزی انقلاب داشته باشند، وجود ندارند و کسانی که بتوانند استراتژی بدهند در عراق وجود ندارد و اکثر شهید شده‌اند.

۸- نبودن روحانی مبارز در شهرهای عراق
والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم
در برخی محافل و مجالس این روزها می‌شنویم که "خدا یا آتش این جنگ را به نفع مسلمین تمام کن" گویند آتش جنگ خرمین زندگی مسلمین را می‌سوزاند که دعای خاموش شدن آن را میکنند. راستی چرا چنین اندیشه‌ای در بین نیروها، حتی نیروهای حزب اللهی دیده میشود. اغلب این نیروها جنگ را بلا و سختی میدانند. بلایی که امکانات مادی هر دو کشور را از

شو بخوانیم تا لیب آتش مستکبران جز سلامت بر ما نیفزاید و آنچه برافروخته‌اند در امن خودشان را بگیرد و نابود سازد. امروز جنگ اسلام با کفر کمپ بودی چنین حالتی را دارد، چرا که انقلاب اسلامی بشارت دهنده، ایمان به خدای واحد قهار و نفی بتها و خدایان دروغین است. اگر از دید منافع دنیایی به جنگ نگاه کنیم هر چه می‌بینیم همه خرابی، خسارت، گشتار، تلفات و کشور و... است و طبیعی است که آرزوی خاموش شدن آتش

دنيا و آخرت در جنگ آتش جهنم آتش جنگ

جنگ را خواهیم کرد هر چند واژه به نفع مسلمین راهم به آن بیفزاییم. ولی اگر با دید اخروی به آن نگاه کنیم و برایمان سعادت و تسلیم و رضا به حق تعالی مطرح باشد و کمر به نابودی بتهای دروغین ببندیم، آنگاه جنگ را رحمت برافروخته‌ای خواهیم دید که در حال شامل شدن به بندگان خداست و می‌رود که آتش جهنم مستکبرین را خاموش کند و غل و زنجیرها را از دست و پای مستضعفین باز نماید و هر چند که تلفات بسیار داشته باشد ولی رحمت و برکت دنیا و بخصوص عقبی را در بر دارد و طبیعی است که اگر تسلیم دیدگاه دنیایی شده و هم و غم ما این شود که آتش جنگ را خاموش کنیم (جنگی که آتش جهنم دنیا و آخرت را بر بندگان سرد و سلامت می‌سازد) نتیجه‌ای جز گرفتاری به جهنم دنیا و آخرت (حاکمیت طاغوتها) در امتگیران نخواهد شد.

پس خوب است که در دعاها ایمان بگوئیم "بارالها، آتش جهنم را کوه مستکبرین برافروخته‌اند با نابودی بتهای زمان، سرد و سلامت بر بندگانت بگردان تا جنگ پایان گیرد و زمین سراسر صلح گردد."

بین می‌برد و باید برای جلوگیری از این تلفات هر چه زودتر خاتمه پیدا کند. طرفداران انقلاب که چنین تفکری دارند، عامل براه افتادن این جنگ را صدام میدانند و معتقدند، برای اینکه بلا رفع شود باید آتش جنگ خاموش شود و متجاوز مجازات و تجاوز دفع شود. عده‌ای دیگر جمهوری اسلامی را مقصد دانسته و خواهان مصالحه و داوری بین‌المللی در این زمینه هستند. اگر با این دید به جنگ بنگریم طبیعاً قادر به دفاع از خط مشی خود نبوده و آزادی قدس از طریق کربلا، تحقق نخواهد یافت.

برای اینکه به عمق قضیه و راه حل آن دست یابیم باید ببینیم که چرا آتش جنگ برافروخته شده است. آتش جنگ برافروخته شده است تا آتش جهنم را که جهنم این است که طاغوتها و بتهای زمان چون صدام، صهیونیسم و امپریالیسم در راه بندگان خدا علم شده‌اند و خود هیزم گشته و همه چیز را می‌خواهند بسوزانند همه ارزشها، همه استعدادها و... آری فتنه، طاوغیت زمان جهنم است که با آتش رحمت جنگ خاموش خواهد گشت در روایات است که همه انسانها در جهنم هستند و همه ما در جهنم و مومن در حالیکه شعله‌های آتش کافران را می‌سوزاند از داخل این جهنم به سلامت و خنکی و آرامش رد میشود. ما نیز اگر به ایمان به خدا پایدار ایمانیم پیکار و مستکبران آتشی را که نمرود برای ابراهیم (ع) برافروخت برای ما شعله‌ور خواهند ساخت. راه نجات آنست که با استقامت "یا نازکونیسی برزاً" و "سلاماً" آتش سرد و سلامت

زیرا مسائل اقتصادی مسائل روزمره مردم است و پرايشان عینیت دارد. فعلاً این بسیج در حد شعار مطرح شده است ولی حرکتی بوجود نیامد. (اشاره به حرکت آقای دادستان کل اگر فعلاً این بسیج اقتصادی علیه امپریالیسم صورت بگیرد توان داخلیمان بالا خواهد رفت و اگر جنگ به این شرط خاتمه یابد دیگر سازش نیست و این رشد داخلی ما روی مردم عراق هم تاثیر میکند، آنوقت اگر مردم عراق حرکتی کردند مانیز به آن پاسخ خواهیم داد بنابراین منظور ما از صلح این است که جبهه نظامی متوقف شود و جبهه سیاسی اقتصادی در مبارزه با امپریالیسم گشوده شود. میگویم در برخورد با مسائل اقتصادی مسئله مالکیتها مطرح میشود که آنها باید باقیه و ایدئولوژی حامی مالکیتها و سرمایه داری بر خورد شود آیا شما تاکنون با این جریان برخوردی داشته‌اید

میگویند: اگر ما در رابطه با فقه موضع بگیریم مارک میخوریم و اینطور تلقی میشود که ما ضد فقه هستیم بنابراین برخورد ایدئولوژیک به تنهایی درست نیست بلکه باید در رابطه با تضادهای جامعه که برای مردم عینیت دارند موضعگیری کرد. این بهتر است، آنها خلع سلاح هستند و نمیتوانند موضع بگیرند بنابراین کسانی که پشتوانه مالکیتها هستند در طی مبارزه با امپریالیسم خلع سلاح میشوند نه در مبارزه ایدئولوژیک.

نتیجه: با این استدلال به این نتیجه میرسیم که لازمه برخورد با تضادهای داخلی مبارزه با امپریالیسم و دشمن بیرونی است و این جنگ بهترین زمینه برای ایجاد بسیج در داخل و مبارزه با تضادهای داخلی است.

نقدی بر نقطه نظری پیرامون جنگ

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه:
نظرات مختلفی راجع به جنگ وجود دارد عده‌ای خواهان ادامه آن هستند و عده‌ای معتقدند ادامه جنگ بضرر انقلاب است. لازم است با این نقطه نظرات در مورد جنگ برخورد فعال شود تا به تبیین صحیحی از جنگ اسلام و کفر و ادامه آن برسیم تا با این تبیین بتوانیم ثابت قدم در پیشبرد جنگ فعالانه شرکت داشته باشیم.

مبارزه با سرمایه داری در جنگ

جریانی است که در مقابل این سؤال که: شما که شعار صلح در جنگ ایران و عراق را میدید چه شیوه‌ای برای تحقق آن دارید بطوریکه مرزها با سازش مشخص باشد و اصول انقلاب زیر پا گذاشته نشود؟ می‌گویند:

راه حل درست فعال کردن جبهه داخلی علیه امپریالیسم در جبهه اقتصادی، سیاسی و غیر است که مردم هم آمادگی اش را دارند

راه عشق

راهیست راه عشق که هیچ کتاره نیست
آنجا جز آنکه جان سپارند چاره نیست
هر که که دل به عشق دهی خوش می‌بود
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
مارا زمن عقل مفرسان و می‌بیار
کان نهنه در ولایت ما هیچ کاره نیست
از چشم خود پیرس که ما را که می‌کند
جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست
او را بچشم پاک توان دید چون هلال
هر دیده جای جلوه آن ماه پاره نیست
فرست نمر طریقه رندی که این نشان
چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست
نگرفت در تو گریه حافظ هیچ رو
حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

حافظ

خط امام در کلام آیه الله العظمیٰ منتظری



از آنجا که اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - همانطور که هستند) تحلیلها را با رورسنا بدر آن تدبیر مجموعهای از اخبار مهم ما را در مکتبی از تشریح به اس کار اختصاص داده ایم درج نمائیم .
اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از :
۱- کمک به روری تحلیلهای سیاسی و نیروهای مکتبی .
۲- دادن بسنشا استراتژیک از رویدادهای ایران ، منطقه ، جهان .
۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم .
ضمناً راه مجاهدین این اخبار بر خورد فعال میکنند .

مواظب معاملة استعمار ۱۰۰
روی لبنان باشد

کیهان ۶۴/۱۰/۳
آیت الله منتظری در دیدار با اعضای گروه حزب الله و امل لبنان :
... برادران و خواهران مبارز لبنانی از هر گروه و جمعیتی که هستند توجه داشته باشند لبنان دروازه خاورمیانه است و مواظب و آگاه باشند قدرتهای استعمارگر روی لبنان معامله سیاسی نکنند .
مهمترین چیزی که به نفع اسرائیل و قدرتهای شرق و غرب متاسفانه جریان دارد و خدای ناکرده ممکن است منجر به معامله سیاسی روی انقلاب و ملت مسلمان لبنان بشود همین اختلاف جزئی و مذهبی و فرقه ای است که مثلاً شیعه و سنی لبنانی و املی با فلسطینی و یا سنی با سنی و امثال آن گاهگاهی به تحریک دشمنان اسلام در لبنان دیده میشود .

راه مجاهد
محور اساسی هر معامله سیاسی که قدرتها استعماری در رابطه با لبنان طرح ریزی کنند حول مسئله خلع سلاح دور خواهد زد زیرا که اصلی ترین تضاد قدرتهای استعماری در منطقه و لبنان وجود گروههای چریکی حان برکنی است که اصلیترین دشمن امپریالیسم و صهیونیسم است . هر توافق نامه و قراردادی که پیرامون لبنان بسته شود را باید با مالک فوق محک زد .
لزوم اعتماد به نفس و عمل به وظایف اسلامی

کیهان ۶۴/۱۰/۸
آیت الله منتظری در پیام به سمینار انجمن اسلامی دانشجویان در امریکا و کانادا :
... اگر ما و شما خود را بیایم و با اتکا به شخصیت اسلامی خود اعتماد به نفس داشته و به وظائف اسلامی و انقلابی مان منطبق با شرایط موجود دنیا عمل نمائیم و نیز برای رضای خدایا کمبودها سازیم و صابر باشیم به یقین اسلام عزیز با این عده و عده کم بر تمام نظامات شیطانی و عنکبوتی کفر جهانی پیروز خواهد شد .
مترو و مهاجرت روستا شان به شهر

کیهان ۶۴/۱۰/۱۴
آیت الله منتظری در دیدار با فرماندهان و روحانیون مسئول در کمیتهها :
وظیفه مسئولین و اعضا این ارگانها سنگین است ممکن است بر اثر بعضی از کارهای تند و بدون حساب و بعضی برخوردهای خشن و غیر اسلامی با افراد بتدریج در مردم نارضایتی بوجود آید و در نهایت کل انقلاب و مبارزگانهای انقلابی در نظر مردم زیر

توجه عملی در تمام شئون اداره کشور و قوای سه گانه آن به ارزشها و محتوای آن میباشد .
... از همه مسئولین کشور در رسمتهای مختلف تقاضا میکنم به منظور حفظ ثبات کشور و آرامش خاطرها و تامین حقوق همه طبقات ، حرمت قانون اساسی و سایر قوانین مصوبه کشور را در همه شئون و نسبت به همه اقتضای ملت حفظ کنند و مبارز چینی باشند که ضعفا و محرومین را به قانون محول کنیم و نسبت به طبقات بالا روابط و ملاحظاتی دیگر را حاکم نمائیم .

راه مجاهد
علاوه بر نیروهای صادق انقلاب که خواهان تکمیل و تدوین قانون اساسی هستند عده ای دیگر در این شرایط معتقدند که این قانون اساسی چون در شرایط حاد انقلابی مدون گردید تعالیاتی به چه در آن دیده میشود . بنابراین لازم است که بعد از امام آیت الله منتظری که بیشترین صلاحیت را در تعیین متمم در قانون اساسی دارند در این مورد مرز بندی لازم را بنمایند

کیهان ۶۴/۹/۲۷
آیت الله منتظری :
... من صریحاً نظرم را طی نامه ای مشروح از تصمیم اخیر خود ، به مجلس خبرگان نوشته و یاد آوردم : آرزوی قلبی همه ما طویل عمر رهبر بزرگ ، انقلاب تا ظهور حضرت ولی عصر روحی له الفدا می باشد و تاکید نمودم با وجود مراجع معظم دامت برکاتهم به هیچ نحو مایل نیستم اسم من مطرح شود ولی اکنون که به خلاف میل قلبی خود در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته ام تقاضای من از تمام برادران و خواهران متعهد اید هم الله تعالی اعم از روحانی و دانشجو و دیگر اقشار محترم این است که از مسئله راهپیمایی اعلام شده به منظور حمایت از این موضوع منصرف شوند .

کیهان ۶۴/۱۰/۸
آیت الله منتظری :
... نیروهای مسلح باید به شکلی باشند که بفرموده حضرت امیر (ع) زینت حکومت و موجب عزت دین و آرامش و امنیت کشور و مردم باشند . این معنی عملی نمیشود مگر با تصویب و بالا بردن کیفیت آموزشهای فکری و اخلاقی و مذهبی و رزمی در نیروها - ی مسلح .



آگاه شوند و جلوی آنها بگیرند .
... امروز ملت آگاه ما کاملاً خود را با تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان امام مدظلّه برای مقابله با تمام خطرات و پیشامدها از تمام جهات نظامی و رزمی آماده ساخته است .
... من اطمینان دارم که اگر این روحیه و آمادگی در ملت مسلمان ما حفظ شود بزودی کربلا و بعد از آن انشاء الله تعالی قدس عزیز آزاد خواهد شد .

دا نشجویان ، طلاب و مسائل سیاسی
کیهان ۶۴/۹/۱۱
... امروز با شرایط فعلی دنیا دانشجویان و طلاب حوزهها علاوه بر رشتههای درسی و تحصیلی خود که با جدیت تمام می خوانند باید در علوم سیاسی و مسائل روز دنیا هم آگاهی کافی داشته باشند تا بتوانند در موضع گیریهای خود درست مسائل را بنهند و کلاه سرشان نرود .
ضرورت با لایردن توان رزمی

کیهان ۶۴/۹/۱۰
... شما عزیزان بسیجی با بالا بردن آموزشهای نظامی و علمی و شناسایی کامل مناطق نظامی و در نظر گرفتن توان رزمی دشمن به پیش بروید و دشمنان اسلام را از زمین ببرد و سعی کنید فقط به شمار اکتفا نکنید .

قانون اساسی و تدوین متمم
کیهان ۶۴/۹/۲۵
آیت الله منتظری (مقدمه کتاب صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی) :
... امروز بعد از گذشت بیش از ۶ سال از پیروزی انقلاب و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و گذر از حوادث تلخ و فتنه ها و توطئه های گوناگون از خارج و داخل به اصالت و محتوای عمیق قانون اساسی که شرف خون شهدا ، عظیم الشان انقلاب است پس می بریم . البته این بدین معنی نیست که در قانون اساسی ماکه خبرگان آن هیچ تجربه ای از قانون نویسی برای یک انقلاب نوین نداشته اند هیچ نقطه ضعفی وجود ندارد ، وجود نواقص لازمه طبیعی ساخته های انسانهای غیر معصوم است و امید داریم که شرایط پیش آید که نواقص آن بعنوان متمم برطرف گردد .
... داشتن یک قانون اساسی اصیل و عمیق و مدون و تقدیر از آن در شعارها کافی نیست و دردی را دور نمی کند آنچه مهم است

وحدت مسلمین و هما هنگی علیه صهیونیسم
کیهان ۶۴/۹/۴
آیت الله منتظری به مناسبت هفته وحدت :
... در شرایطی که کفرجهانی و سردمداران سرمایه داری و کمونیسم با آن همه اختلاف و تضاد که دارند برای منافع خود و استثمار بیشتر ملت های مظلوم در نشست مهم خود در بیشتر مسائل مهم جهانی به توافق و وحدت نظر میرسند ، چرا نباید مسلمانان با اینکه در بسیاری از مسائل مشترکند اختلافات خود را به حداقل برسانند و در برابر جبهه کفر و شرق و غرب و صهیونیسم جهانی جبهه واحد تشکیل دهند و بجای طعن و لعن به یکدیگر و تشدید اختلافات نژادی و مذهبی و طرح مسائل نظیر پان ایرانیسم و پان عربیسم و پان ترکیسم در برابر اسلام که خواسته قدیمی دشمنان اسلام و قرآن و درست شده بدست آنها می باشد بنشینند و با هم با تفاهم و هما هنگی کامل برای صهیونیسم و کفر جهانی فکری بکنند .

کیهان ۶۴/۹/۱۱
آیت الله منتظری به مناسبت میلاد رسول اکرم (ص) :
... تعظیم میلاد پیامبر اسلام و احیای تاریخ آن بزرگوار ریشه قرآنی دارد و حتی احیای تاریخ گذشتگان به منظور آموزشهای فکری و امور تربیتی ریشه عقلی و فطری در تاریخ بشر دارد .
... امروز متاسفانه این ترقه وابسته (وهابیت) و منحرف با پول نفتی که در اختیار دارند و باید صرف پیشرفت اسلام و بیداری مسلمانان شود تمام هدفشان ایجاد شکاف و اختلاف در دنیای اسلام و بدبین کردن مسلمانان به انقلاب اسلامی است . هدف اینها همان چیزی است که در کفران طائف با استمرار کسینجر صهیونیست تصویب شد و سردمداران شرق و غرب بر روی آن توافق کرده اند که باید مسلمانان را به جان یکدیگر انداخت و حتی سعی شود خونی از آنها ریخته شود و بدنبال آن نیروها را بخود مشغول ساخت تا امریکا و شوروی توسط اقمارشان بتوانند به راحتی و سادگی به مقاصد استعماری خود برسند و در شرایطی که در قطب سرمایه داری و کمونیسم روی مسائل مربوط به استعمار ملت ها به توافق میرسند و حتی نیکسون در جای میگوید : امریکا و شوروی یک هدف مشترک دارند و آن بقا است و بقای خود را به نابودی و ایجاد اختلاف بین ملت های مظلوم و مسلمان میدانند و از طسرفی امریکا و شوروی را متوجه خطر انقلاب اسلامی در دنیا و رقابت آن با شوروی میسازد ، در چنین شرایطی مشاهده میشود که افرادی جاهل و یا مرموز به چاپ و انتشار نوارها و کتابهای مسموم و حاوی بدگویی به تشیع و عقاید حقه آن اقدام میکنند که بنظر من ریشه آن مربوط به اهل سنت نیست بلکه مربوط به همین ترقه گمراه وهابیت می باشد و در اینجا است که برادران شیعه و سنی باید کاملاً آگاه باشند و سبه عمق این توطئه استعماری

اخبار و رویدادها و ولایت هفت

نفوذ دستهای مرموز در
حوزه های علمی

کیهان ۶۴/۹/۳۰

آیت الله مشکینی در کلاس درس اخلاق :
... در داخل حوزه ها مانند سابق یک فقه
تدریس کردن جامعه را غنی نمی کند باید
در حوزه پدیدرسین قوی فقه سنتی حواهری
را در آن مرحله کاملتر تدریس و در رتبه
کتاب الله تفسیر کاملش را تدریس کنند ...
در داخل حوزه افرادی پیدا میشوند که با
سکوتشان صدمه به انقلاب و حرکت ما
می زنند زیرا وقتی که حسین بن علی (ع)
در معرکه جنگ یا یزیدیان می جنگید ، آن
کسی که می فهمد و می نشیند همانند آن کسی
است که با دشمن همراه میشود و می جنگد .
کسانی از خارج حوزه وارد میشوند که در
محیطشان استعداد زندگی نداشتند و اینکه
خود را با محیط هماهنگ کنند این قدرت
را نداشتند وارد حوزه شدند و کاملاً علیه
حوزه دارند حرکت میکنند ، حرف میزنند
صحبت می کنند شخصیت های دیگری از جاها
- بی فراری شده اند در حوزه مشغول
فعالیتند ممکن است بگوئیم خدای ناگردد
در میان طلبه های تازه وارد کسانی هستند
که حوزه باید آنها را بپذیرد از این جور
افراد هم ممکن است و ممکن است قدرتهایی
که با ما دشمنند و همیشه ۲۰ سال ۳۰ سال
قبل از حادثه را فکر کرده و نقشه میکشند
فعالیت هایی در حوزه داشته باشند و علاوه
بر این افراد مقتدر و مومن و انقلابی حوزه
بخاطر اینکه کارهای اجرایی بر زمین نماند
از حوزه بیرون رفته و مشغول فعالیت های
اجرایی شده اند و این سبب شده است که
حرکت انقلابی حوزه تضعیف میشود .

راه مجاهد
آیت الله مشکینی در اینجا به شکل
آشکاری به مسئله دستهای مرموز در
حوزه ها اشاره کرده اند و گفته اند این
عناصر وابسته بر اساس طرح در آمدت ابر
- قدرتهای داخل حوزه ها نفوذ کرده
و فعال شده اند .
۱- بعد از صحبت های آیت الله مشکینی

سؤال برود و دید مردم نسبت به آنها
مانند پلیس رژیم گذشته شود و اگر خدای
ناکرده چنین قضاوتی بوجود آید انقلاب
شکست خواهد خورد .

در بعضی مواقع هم ممکن است افراد
ضد انقلاب در یک ارگان انقلابی و مقدس
نفوذ کرده باشند و ماموریت شان بدین
کردن مردم به انقلاب باشد و این توطئه ای
است که یکی از ملاحظاتی می گفت در بعضی
از روزنامه های خارجی به آن اشاره شده که
انقلاب اسلامی در ایران از راه ضربه های
نظامی و اقتصادی و غیره شکست نمی خورد
و بلکه باید با فرستادن افراد ظاهرالصلاح
و به ظاهر انقلابی به ارگانها در بین مردم
نارضایتی و بدبینی بوجود آورد تا انقلاب

از داخل بپوسد . . . تا وقتی امکانات رفاهی
و خدمات عمومی در شهرهای بزرگ مثل
تهران ارزانتر از روستاها باشد امکان ندارد
مردم برای تولید از شهرها به روستاها
برگردند مثل همین زمزمه ساختن مترو در
تهران را ملاحظه کنید بنظر من همین مسئله

مترو اگر شروع شود بسیاری از روستائیان
را برای کارگری به تهران میکشاند زیرا
آنهاست که فعلاً در تهران ساکن هستند
حاضر نیستند بی و کلنگ بدست بگردند
و لذا باید کارگر از روستاها بیاید و در این
صورت مشکل تهران بیشتر خواهد شد .

اگر به جای مترو سازی در تهران
روستائیان امکانات کشت و تولید بیشتر
شود و مشکل آب و برق و فروش به موقع
محصولات آنها در بازارها با قیمت مناسب
حل شود بسیاری از افراد به رفتن در
روستاها و کشت علاقه پیدا میکنند .

راه مجاهد

آیت الله العظمی منتظری به کرات
در مورد شیوه های جلوگیری از مهاجرت
روستائیان به شهرها مطرح کرده اند برای
امت حزب الله جای سؤال است که چرا
مسئولین به این توصیه های مکرر ایشان
توجه کافی ننموده و پیشنهادات ایشان
را عمل نمی کنند .

کیهان ۶۴/۹/۳۰

امام فرمود در میان سپاه و ارتش حزب
گرائی و گروه گرائی نباشد . اگر رفت آنجا
خراب میشود من معتقدم در میان حوزه
علمیه و طلاب محترم حزب بازی نباید باشد
این همه حزب الله اند با همین فکر و رویه
درس بخوانید و بیایید بالا آن وقت میبینید
که انسانهایی نافع برای جهان بشریت
شده اید .

آیت الله منتظری:

مترو، اگر شروع شود
بسیاری از روستائیان را
برای کارگری به شهر
میکشاند .

سه جریان معرفتی در درون انقلاب

حوزه های علمی

دردرون نیروهای انقلاب و حوزه های
علمیه سه جریان عمده: بینشی موجود است .
الف - جریان منطقیون که مناس و کلیت
فهم همه چیز، از جمله قرآن را منطق قیاسی
تعقلی ارسطو میدانند .

ب - جریان اخباریون که مبنای کارشان
را حدیث و روایات و نقل قولهای پیامبر (ص)
و ائمه اطهار (ع) میدانند .

ج - جریان عرفا که ویژگی بایدار
همه انسانها را خدا جویی دانسته ، به فقر
ذاتی انسانها و سیر و سلوک الی الله و تزکیه
نفس معتقدند ، و از این طریق رسیدن به
حقایق را .

این سه جریان هر کدام با توجه به روش
شناختشان به خط مشی خاصی در رابطه با
انقلاب و جنگ میروند . البته در درون انقلاب
و حوزه های علمی ، منطقی صرف یا اخباریگر
صرف نداریم ، بلکه تلفیقی از این سه وجود
دارد . صحبت از این است که هر فرد یا گروهی
عمدتاً "در کدام خط مشی قرار میگردد .

اگر نخواهیم بر اساس روش شناخت ،
جامعه را تحلیل نمائیم و نیروها را مرزنگ
کنیم ، بنظر میرسد که میتوان به سه تریس
و جبهی در نهضت کاروانی امام حسین (ع) که
عمل صالح زمان بود . این سه خط مشی را از
یکدیگر تفکیک نمائیم .

برای درک خط مشی که هر کدام از این سه
جریان در پیش خواهند گرفت ، به نهضت
حسینی مراجعه میکنیم تا ببینیم که هر
کدام از این سه جریان چه شیوه برخوردی با
این نهضت را در پیش گرفتند .

با الهام از نهضت حسینی و محک زدن با
آن ، میتوان این سه خط مشی را از یکدیگر
تفکیک نمود .

الف - منطقیون حرفه ای که به روش
شناخت ارسطویی مسلح اند ، به امام حسین (ع)
میگفتند چرا میخواهی قیام کنی و چرا

امام خمینی :
اینکه از حضرت باقر (ع) نقل شده است که فرموده است
من از "صمد" تمام احکام و شرایع را ، تمام حقایق
و از "صمد" میتوانم نشر کنم ، مسئله هست این .

بر عهده نیروهای متعهد و مومن ، به انقلاب
در درون حوزه ها و یا خارج حوزه ها که در
جهت افشا و طرد این عناصر فعال شوند
۲- بدیهی است بهترین شکل مصون
ماندن حوزه از توطئه نفوذی های دستهای
مرموز پاکسازی آن توجیهات و تفکراتی
است که این عده با مستمسک قرار دادن آنها
می توانند در حوزه باقی مانده و با اشاعه
تفکرات خویش به انحراف حوزه و فقه
جعفری مبادرت ورزد .

میخواهی خود را به هلاکت بیندازی؟ یا با یک
عده قلیل میتوان در برابر یک عده کثیر
ایستاد؟ یا جز میتوانی در برابر کسی
مقاومت کنی؟
اینها کسانی بودند که امام حسین (ع) را
همراهی نکردند و کار شکنی میکردند و در طول
تاریخ همیشه دیده ایم که این جریان
بینشی، همیشه مشا و رها کم وقت بوده اند و
محرک نهضت های اسلامی انقلابی هم
نبوده اند .

ب - جریان اخباریگری ، مسلماً از آنجا
که به قول امام معصوم استناد میکنند ، امام
را همراهی میکردند ولی در شب عاشورا و در
لحظه حلی بیعت با یستی بر طبق قول و لفظ
امام عمل میکردند و کربلا را ترک میگفتند
امام در آن شب گفتند : هر یک از شما دست یکی
از اهل بیت مرا بگیرد و در این تاریکی شب
متفرق شوید . . . همانا این قوم مرا میخواهند
و اگر به من برسند به دیگران کاری ندارند
البتة هیچکدام از یاران امام در شرف
حلی بیعت جز این دسته نبودند .
ج - جریان عشاق که به روش شناخت
عرفانی و قرآنی مسلح اند . اینها به نیازی
امام حسین (ع) توجه کردند ، نه به توصیه ما ،
داشتر ترک کربلا ، اینها با تعالی غمخوار
ملاحظه کردند که امام قصد آمدن دارند و لذا
مانندند و با امام هم نمیا زشدند و به تمام شاکم
را زرسیدند و شهید گشتند .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

مضمون سخنان آیت ا... هانعی در
بف سخنرانی :

عدل و دین

" یکی از مسائلی که همه میدانیم و خورد هر
انسانی به او حکم میکنند قبل از قرآن و قبل از
وحی ، حکم به عدل است ، قضاوت به عدل
است و اگر حکم به عدل را به معنی وسیعش
بگیریم یعنی هر کس در زندگی قضاوت میکند ،
به عدل حکم کند ، به حق حکم کند ، به سخط حکم
کند ، این چیزی است که عقل هر کس آن را می
گوید ، آن همین را گفته ، ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین هم روی آن تکیه
داشتند .

بحثی در اصل حکم به عدل و قضاوت به عدل
نیست ، هیچکس نیست بیاید بگوید حکم باید
چه جور باشد همه میگویند حکم باید به عدل
باشد حتی آمریکا که از حق و توبه نفع اسرائیل
و صهیونیسم استفاده می کند می گوید من به
عدل حکم میکنم ، من که به ظلم حکم نکردم می گوید
من به عدل حکم میکنم "

راه مجاهد ، بدین علت " عدل " نزد همه
اصلی بدیهی و مقبول است که صفت خداوند
می باشد و در فطرت همه انسانها پایگاه
دارد . بشر فطرتاً عدل طلب است و اساساً
برای کسی فرار از عدل امکان ندارد .

بدین جهت امیرالمؤمنین علی (ع) ماهیت جائر
و ستغرش قادر نیست با عدل که نزد همه
انسانها پسندیده است صراحتاً مخالفت
کند . لذا شعار عدل طلبی و عدالت خواهی
سرمی دهد . اما سعی می کند حتی سوا
و معنای آن را تغییر نهد تا در پناه آن
اهداف جائرانهاش را پیاده کند و مبارزه
را عقب بیندازد .
رابطه سیاست و عبادت

" احساس مسئولیت و تحمل مسئولیت و گسار
رفتن از مسئولیت و انجام وظیفه و . . . همه
اش مثل نماز صحیح خواندن است یک روز آدم



اخبار جنگ اسلام و کفر

هر تحلیل و محاسبه ای که اینها و نیازها -
یشان را به حساب نیاورد، راهی به واقعیت
نخواهد داشت.

سربازان گمنام
برنامه مسئولین و مردم در ساعت ۴/۵ رادیو
یکی از مسئولین در جواب تلفنی گفتند
از نظر قانونی خانواده هایی که دو فرزند
پسر داشتند و یکی از این فرزندان درجه
شهید شده فرزند دیگری از جبهه رفتن معاف
است البته سربازی باید برود
ایشان گفتند: یکی از مشکلات آنها هم اکنون
این است که بسیاری از افرادی که این
قانون شامل حالشان میشود در دوران سربازی
این امر را مخفی میکنند تا بتوانند به جبهه
بروند، از طرف دیگر پدر و مادران به اداره
مراجه و خواستار میشوند که طبق قانون

انقلاب آشنای نا آشنا

مردمیان سال مستضعفی که مشخص بود کار
سخت و دشوار را ورشکسته کرده، با یک موتورگازی،
کهنه در حالیکه محل اعزام نیرو را که در
یک کاغذ آدرس آنرا برایش نوشته بودند -
میبرسید. میگفت: "سه سال است برای جبهه
رفتن دوندگی میکنم و میگویند چون تو
فرزند پسرنداری نمیتوانی به جبهه بروی و
سه دخترتوبی سرپرست میمانند."
میگفت: مسائل قبول کردند که به جبهه بروم
راه محاهد:

این انقلاب آشنای نا آشنا همان جوهر
- های انقلابان هستند. امام به فیلسوفان
و عرفا و دانشمندان و محققان گفتند دنیا ل
تسبیب حرکت اینها بروید.

۱- نظام شاه وابسته بوده و در اسلام
وابستگی به اجانب و استکبار و کفار را مریک
"حرام" است.
۲- تاراج ۶ میلیون بشکه در روز، نفت
توسط شاه عملی "حرام و مشابه غارت
بیت المال و مشابه حمله مسلحانه به خزانه
بانک مرکزی و سرقت جواهرات آنجا است
۳- مجلس قانونگذاری شاه بنا بر حکم امام
مجلسی بود "حرام".
۴- پولهای "حرام" نفت تنها به حیت شاه نرفته
بلکه عده زیادی صاحب سرمایه های "حرام"
شدند که بنا بر رویه امیرالمؤمنین (ع) باید
برگردانده شود.

راه محاهد:
متأسفانه عده ای با نیت پاک میخواهند با
منکرات مبارزه کنند ولی چیزهایی را "حرام"
میدانند که حرمت وابسته به ساواک و سلطنت
و اجنبی از زمین میروند و عملاً تشریف هم میشوند
اینها در تمام این مسیر نا خود آگاه به تمام
"فقه نفتی" میافتند. حجت الاسلام رضوی
نماینده مجلس در تظلم پیش از دستور مجلس
در مورد لایحه مالیاتها گفتند ما دو فقه داریم
"فقه آل محمد" و "فقه نفتی"

تا بید دولت موسوی
حکیم، نظیر بافتوی
در دوران بعد از انتخاب ریاست جمهوری
و حتی قبل از آن شاهدا اختلاف نظرهای بسی
پیرامون تعیین نخست وزیر بودیم. پس
از اعلام نظر صریح امام شخصی در مورد مخالفت
خود با دولت موسوی میگفت: درست است که
امام ایشان را تا بید کردند ولی باید
بنیم صحت امام نظریه یا فتوا بوده
یا حکم شرعی صادر نمودند. این شخص میگفت
چون صحبت امام نظریه و آن هم "نظیر
ارشادی و نه "حکم و یا حتی فتوا"، بنا بر این
دلیلی به تبعیت از آن نمی بینیم.

راه محاهد:
بهترین راه این است که نیروها و جریانات
بوسیله اینگونه تقسیم بندیها از کنار
اختلاف نظر خود با امامی که امامت را قبول
دارند گذرند و به ریشه باسی اختلاف نظر خود
با امام بپردازند و ببینند در کجای نقطه
نظریه های سیاسی یا نقطه نظرهای ایدئولوژیکی
با امام اختلاف دارند و در دنبال اصلاح
آن بروند. خوف آن وجود دارد که در صورت
حل نکردن اختلافشان با امام علی غم
مواضع گرامانه امام، کارشان به درگیری
و رویارویی با امام بکشد.
ایران ۶۴/۸/۲۹

اصل ۴۹ ریشه قرآنی و حدیثی و فقهی دارد
آقای خوینی ها در جمع هیئتهای و بیژنه
اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی:
به لحاظ عدم تشریح اصل ۴۹ اکنون
حساسیت برخورد قاطع با یک تروریست مسلح
بیشتر است از برخورد با یک ربا خوار. در حالیکه
خطر ربا خوار در درازمدت بیشتر از یک
تروریست مسلح است.

اصل ۴۹ هم ریشه قرآنی دارد و آن
"تبتم فلکم رؤوس اموالکم" و هم ریشه
حدیثی دارد. حضرت علی (ع) فرمودند
تمام اموالی که از بیت المال به غارت
رفته همه آنها را من بر میگردانم و لو
اینکه به مهریه زنان رفته باشد و از آن
استفاده های مختلف کرده باشند.
از نظر فقهی هم مسلم است در مورد
اموالی که از راه حرام بدست نیاید
گذشت زمان ایجاد مالکیت نخواهد کرد.

نماز صبح را میخواند، یک روز هم آدم نماز
صبح را نشسته میخواند، یک روز هم میبورد
از دنیا میبرد و نماز صبح را نمیخواند این
نام شده. نه این که نماز صبح امروز می خواهیم
بخوانیم فردا خدا حافظی کم نخوانم "

فقه سیاسی - آموزش حوزها

"امام در همه جا خط مشی دارد سخنان
امام را جمع کنند و بنویسند و پیامهایش من
فکر میکنم به قدر سه دوره جواهر بشود بسا
پیامهایش، آن رساله است ولی فرق نمی کند
با جواهر منتهی جواهر در یک ابعاد وسیعی
که دیروز هم بوده و امام در ابعاد یک سلسله
مسائلی که دیروز هم بوده، امروز هم هست
یعنی جواهر است، یعنی سخنان امام هم
یعنوان یک کتاب فقهی بعنوان یک تنظیم
کننده حکومت، مورد بحث قرار بدیم "

در مورد مالکیت های نامشروع و مسئله خمس تصاعدی

"خمس تصاعدی را که حساب کنی که امام
فرمودند آنها مالک نیستند حلال حلال طیب
و طاهر است عرق جبین است، کد یمین
است، خمس تصاعدی میگوید اینها مالک
نیستند باید یک بیگاری هم بدهند یعنی
باید بیایند اینجا برای بیت المال هم کار کنند
این جور نیست که من خیال کنم که حالا که
دادم، من دادم به مالکش، خیر آقا دادی
به غیر مالک، دادی به دلال، دادی به
ستمگر، اینها بیشترشان مالک نیستند "

آیت ا... منتظری:
شما خیال نکنید که مثلاً
اینها نیکه در روز قدس
اینهمه تظاهر کردند، داخل
اینها ناراضی نبود، چرا
افراد بودند و اقعاً
ناراضی از وضعیت

فقه آل محمد و فقه نفتی

چند حکم سیاسی فقهی
برادر حجه الاسلام موسوی خوینی ها
داستان انقلاب در پیش خطبه ای که در آن
۶۴ ایراد شد بگوشه ای از فقه سیاسی و احکام
سیاسی اسلام اشاره نمودند که تحول بسیار
بزرگی در مبارزه با امپریالیسم نفتی است
که جوهر سرمایه داری در ایران بوده و هست
امام در حکم انتصاب آقای خوینی ها به
سمت امیرالحاج، پیش ایشان را تا بید
کردند و آقای فخرالدین حجازی نیز در پیش
خطبه مشهده بطور موثق گفتند، مواضع آقای
خوینی ها مورد تأیید امام خمینی است
لذا به جوانان پرشوری که روی تحلیل
ایران و تدوین خط مشی مطالعه میکنند
توصیه میکنیم که بر این حکم فقهی
و استدلالی و انقلابی توجه بیشتری مبذول
دارند. متن صحبت های ایشان در راه مجاهد
شمار ۲۳ و کامل آن در روزنامه اطلاعات
مورخ ۶۴/۸/۵ به چاپ رسید. اینک به
بند مطلب مهم از صحبت های ایشان اشاره
میکنیم:

عرفان و عافیت طلب

در اسناد دلاانه حاسوسی آمریکا، به نام فردی برخی رد کردیم که تبعیت ما را
برانگیخت، توجه به سیر زندگی اش این تعجب را بر طرف کرد.
او در جوانی طلبه فعالی بود. یک روز به مجلس روضه خوانی امام حسین (ع) میروید
این مجلس در منزل بزرگ و مصفا می برگزار شده بود. وی به رفیقش میگوید: آیا
بهترین است از چنین منازلی برخوردار باشیم تا بتوانیم روی این جنبه دورگت
نماز با خیال راحت بخوانیم، در حالیکه حالا وقت میخوانیم نماز میخوانیم
بچه ها بقدری تلوی می کنند که حواسمان پرت میشود.

بنظر می آید نوع زندگی آینده خود را در همان لحظه انتخاب کرد. او سه
مطالعه زبان انگلیسی پرداخت و پس از چندی از لباس طلبگی خارج شد و به تدریس
زبان انگلیسی در مدارس و انجمن ایران و آمریکا مشغول شد. از این زمان
ارتباطش با این گونه محاسن و افراد زیاد گشت.

در ریشه باسی افول با دیده "عرفان عافیت طلب" و فرقی آن با "عرفان در
صحنه" توجه داشت. عده ای معتقدند که در شلوغی نمیتوان با خدا ارتباط برقرار
کرده و برای عبادت باید منازل بزرگ و مرفه و بی سروصدا را داشته باشیم
نتیجه این نوع برخورد با عبادت تدریجاً "ورود به جبهه رفاه و وابستگی
میباشد. اگر چنین باشد شما مستضعفینی که در خانه های محروم جمعیت، زندگی
میکند، مورد قبول خداوند نیست.

عرفان در صحنه را در عبادت رزمندگان جبهه ها میتوان دید که امام در موردش
گفته اند: "آنها با عبادتشان جبهه ها را عطر آگین نموده اند. و یاد در سخن شیخ حسن
حوری که در جواب کسی نیکه او را به خاطر عبور از راه تحقیق می کردند میگفت: خدا
همه جا حضور دارد و از هر کجا میتوان با خدا رابطه برقرار کرد.
مرحوم طالقانی در تفسیر بر توی از قرآن گفته اند: "ثواب نماز جماعت ۷۰
پرا بر نماز فردا می باشد اگر چه در ظاهرم ممکن است چنین بنظر می رسد که در نماز
جماعت حضور ذهن کم تر است."

وقتی رزمندگان نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۶ به زندان قزل قلعه افتادند
یکی از زندانیان بعد از یک مصاحبه غیر اصولی آزاد شد. وی قبل از مصاحبه به هم
سلولی خود گفته بود: توالت زندان طور بسته که قادر نیستیم احکام طهارت را مراعات
کنم و به لحاظ شرعی تکلیف خود را در آزادی از زندان میبینم.
مصاحبه وی تا تیریدی در اکثر رزمندگان داشت و موجب تقویت ساواک گردید
در تحلیل جامع و نیروها با دیده این امر توجه داشت که گاهی اوقات عافیت
طلبی از برداشت غلط نسبت به عرفان نیز حاصل میشود. لازمه عافیت طلبی تنها
رفاه اقتصادی نیست بلکه به عافیت طلبی و خیال تخیلی فکری نیز باید توجه داشت

عازم جنگند بسوی صدام قافله بسیجیان اسلام

فرزندانشان به حبسه اعزام نشود.

راه مجاهد:

در تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی توجه عمیق به اینگونه جریان‌ها از ضروریات است.

جهاد مشقت ندارد

کیهان ۶۴/۹/۲۸
حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: احکام الهی اگر به مرحله مشقت رسیده تکلیف برداشته میشود اما برای جهاد در اسلام دفاع از قرآن اصل است و برای ما هر جا که از اسلام و قرآن دفاع شود آنجا وطن است.

راه مجاهد: برداشتن از آیه " لا تکلف الله نفسا الا وسعها " مطرح است که مگوید احکام الهی مشروط به ضعف و ناتوانی افراد است لذا با احوالت دادن به ضعفهای کنونی بدن سال گریز از تکالیف الهی است زگفته حجت‌الاسلام رفسنجانی جنین استنباط میشود که جهاد و دفاع از قرآن چون اصل است و منطبق با خواست و فطرت الهی انسان است عامل مشقت و خرج نمیشود امام فرمودند که در جنگ جوهره الهی انسان فعال میشود و همچنین فرمودند که جنگ نعمت است. به نظر میرسد فرمایش امام بهترین تبیین برای اصل باشد که برای جهاد در اسلام مسئله حرج (مشقت) مطرح نیست.

جنگ اسلام و کفر و عس و حرج

عده‌ای جنگ را نباید میکنند و حتی آنرا تکلیف الهی می‌شمارند اما در عین حال مسئله فشارها و خسارات و مشقتها را نیز مطرح میکنند و لذا پایه قانون " عس و حرج " خواهان خاتمه جنگ میشوند.

راه مجاهد:

یکی از رشدهای انقلاب این است که مخالفین دفاع مقدس دیگر مخالفت آشکار نمیکند و چون مخالفت صریح با جنگ در میان مردم شهیدپرور پایگاهی ندارد لذا میکوشند با توجیه شرعی زمره سازش و خاتمه جنگ را سر دهند.

کیهان ۶۴/۹/۱۶

دکتر حسن روحانی رئیس کمیسیون دفاع مجلس در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه ضمن تأکید ادامه جنگ تا سقوط صدام به نکات زیر نیز اشاره کردند
۱- ایشان علت جنگ را نادانی دولت موقت میدانند و معتقدند که اگر نادانی دولت موقت نبود شاید این چنین جنگی بر ما تحمیل نمیشد.
۲- دست‌بازی به پیروزی با سه عامل امکانپذیر است: انسان و نیروهای مخلص ابزار و وسائل لازم برای نبرد. نصرت و رحمت خداوند.

راه مجاهد:

حرج ایوان سیاستمداران انگلیس بعد

از انقلاب ایران، به عراق رفته و چند نکته را عنوان کرد: ۱- عوض کردن حسن البکر و آمدن صدام. ۲- اعدام آیت‌الله صدر. ۳- تسبیح عراقیها (معاودین). ۴- اعلام جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران. سناریای علت جنگ ارزشهای انقلاب و مسند دور آنها به مردم منطقه بوده است. ثابا " عوامل رسیدن به پیروزی را باید از خدا شروع کرده و خدا را مینا و حاضر و ناظر بگیریم، سپس به انسان خدا جوونیا زمند رسیده و به نیا ز اینگونه انسانهای الهی احوالت دهیم. مسلما " جنین انسانی ایزار متناسب و خود کف را نیز در اختیار خود میگیرد و حتما " نصرت خدا و ندشامل حال ایمن انسانهای بسیج شده میشود.

در راه دل این پاره عمل باید داد
سردر ره عشق، مشتعل باید داد
عشق است دلیل راه مردان خطر
سر رشته کار، دست دل باید داد

عملیات نفوذی ایدائی

راه کربلا شماره ۹۵
سرمقاله " تاکتیک جدید اسلام " : ویژگی عملیات نفوذی و ایدائی جمهوری اسلامی :
۱- این عملیات آسیب پذیری موانع و خطوط دفاعی ارتش صدام را ثابت کرد .
۲- سرعت و وقت عمل اجرای این عملیات علیرغم گستردگی آن که برخی از آنها جز چند ساعت بطول نیانجامید، عنصر غافلگیر کردن فرصت هرگونه عمل را از ارتش فریب خورد عراق سلب نمود .
۳- این عملیات ثابت کرد که نفوذ و رسیدن به قلب نیروهای ارتش بعثی و یاد و زرزن آن نزد نیروهای اسلام بسیار ساده است برخی از این عملیات چندین کیلومتر پشت خطوط مقدم جبهه اجرا گردید .

اهداف عملیات قدس ۵

الان سیاست ما این است که از شمال کردستان تا منطقه جنوبی حبسه هاهمه را باید بر از جمعیت و آماده حمله و آشنایه طرحهای نظامی داشته باشیم . اگر جناح عراق شرارتی نکند ما همان سیاست خود را انجام میدهم ولی اگر شرارتی نکند متناصب شرارت عراق، ماهم در حبسه پاسخ خواهیم داد.

جمهوری اسلامی ۶۴/۱۰/۸

نه نقل از کریستین ساینز مانیتور: یک رزمنده: مآذره ذره در حال تصرف این با تلاح هستیم هدف بعدی ما حاده‌ای خواهد بود که به شهر السیفاء منتهی میشود هدف نهایی ما تصرف بزرگراه بغداد - بصره است .
کریستین ساینز مانیتور : رزمندگان ایران حد اقل دو بار فرصت یافتند که به بزرگراه بغداد - بصره دست پیدا کنند. لیکن نتوانستند به تقویت است و استحکام مواضع خود در آنجا بپردازند اخیرا ارتش ایران تاکتیکهای خود را تغییر داده است و تصمیم گرفته گام به گام پیشروی کند و از انجام حملات سریع خودداری کند در گذشته چنین حملاتی با ضد حمله ارتش عراق دفع میشده .

نظراتی بیرون اعزام را همان کربلا

جمهوری اسلامی ۶۴/۸/۲۱

نخست وزیر: این حرکت همه جانبه از طرفی نیروهای ما امکان میدهد با آمادگی کامل در مقابل دشمن بایستد و از سویی دیگر حرکت عمومی ملت در حفظ دستاوردهایی که تا کنون داشته‌ایم بسیار موثر است .

کیهان ۶۴/۹/۲۳

حجت‌الاسلام رفسنجانی: حرکت مردم سوسی حبسه‌ها به مسئولان کشور روحیه میدهد فرماندهان ما باید آحادگی داشته باشند که جنگ را پیروز مندانند تمام میکنند.

اقرار ۶۴/۹/۲۶

مشول ستاد تلیفات جنگ کمال خرازی: تاثیر اعزام کاروانهای کربلا
۱- تضعیف روحیه سربازان عراقی، سرباز دشمن آرامش نداشته و هر لحظه در تمامی

ما با این همه گرفتاری‌ها که داریم در مقابل همه کشورهای که میخواهند تعدی کنند ایستاده‌ایم.

کیهان ۶۴/۸/۲۵

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه: ایشان حرکت کاروانهای کربلا را بدین مضمون تشریح کرده‌اند:

۱- آنچه که توطئه زدن شهرها را شکست داد، تظاهرات روز قدس بود، آنچه که در این مقطع مانع شد که در خلیج فارس یک بحرانی بوجود بیاید همان اعلان حضور بود. و امروز اگر این ابتکار کاروان کربلا در سراسر کشور تکرار شود دشمن درمی یابد که شما از مقاومت خسته نمیشوید و ما آنها می‌بوسیم و دوستانش
۲- صدام حالا که احساس کرده دوستانش در خلیج فارس از حمایتش متزلزل شده‌اند و شاید ابراد اعتراف میکنند یک واقعیست نیرومند در جمهوری اسلامی. حالا صدام به این فکرافتاده که عراق را قبل از رفتنش به خاک و خون بکشد زیرا او میدانند حمله به تا سیاست صنعتی، با تلافی ما رو برو خواهد شد.

۳- کاروان کربلا برای مدتی محیط جنگ و حبسه‌ها و محیط جامعه را با نشاط نگه میدارد تا دشمن از حضور مردم در صحنه ها و حجت کند و در خلیج فارس و جاهای دیگر به شرارت نزند.

راه مجاهد:

در پرتو بطنه با این حرکت، اگر هر کاری عملی میگرد ما هم همان کار را انجام می‌دایم. مثلا " اگر شهر میزد ما هم شهر میزدیم چرا که اقتصاد میزد، ماهم میزدیم و ... این مقابله به مثل مکانیکی شده و اشتباه بود. شیوه" بسیج مردم بسوی جبهه هاشیوه بهتری است منتهی عملیات ما نهایتا بد تا بهج حرکات دشمن در خلیج بشود.

شعرهای نماز جمعه ۶۴/۱۰/۶

دوستان قهرمان نمازندگان و سمنان عازم جبهه گشتند با شور و عشق و ایمان ز اشرف رزم بزرگواران
جان برکف و دلیر ویی و اوهم
قافله عشق و امید و وفا شد راهی زمین کرب و وصال
این کاروان ز اشرفا را الله است سرباز زارده، روح الله است

شهیید محمد تقی باقری: ما تجاوزگر نیستیم، دخالت بصورت تجاوز و زبکسی نخواهیم کرد. اما انقلابان را صادر خواهیم نمود و صدور انقلاب تو سعه و گسترش انقلاب در سطح جهان و حاکمیت مستضعفین و بغاکی مالیدن پوزه مستکبرین تاریخ است

۴- این عملیات حالت رعب و وحشت در صفوف نیروهای بعثت را خلق کرده و هر آن در انتظار حمله رزمندگان اسلام بسر میزنند به همین دلیل این نیرو خود بخود فرسوده و از برای درخواست آمد .
۵- این عملیات باعث گردید که فرماندهی ارتش صدام قدرت نقشه چینی و آمادگی را برای مقابله با چنین عملیاتی بدلیل کثرت آن در طول ۲۰۰ کیلومتر جبهه از دست بدهد .
۶- این عملیات گلچه دستگاهها و تجارتی که اعراب در خدمت رژیم صدام قرار آورده بودند مانند ماهواره و هواپیماهای جاسوسی آواکس به علت سرعت عمل نیروهای اسلام عاظم و عاجز مانده است .

کیهان ۶۴/۹/۱۶

حجت‌الاسلام هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه: ما برنامه‌ای برای جنگ داریم که لازم به افشا کردن نیست میدانیم چه وقت و کجا مناسب حمله است .
جنگ ما الان با سیاست توام است و حمله ما با سیاست همراه است تا نتیجه بگیریم ما می‌گوئیم حزب بعثت که نوکراستعمار است باید از صحنه سیاست منطقه کناره‌سود و ملت عراق بر سر نوشت خود حاکم باشد .

این پیام خون هریار شهید با صلح به کربلا نخواهیم رسید

این کاروان بنام کرب و بلاست
راهی قدس از راه کرب و بلاست
قافله خون و بیام و شرف
عازم شد از ایران به ارض نجف
شد کاروان کربلا روانه
سوی حبه های حق خانانه

سبح مادلیروآزاده است
سارزو برشور و آماده است
سبح ای تونیروی الهی
ای یا ورا رتشی و سپاه سی
سپاه ما شکست ناپذیر است
دلاور و شجاع و بی نظیر است

قافله بسیجیان اسلام
عازم جنگند به سوی صدام
رویم برای انتقام
از بعثیان زشت نام
بر حبه های پریم پیام
از شهدای نیک نام
شمارتان شد کربلا

ای راهبان کربلای حسین
رهبرتان بزرگ پیر خمین
سبحان به حبه ها روانند
دلاور و رشید و پیر توانند
لشکر اسلام شود سرفراز
به قدرت بسیجی پیشتاز

کا روانهای کربلا چندین بیکره
همراه خود داشتند و طول صف کاروان کربلا از
میدان فردوسی تا دانشگاه تهران کشیده
شده بود
در شعارها و تراکتها بیش از هر چیز نام
کربلا به چشم میخورد.

ما به دشت کربلا هر دم شتابان میرویم
بهر دیدار حسین با شوق جانان میرویم
ما به شوق امت صاحب زمان
در پی نابودی بعثی کا فر میرویم

در رابطه با حرکت کاروان کربلا
نکات زیر به نظر می رسد:
۱- باید توجه کنیم که مردم را از چه
موضوعی بسیج میکنیم. آیا به آنها به عنوان
آزاد می نگرییم یا به منظور فعل و انفعالات
سیاسی جهانی از آنها استفاده میکنیم و یا
اینکه رزمندگان نیاز به تحرک و فعالیت
در خط مقدم و در کار در خط مشی آزادی قدس
از راه کربلا دارند.

۲- برخی برای ما دارند که با حضور
گسترده مردم در حبه ها، غلب و عسیراتی از
نیروهای بسیج شده میترسند و کوتاه می آیند
و سرانجام غرب به این جمعیتی می رسد که
صدام را ببرد و جنگ پایان یابد.
در این صورت درست نیست که برای پایان دادن
به جنگ، بهره گیریهای سیاسی از نیروهای
شهادت طلب و رزمنده شود. ثانیاً "امیرالایم
سعی دارد از شهادت انقلابی را در درون خومان ابرار
سرکوب کند، و با عوض کردن مهره صدام

تشدید تعمیق انقلاب عراق

کیهان ۶۴/۱۰/۲۲

بیانات آیت الله منتظری در دیدار با
اعضای مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق
آقایان در مرحله اول از شعارهای
تلفیقی کم کنند و بجای آن به کارهای مبارز
اتی و تربیت فراد مبارز و ایجاد ارتباط
با آنها در داخل و خارج عراق بپردازند
و ترتیبی بدهند تا تمام نیروهای مومن
و افراد متعددی که میخواهند در این حرکت
اسلامی شرکت کنند بدون توجه به اینکه
واستمه چه حزب و گروهی میباشد
بتوانند در مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق
نقشی داشته باشند.

برادران محترم معطل ساخته شدن باید
گانه و امثال آن در مرزها نباشند. با برپایی
جاذبه و امثال اینها هم میشود نیروها را در
حبه ها و مرزها آموزش داد و مستقر کرد.
در جنگهای صدر اسلام مسلمانان با آن
امکانات کم چه کارها و بیروزیهای زیادی
را بدست آوردند.
شکل واقعی این جنگ فعلی مبارزه ملت
مسلمان عراق با رژیم فاسد است

باید نیروهای متعدد عراقی در میدان جنگ
با اسرائیل وجود داشته باشند و لی این
حزب بعثت از اول تفرقه انداخت و مانع
تشکیل آن است.

گروهگرایی و تعصبات گروهی برای شما
بسیار خطرناک است و بعنوان بدترین سم
میتواند مهلک باشد.

بنابراین در حقیقت این ملت عراق است
که رژیم فاسد و فاسد صدام میکنند. نظیر
مبارزه ملت افغانستان با رژیم دست
نشانده در کشورشان

بیانات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
در دیدار با اعضای مجلس اعلاى انقلاب
اسلامی عراق:

آتش جنگ را خاموش نگه دارد. حال آنکه
در صورت تعمیق ارزشهای انقلاب و فراگیر شدن
آنها در کار در خط مشی آزادی قدس ایمن
حرکت پایانی ندارد. و بهتر است بجای
فکر کردن در مورد پایان جنگ به چگونگی
صورت آرمانیهای انقلابی فکر کنیم.

۳- مسئله مهم این است که مردم
از آنجا که انگیزه های ضد ظلم و دفاع
از حق و انقلاب و رهبری دارند بسیج شده اند
و صرفاً با گفتن و اشاره مسئولین ایمن
حرکت عظیم شروع نشده است. بهتر است
مسئولین روی انگیزه های مردم در مقاطع
مختلف مثل روز قدس و یا انتخابات دوره
دوم ریاست جمهوری فکری بگذارند تا
خدای نخواستند دچار فرور نشوند، و خط
مشی نظامی و حتی سیاسی جنگ را متناسب
با انگیزه های ضد ظلم و فطری و الهی مردم
تنظیم نمایند.

صدام، شوروی و جنگ اسلام و کفر
روز دوشنبه ۲۵ آذر ماه صدام بطور
۶۴/۹/۲۷

سوسیالیستی و ضد امپریالیستی خویش
برای کسب مجدد شخصیتی کاذب به این سفر
دست زده
۲- صدام میکوشد با تایید شوروی و
حفظ چپ نمایی موقعیت متزلزل خویش را
از لحاظ سیاسی حفظ کند.
۳- راه برای نزدیک شدن کشورهای
دوست شوروی مانند سوریه به عراق باز
شود چرا که برای این کشورها ارتباط
با شوروی به خودی خود ملاک ترقی است لذا
بعد از نزدیک شدن اردن به سوریه بعید
نیست عراق که دارای سابقه چپ نمایی
نیز هست با سوریه نزدیک شود و شایعاتی
که چندی پیش مطرح شد به حقیقت بپیوندد
۴- چون این دیدار بعد از مذاکرات

شهادتقی ممدل :
ما میخواهیم ملت عراق را
تغییر داده و انقلابی کنیم
وقتی ملتی بیدار رشد و
متحول گردید، خود مبنای
حرکت و انقلاب میشود

سران شرق و غرب و همزمان با سازشهای
سیاسی شوروی با اسرائیل صورت گرفت
به نظر میرسد شوروی برای شرکت فعالانه
در توطئه های امپریالیستی، خاور میانه
نیاز به تحکیم روابط با کشورهای امثال
عراق که نقش عمده ای در بحرانهای منطقه
دارند داشته باشد.

توطئه همه جانبه سازش کشاندن جنگ
۶۴/۱۰/۳
طه یاسین رمضان : ما صلح را به
زور به ایران تحمیل خواهیم کرد.

کیهان ۶۴/۱۰/۱۰
صدام ضمن ارسال یادداشتی به دبیر
کل سازمان ملل : جامعه بین الملل موظف
است اقدامات لازم برای خنثی کردن سلاط
ایران انجام دهد. ایران در حال اعزام
نیروهای داوطلب به جبهه جهت دست زدن
به یک حمله میباشد.

اطلاعات ۶۴/۱۰/۱
روزنامه الاهرام در مقاله ای به نام
"لعلکم تعلمون" از کنفرانس سالیانه
دانشمندان در الزهر خواسته است ایران
و عراق از جنگ باز داشته شوند و مانع
از آن شوند که این جنگ بنیاد برانداز
ادامه یابد.

کیهان ۶۴/۱۰/۱۰
تورکوت اوزال نخست وزیر ترکیه : انسان
آرزو میکند که مسئله جنگ در اولین فرصت
خاتمه یابد. مسئله محق بودن یکی از
طرفین نیست خدادار نهایت به حساب ظالم
میرسد و باید این مسئله را به روز قیامت
محول کرده

کیهان ۶۴/۹/۲۷
گرومیکور رئیس جمهور شوروی : جنگ
ایران و عراق یک جنگ غیر ضروری و بی
معنا است و این جنگ برای آنها بی مفید
است که علاقه مند به تضعیف ایران و عراق
باشند.

شهادت کمال است؛ اما حیات شما جوانان برای ما پر ارزش است. شما انوار پاك اسلامید
سعی کنید در موقع دفاع از اسلام تلفات کمتری بدهید و بازده بیشتری داشته باشید.

جمهوری اسلامی ۶۴/۱۰/۴
اولاد پالامه پس او دیدار و مذاکره با دبیرکل سازمان ملل و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و رژیم عراق در این سازمان اظهار داشت:

دو کشور همچنان اعتماد خود را نسبت به وی در انجام ماموریتهای که از سوی سازمان ملل به ایشان محول میشود از دست نداده اند... حتی تاودی خارک هم نمیتواند ایرانسپارایه زانودر آورد راه محمداهد: اولاد پالامه پس از سفر قلی خود به ایران در سال ۱۳۴۰ در یک مباحثه اعلام کرده بود راه حل پایان یافتن جنگ تعدیل حاکمیت دو کشور ایران و عراق است. پس از صحبتهای او حاکمیت عراق باگرایش به سمت غرب رو به تعدیل نهاد.

چند ماه پس از ارائه جمعبندیهای او خط تروررهران و کادر کشی در ایران شروع شد انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر و انفجار نخست وزیری در ۸ شهریور و ترور اشمه جمعه و صدها ترور دیگر.

اولاد پالامه از رهبران سوسالستهای اروپا و فردی مرموز و خطرناک است. تحلیل وی در رابطه با خارک تحلیل جدید و قابل تعمقی است. تا به حال کارشناسان غرب به انهدام گام به گام خارک برای به زانو در آوردن ایران امید بسیاری داشتند و اولاد پالامه به نظر میرسد که راه حلی بیحیده تر در مخلصاش میبوراند. از مسئولین جمهوری اسلامی خواهانیم جهت افشا و کشف توطئه های او مطالب مطرح شده از سوی وی را برای امت شهادت پرور مطرح سازند.

جمهوری اسلامی ۶۴/۱۰/۱
مستول ستاد تناسفات جنگ کمال خرازی آنچه ما میخواهیم از اول روشن بودو آن اینکه سازمانهای بین المللی باید رژیم متجاوز صدام را محاکمه و تنبیه نمایند وگرنه ما خودمان با ادامه عملیات او را تنبیه خواهیم کرده.

راه محمداهد: سازمانهای بین المللی بنابه ماهیت واسته شان آنگاه به خواسته حق ملتشان میدهند که بطور مستمر تحت فشار قرار داشته باشند. بدیهی است عملیات مستمر و بیامان در حبه ها بهترین و تنها راهی است که سازمانهای بین المللی را مجبور به تحقق اهداف انقلاب اسلام منماید.

مطبوعات امریکائی وجنگ اسلام و کفر وال استریت ژورنال ۶۴/۹/۲۳
اختلاف عراق وسایر متحدانش در مورد پایان دادن به جنگ:

۱- عراق معتقد است حمله به خارک میتواند ایران را به متوقف ساختن جنگ مجبور کند.

۲- متحدان عراق معتقدند که حمله به خارک موثر نیست زیرا گسترش جنگ اختلال در خطوط کشتی رانی در خلیج فارس از سوی جمهوری اسلامی خطر بیشتر تروریسم که از انقلاب اسلامی الهام گرفته است را به دنبال دارد.

اینها معتقدند که برای عراقیها راهی نظامی برای برقراری صلح از طریق اعمال زور باقی نمانده است.

۳- عراقیها جنگ را به نمایندگی از طرف کشورهای عربی ادامه میدهند تا افراطگرایی رژیم اسلامی را در حالت دفاعی نگه دارند.

ادامه عملیات برای تنبیه متجاوز

کسبان ۶۴/۱۰/۱
حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی: سازمان ملل باید بدانند این حقیقت را که حزب بعث متجاوز است و مسئول همه خسارات جنگی است و به جهان اعلام کند... اگر شما بعنوان سازمان ملل و شورای امنیت این حرف را بزنید دیگر ما این نیاز را احساس نخواهیم کرد که مردم را از نقاط مختلف کشور بسیج کنیم و راهی حبه ها گردانیم. بگذارید این مردم درسی را که شما نتوانستید به تاریخ بدهید، با محاکمه متجاوز

راه کربلا شماره ۹۷
حجت الاسلام حکیم در پاسخ به این سؤال که چرا رژیم صدام علیرغم تزلزل عمیق و گسترده در نظام سیاسی واقتصادی تاکنون ساقط نشده است گفت: عراق تنها نیست بلکه او به نمایندگی از سوی استکبار شرق و غرب بر ما تاخته و از کمتهای نظامی، سیاسی واقتصادی آنان برخوردار است در بعثت دیگر رژیم حنایتگارد عراق تنها بازور و ارباب و حواختناق توانسته است تاکنون دوام آورد و به حیات ننگینتر ادامه دهد.

ضرورت ارائه خط مشی برای انقلاب عراق کسبان ۶۴/۱۰/۲
رئیس جمهور حجه الاسلام خامنه ای:

امام خمینی: ما دفاع مقدس میخواهیم بکنیم، یعنی ما میخواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم یک دفاعی است که عقل و اسلام، هر دویش موافقند

به تاریخ بدهند و به جهانیان نشان بدهند که اگر ملت بخواد میتواند متجاوز را تنبیه کند. مابرای " برقراری امنیت کامل در منطقه " و " باز کردن راه وحدت مسلمانان " و " مقابله با اسرائیل غاصب " احتیاج به ریشه کن کردن حزب فاسد بعثت عراق و شکوب متجاوز داریم

حرکت کنند لازم است که مجلس اعلی نظریات خویش را برامون مسائل ذیل اعلام کند چرا که در غیر این صورت حاکمیت مجلس اعلی صرفا حاکمیتی تشکیلاتی خواهد بود و صلاحیت هدایت انقلاب عراق را نخواهد داشت.

الف: شیوه اصلی برای آزادی کربلا در شرایط و مرحله فعلی جنگ

ب: خط مشی مبارزات مردم عراق در

سرنوشتی صدام و مراحل این خط مشی ج: راه گسترش وحدت میان احزاب و اقشار مختلف عراق

د: رابطه کار سیاسی و تبلیغاتی محاهدین عراقی با کار نظامی

راه کربلا شماره ۱۰۲
حجت الاسلام حکیم در پاسخ به سؤال پیرامون استراتژی دنبال شده توسط مجلس اعلامیه از عملیات محاهدین عراقی در شمال و جنوب عراق آنرا در سه قسمت بیان داشتند

الف - مبارزه مسلحانه: رژیم صدام رژیمی است فاشیست و بازور آتش و آهن حکومت می کند بنابراین نباید به کارهای سیاسی اکتفا نمود و مبارزه مسلحانه باید بر اساس و بخش عمده استوار باشد:

۱- تشکیل و بسیج کردن گروههای رزمنده در مناطق نیمه امن و یا آزاد شده در داخل عراق تا علیه رژیم عراق بجنگند.

۲- انجام دادن عملیاتی در داخل عراق که بطور اصلی هدف از اجرای اینگونه عملیات مسلحانه موسسات نظامی واقتصادی مهم و افراد مهربه های رژیم میباشد.

ب - فعالیت های سیاسی - مامعتمدیم که ملت عراق باید گرد آید اگر یک محور اساسی جمع شوند که در آینده آرزوهای اف ملت مسلمان عراق را تحقق بخشد بدین ترتیب مجلس اعلا ی انقلاب اسلامی عراق مطرح شد و دارای حرکت های سیاسی و مردمی در داخل و خارج عراق است.

ج - رسوا کردن ماهیت واقعی رژیم عراق بیان در درونجهای ملت مسلمان عراق، بر ملا کردن روح دشمنی و کینه توزانه این رژیم نسبت به آرمان و اهداف و تاریخ ملت مسلمان عراق.

راه کربلا شماره ۱۱۱
حجت الاسلام حکیم باتلویزیون بریتانیا: استقرار مجلس اعلا در ایران امر طبیعی است به اعتبار اینکه ایدئولوژی اسلامی را دنبال می کند و ماموریت سیاسی آن مخالفت با رژیم کنونی حاکم بر عراق و سرنوشتی این رژیم است و جمهوری اسلامی ایران ایدئولوژی اسلامی را بعنوان رکن اساسی می داند و در مرز عراق قرار دارد و در حال رویارویی با رژیم عراق است تمامی این شرایط و اوضاع زمینه ساز حضور مجلس اعلا در جمهوری اسلامی ایران میباشد

... مجلس اعلا تشکیلات سیاسی نیست بلکه امتداد و گرد آورنده کلیه تشکیلات و نیروهای سیاسی موجود در صحنه عراق است

و می توان گفت این مجلس دارای ریشه های گسترده قبل از ده سال پیش است... طرز تفکری که به آن اعتقاد داریم این است که مابیه شیعه باورند اریه بلکه به اسلام ایمان داریم اسلام یک نظریه کلی جهانی است و به وجود قومیات اشاره دارد ولی برای چار کیان سیاسی تحزیه قومی و نژادی استوار نیست بلکه بر رکن سیاسی بر مبنای ارزشهای الهی و آسمانی تاکید میکند.



پیرامون جرخش کشورهای شورای همکاری خلیج

ایران ۶۴/۸/۲۰
روزنامه الخلیج چاپ امارات متحده: امنیت در خلیج فارس تفکیک پذیر نیست و اعضای شورا در بر طرف کردن بزرگترین تهدید بر علیه امنیت وثبات شان یعنی ادامه این جنگ (جنگ ایران و عراق) بفع مستقیم دارند.

ایران ۶۴/۹/۱۰
حجه الاسلام خامنه ای: کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج با یک موضعگیری واقعی نقشه های استکبار را که ایران قصد حمله نظامی به کشورها یا منافع آنها دارد نقش بر آب کردند و با یک موضعگیری مطلوب آمادگی قرار گرفتن خود در کنار جمهوری اسلامی را اعلام کردند.

پیام انقلاب شماره ۱۵۰
اقدام اخیر شورای همکاری خلیج میتواند ادامه تلاشهای شیطان بزرگ در جهت حق السکوت دادن به ایران یا مشغول کردن ایران برای حل مسئله جنگ تحمیلی باشد که در آن صورت ایران از مسائل فلسطین و لبنان غافل بماند.

کسبان ۶۴/۱۰/۲
آقای احمد عزیز رییس کمیسیون سیاست خارجی مجلس: ... عمده این کشورها (کشورهای مرتجع منطقه) در فوات خود با انقلاب اسلامی سرسازگاری ندارند و همه به آن واقفند. خود آنها هم میدانند و تصور نمی کنند بر کسی پوشیده باشد. موضع اخیر شورای همکاری نیز فی الواقع قدمی بسیار فراتر از آنچه که قبلا داشتند نبود. تنها یک جرخش سیاسی در لفظ بود. و اینهم قابل اینست که با آن یک برخورد مثبت داشته باشیم.

راه مجاهد: بنظر میرسد که مهمترین دلیلی که باعث جرخش کشورهای شورای همکاری خلیج شده وحدت نظری است که بین ایران و خودش در مورد " امنیت خلیج " پیدا کرده اند، یعنی همه میخواهند که نفت صادر کنند، امنیت نفتی ایران به دستور آمریکا و توسط مرتجعین برهم زده میشود ولی امنیت نفتی



قیمت شکنی نفت

وضع حمله به صدور انقلاب اسلامی

هدف غرب از قیمت شکنی در مورد نفت چیست؟ مسلمانان یکی از اهداف اعلام شده امپریالیسم در برابر آئین آوردن قیمت نفت به گفته کیسینجر، سقوط انقلاب اسلامی است.

در اینجا این سؤال مطرح میشود که با توجه به اینکه سایر کشورهای منطقه هم از پائین آمدن قیمت نفت در رنج هستند، غرب تا کی میخواهد با قیمت شکنی، دوستان خود را زیر فشار قرار دهد؟

این تضاد را غرب چگونه حل خواهد کرد؟

راه میانه:

به نظر میرسد که جناح دوران نیش غرب ایمان دارد که انقلاب اسلامی در منطقه صادر شده و بزعم آنها بنیادگرایی همه جا را فرا گرفته و بعضی تحلیلگران غربی (مانند شیرین هانت) معتقدند حتی اگر جمهوری اسلامی ایران سقوط کند، عوامل قیام خیز در منطقه از زمین نمیرود و ممکن است الگوی انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر منطقه تکرار شود. بخصوص که عامل دیکتاتوری رژیمها به قوت خود باقیست.

پائین آوردن قیمت نفت موجب رضایتی سرمایه داران، مقابله کاران و جیره خواران نفتی در کشورهای منطقه میشود و اینها تضاد بنیادی با سلطنت، سرمایه و غرب ندارند. اینها با استفاده از امکانات خود ممکن است دست به تهورهای خفیفی بزنند و رهبری نا رضایتی ها را به عهده بگیرند و تا مدتی بنیادگرایی را فریب دهند.

در ایران نیز غرب در نظر داشت با کاهش درآمد نفت در سال ۵۷ رهبری نا رضایتی ها را به دست سرمایه داران نا رضای بدهد، ولی وجود امام و بسیج توده ها و آگاهیه های انقلابی مردم این توطئه را درهم شکست.

البته توطئه قیمت شکنی، هدفهای اقتصادی و نظامی سیزده اردیبهشتی مقاله ای با بستی مورد بحث قرار گیرد.

اولویت و حکومت با اصل "رفع نیازهای جمهوری اسلامی" است زیرا جمهوری اسلامی امروز حکم "ام القریاء دارالاسلام" را دارد. اینطور نیست که جمهوری اسلامی منحصر به یک حکومتی مثل دهها حکومت دیگر در دنیا باشد بلکه برای تمام جهان اسلام حفظ جمهوری اسلامی اهمیت دارد از این جهت گاهی میبینیم که مسئولین جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر کارنامه "درستی ندارند، یک سلام و علیک رسمی دارند. اینکار ممکن است باعث رنجش مسلمین شود و به صدور انقلاب ظلمی وارد آورد لیکن برای حفظ "ام القریاء" ضروری است.

۶۴/۹/۲۹

ملک فهد در دیدار با آقای ولایتی:

ایران و عربستان دو کشوری هستند که میتوان گفت همی در تقویت جهان اسلام ایفا کنند. و از این رو ما احتیاج به تفاهم اسلامی داریم.

۶۴/۹/۲۵

دکتر ولایتی:

ایران و عربستان به این نتیجه رسیده اند که امنیت منطقه بدست کشورهای منطقه است.

۶۴/۹/۲۵

اطلاعات در مورد امنیت خلیج: دو طرف بر این عقیده هستند که امنیت منطقه بر عهده کشورهای منطقه باشد و نباید به قدرتهای خارجی اجازه هیچگونه دخالتی در منطقه داده شود.

صدور انقلاب و نهضت های آزادی بخش

پیرامون سفر شیخ سعید شعبان به ایران: شیخ سعید شعبان در نماز جمعه سخنرانی به زبان عربی ایراد کرد. صحبت های ایشان به فارسی ترجمه نشد و ایشان یکی از شخصیت های سیاسی مهم لبنان و از شخصیت های هستند که در خط مبارزه با صهیونیسم در لبنان عمل میکند. این عمل باعث تعجب افرادی شده است.

کیهان

۶۴/۱۰/۲

آقای احمد عزیزی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس: در رابطه با مذاکراتی هم که در عربستان سعودی انجام شد، شخصا "معتقدم که با این نوع کشورها در رابطه با وحدت جهانی اسلام و مسائل جهان اسلام نمیتوان وارد گفتگو شد چرا که برداشتهای ما از وحدت و مسائل جهان اسلام متفاوت است.

در مورد طرح اصولی باید بگویم:

ما به روابط خود با دولت ها با دیده عنوان یک رابطه، ابزاری برخورد کنیم. محور اصلی در سیاست خارجی ما، ملت ها هستند و از زبان سیاست های جمهوری اسلامی با توجه به تاثیر سیاست های جمهوری اسلامی با توجه به تاثیراتیکه روی افکار ملت ها میگذارد، باید

کیهان

۶۴/۱۰/۲

محاکمه دو هواپیمای تبعه یمن شمالی که سال گذشته هواپیمای عربستان سعودی را ربوده و مجبور به فرود در فرودگاه تهران کردند، در محل تا لارچائی دادگستری انجام شد این اولین محاکمه از نوع خود در محاکم قضائی ایران میباشد.

کیهان

۶۴/۱۰/۹

هواپیمایان یعنی که بر اساس قانون مجازات اخلاص گران در امنیت پرواز هواپیما و بر اساس عهدنامه تسامحه ۱۹۷۰ لاهه و عهدنامه مونترال محاکمه شدند. بر اساس رای دادگاه متهم ردیف یک سعید صالح مسعود به ۱۲ سال حبس محکوم و احمد الباس تبرئه شده.



اخبار نفت

بر روی دیواری در اهواز نوشته شده بود: اگر به جای نفت ایمان داشتیم مسئله جنگ زودتر حل میشد. البته ایمان ملت قاسم مقایسه با ذخایر نفت نیست و

انجام شود. چه سکه در زمانی قطع رابطه ما با دولت خاصی که علیه ملتش اعمال فشار میکنند تاثیر بیشتری داشته باشد و همچنین به استمرار رابطه چه با منحرفه حقانیتی برای آن دولت هم بشود، به اعتقاد من نباید تصور کنیم که در نتیجه ارتباط صرفا یک دولت است و حضور مستقیم در آنجا.

من تصور میکنم وزارت خارجه کمی بیش از حد لازم به ورطه عملگرایی کشیده شده و این با تا کیدی که روی ضرورت بنیادگرایی اسلامی در جریان اجرای سیاست خارجی برای احراز هویت ویژه انقلابی بود، شاید تناقض داشته باشد.

راه میانه: منظور نویسنده این است که ایمانمان را بیشتر کنیم و تکیه به نفت نداشته باشیم. باید توجه داشت که ایمان ملت فوق العاده زیاد است همچنین نفت باید در خدمت انسانهای نا ایمان قرار بگیرد یا اتخاذ شیوه های متناسب و فهمیده ای در جنگ به قطع وابستگی از نفت و پیروزی در جنگ برسیم.

نفت و توسعه اقتصادی

رسالت ۶۴/۸/۱۲

رابطه توسعه اقتصادی و درآمد نفت در سه جریان خلاصه میشود:

- ۱- این جریان معتقد است که باید در یک دوره ده ساله اقدام به فروش انبوه نفت نموده و با ارز حاصل سرمایه گذاری در تولید کالاهای واسطه ای و سرمایه ای را افزایش داد تا در سالهای بعد نیاز به واردات و ارز کاهش یابد.
- ۲- امکان فروش نفت به بهترین قیمت

صدور و فروش نفت باید تا بعضی از امکانات تولید و صادرات بازرگانی نفت بوده و تا مین کنند. قسمتی از نیازهای ارزی کشور باشد.

۳- نظریه سوم معتقد است میزان درآمد ارزی حاصل از فروش نفت باید متناسب با قدرت جذب سال آن در اقتصاد کشور باشد.

نشریه رسالت پیشنهاد داده است که کمیسیون برنامه و بودجه با توجه به شرایط بازار، میزان درآمد از نفت را در بودجه مشخص نماید.

راه میانه:

اولا توسعه اقتصادی ستکی بر بسیج واقعی مردم است. بسیج علیه دشمن اصلی و پیاپیها پیش در داخل (خانها و سرمایه داران) های وابسته، دستهای مرموز و شیوه های غیر اسلامی (نه بسیجی متکی بر درآمد نفت). ثانيا "باید خط مشی مان را بر مبنای بریدن از نفت در درازمدت قرار دهیم و در شرایط فعلی از نفت را صرف مبارزه با کفرت و تقویت نهضت های مردمی نمایم.

نفت و انقلاب

در رابطه با نفت ابز قدرت ها روی سه خط با ایران عمل میکنند:

- ۱- قیمت فروش نفت را هر چه پائین تر بیاورند.
- ۲- صدور نفت را هر چه کمتر
- ۳- مخارج صدور نفت برای ایران هر چه بیشتر افزایش یابد. نظر آنها نتیجه این مثلث به آنجا میکشد که صدور نفت بطور خود بخود سوددهی اش را برای انقلاب از دست بدهد و مردم هم بسیج نشده باشند.

امام خمینی بهر کس از شرق و غرب، هر چه بخوابد بگوید، ما راه خودمان را می رویم و امید داریم که این راه را به آخر برسانیم.

XX

بیرا مون هفته، سیج و مسائل سیستان و بلوچستان

XX

هفته، سیج به عنوان هفته، کمک به استان محروم سیستان و بلوچستان، جمع آوری کمکهای مالی و نقدی به این استان اعلام شد. در این رابطه مسائل زیر بنظر میآید.

- ۱- بعضی ها معتقدند که نیا زاطلی استانهای محروم و دور افتاده کمکهای مالی و اقتصادی است و ابتدا باید نیازهای اقتصادی مردم را برآورده کرد، سپس به کارهای فرهنگی و سیاسی پرداخت.
- ۲- جریان دیگری معتقد است که نیا زعمده، اینگونه مناطق کارهای اقتصادی و عمرانی نمیشود، بلکه باید سطح فرهنگی جامعه را بالا برد زیرا آنها دچار فقر فرهنگی هستند و فقر اقتصادی نیز ناشی از همین فقر فرهنگی است.

راه مجاهد:

بنظر میرسد نیا زواقعی مستضعفین و محرومین این منطقه در ارتقاء مبارزه ضد ظلم و فعال شدن آنها در عمل صالح است و در چنین مبارزه و حرکتی است که مردم سیج شده و اقتصاد از دست رفته و جیا اول شده توسط خوانین و فئودالها، به هلاک بر میگردد.

از آنجا که مشکلات بنیادی این منطقه لاینحل مانده است، غالباً " دیده شده بوده، عمرانی که به استان سیستان و بلوچستان اختصاص داده شده، توسط مسئولین استان برگشت داده میشود، لذا حل مسئله محرومیت منطقه با کمکهای اقتصادی و یا کار فرهنگی جدا از مبارزه، امکانپذیر نخواهد بود. بلکه باید دست گذاشتن روی حل مسائل بنیادی نظیر مسئله، زمین و مبارزه با روابط خان خانی و فئودالی و شوههای غیراسلامی میتوان گامی در جهت رفع مشکلات و محرومیتهای منطقه برداشت.

نارسائیهای موجود خوب عمل کرده است. اخلاق و رفتار مسئولین در زندانها نکته قابل توجه دیگر اینکه امام در سیر برخورد زندانیان داشته باشد.

امام خمینی :

به مستضعفان و مستمندان که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید که پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده دارد

مصدق نماشی

این روزها مدتها شده عده ای به شکل افراطی دم از مصدق میزنند، در حالیکه نسبت به شیوهها و اویگانها هستند. مثلاً وقتی اسم از اقتصاد غیرمتکی به نفت برده میشود، مثل چن از اسم... فرامیکنند. زیرا که اساس زندگی متکی به در آمد نفت است و یا وقتی از پیش نهاد مهربالیستی مصدق صحبتی به میان میآید روی درهم میکشند.

اینها تنها دل به این خوش کرده اند که مصدقی هستند، در صورتیکه تا بحال فعالیتی روی شیوههای مصدق نکرده اند.

اینان تا بحال فعالیتی روی چاپ اسنادی که از مصدق در اختیار دارند، هم نکرده اند.

امیدواریم جوانان پرشوریکه نیاز به تدوین یک خط مشی انقلابی را احساس می کنند، به این پدیده " مترقی نمائی" توجه کنند.

اینها تا آنجا از مصدق حمایت میکنند که او را در مقابل مرحوم آیت الله کاشانی قرار دهند، در حالیکه مصدق هیچگاه از ایشان به بدی یاد نکرد. اینها وقتی از شیوههای مصدق یاد میشود، ناراحت میشوند زیرا که با نوع زندگی خودشان هم نمیخواند.

به سه رهنمود مرحوم مصدق به مکی در راه مجاهدشماره ۵ رجوع نماید.

دولت مهندس موسوی پیوند بیشتری احساس کرده و او را حامی خط مشی انقلاب میدانند.

اجرای شیوههای اسلامی در زندانها راه مقابله با تروریسم

آقای خوشینی ها در معرفی سرپرست جدید زندانها:

جرم و ارتکاب جرم در اکثریت زندانیان یک نوع بیماری و آلودگی است که از بیرون جامعه مابین ملت تحمیل شده است.

از زمین بردن زمینههای بیمارجهت جلوگیری از ورود استکبار از طریق این زمینهها دور کردن اشتباهات خودمان که باعث تشدید بیماری شده است.

ماندن زندانیان در زندان تنها به مدت تعیین شده، نه بیشتر.

زندانیان استحقاق هیچ توهین و حرکت غیرمنصفانه ای را ندارند. حتی آن کسی که بمت منفجر کرده است میادیا و رفتار وی ناشایست بشود که این اعمال خلاف شرع است. مسئول و نگهبان در زندان هم میتواند زندانی را بر عقیده و فکرو حرمتش بایستد کند. و هم میتواند زندانی را از راه انحرافی که میروند خلاصی دهد.

موسوی به نخست وزیری و حمایت امام از ایشان مخالفتهایی را برانگیخت و عده ای "ا هرا" از موضع انقلاب و خط امام، علیه مردم تائید امام با این امر مخالفت کردند اینها با استناد به مواضع امام در زمان بنی صدر و قیاس این دو جریان، مخالفت خود را توجیه میکنند. در این نوشته سعی شده است با این منطلق و توجیهات دیگر برخورد فعال شود.

جریان معتقد است:

- ۱ - نارسائیها و زدنیهایی که میشود ناشی از سیاست غلط دولت است که دزد می سازد. این جریان معتقد است که همه قدرت در دست اینها (دولت موسوی) است. آیت ۱۰۰۰ موسوی اردبیلی هم با آنهاست چرا دزد ها را نمیگیرند، اینها دروغ میگویند.
 - ۲ - این جریان معتقد است امام نمیخواستند موسوی را تائید کنند ولی بر اثر فشارهای زیاد مجبور به تائید شدند. ما بخاطر امام چیزی نگفتیم.
- این جریان میگوید حمایت امام از موسوی مانند حمایت امام از بنی صدر است و امام برای حفظ نظام او را تائید کردند. اینها بدین ترتیب مخالفت خود با دولت موسوی را توجیه میکنند و مخالفت خود را در خط امام نیز میدانند.

راه مجاهد:

اولا امام سعی میکردند با بنی صدر برخورد تعالی بخش نموده و ۱۱ میلیون رای او را تبدیل به اهری برای جذب بنی صدر بسوی مردم و انقلاب کنند. بر خلاف آنچه که این جریان تصور میکند که تائید امام از بنی صدر شکلی و مصلحتی بوده، اینگونه نبوده است. این گفته، خود تهمت است به امام. امام به دروغ کسی را تائید نمیکنند.

این افراد خط مشی امام را درک نکردند. زمانیکه همه نظام و مردم به برداشتن بنی صدر رسیدند امام مخالفتی نکردند. اما زمانیکه جریانهای وسیع سیاسی و اقتصادی دست به حرکت علیه موسوی زدند و بنظر می آمد که دولت موسوی رفتنی است دیدیم که امام علیرغم اینها او را تائید کردند هر چند که میتوانستند او را تائید هم نکنند. تائید امام از مهندس موسوی بدلیل خط مشی او بود در حال حاضر تشخیص امام این است که ایشان صالحترین فرد برای اینکار هستند.

ثانیا - بنی صدر ائتلافی از نیروهای مخالف را همراه خود کسب کرده بود و امام سعی داشتند با تائید ریاست جمهوری او، او را از خطوط مخالف جدا نمایند. امام در محتوا با خط مشی بنی صدر مبارزه داشتند. خط بنی صدر "جوری" و "تخصر گرای" و تشدید تضادهای داخلی و... بود که امام بطور غیر مستقیم با این خطها مخالفتهای آشکاری داشتند. بازرترین صحبتی که امام در مورد بنی صدر داشتند و تمام ملت متوجه این موضع شدند این بود که گفتند: " هسی نگوئید من بگوئید مکتب من " در حالیکه امام در مقاطع مختلف دولت مهندس موسوی را تائید کردند و آنرا دولت مستضعفین و دولت خد پتکار نامیدند. که علیرغم فشارها و...

راه مجاهد: راه دیگر که ایرق درتها داشتند این بود که ما درهم کوبیدن مراکز صدور نفت، ما را از صدور نفت بی نصیب سازند ولی در این صورت مردم پشت سر امام و آیتا... منتظری بر علیه ایرق درتها و در جهت خودکفایی سیج میشوند و حرکت عظیمی بوجود میآید که ایرق درتها به هیچ وجه تمایلی به آن ندارند. مکرروا مکرروا... والا... خیرالماکرین آنها مکر میکنند و خدا هم مکر میکند و خداوند بهترین مکرکنندگان است.

اثرات گاهش بهای نفت

رادبوشیطان بزرگ ۶۴/۸/۲۴

محلّه میدایستری پورت حاب نیویورک... تولیدکنندگان نفت در خلیج فارس از کشورهای همسایه (پاکستان هند، ترکیه و حتی فلپین) میلیونها کارگر وارد کرده اند. این کارگران مهاجرمالیگ هنگفتی بول به کشورهایشان فرستاده اند و حتی به کسری موازنه دولتی نیز کمک کرده اند. در صورت گاهش قیمت نفت و زمانیکه آنها به کشورهایشان بازگردند، بر شمار بیکاران آن کشورها افزوده میشود و این گروه عظیم میتواند یک عامل انفجار محسوب شود، که ثبات رژیمها را تهدید میکند.

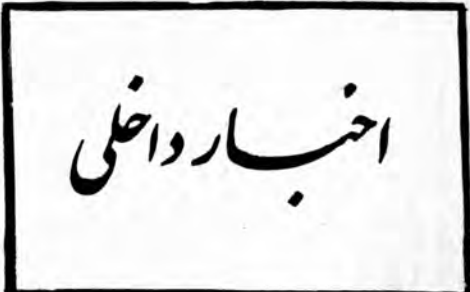
راه مجاهد:

امیرالایسم برای مقابله با انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آن با توطئههای فراوان، باعث یا ثین آمدن قیمت نفت شد تا جائیکه دچار چنین مسئله ای شده است.

بریدن از نفت، مصلحت انقلاب است

ابرار ۶۴/۸/۱۴

آقای غراوی نماینده گندکا ووس: مصلحت انقلاب اینست که به عوض اعلام توانائی ایران در صدور نفت، حتی بیشتر از قبل از زمان حملات رژیم بعث به منابع نفتی ایران، به تقویت اقتصاد ملی در جهت قطع وابستگی به نفت و ایجاد اقتصاد متکی به تولیدات متنوع داخلی، همت گماشت. در صورت عدم اتخاذ چنین خط مشیهای دولت هر قدر هم دلسوز باشد ناگزیر است پس از مدتی رویه سابق فروش نفت و صرف عواید حاصل از آن، به منظور واردات و رفع نیازها فوری داخلی و مآلا وابستگی به استکبار جهانی کردن نهاد.



نقطه نظراتی بیامون دولت مهندس موسوی

طرح مسئله انتخاب دوباره مهندس

باید در زندان محیط و شرایطی برای مجرمین و گناهکاران بوجود آورد که بتواند به فطرت اولیه خود برگردد آیت الله منتظری

سنگ قبر خرد شده شهید حنیف نژاد
قطعه ۳۹ بهشت زهرا محل خاک سپردن
شهادت اولیة سازمان مجاهدین است. حنیف
نژاد، سعید محسن، بدیع زادگان، محمود
مسگری زاده و عده‌ای از شهدای این گروه و
سایر گروه‌های مبارز در این منطقه به خاک
سپرده شده اند با کمال تأسف سنگ قبر
حنیف نژاد و سایر رانندگان را خرد کرده و شکسته
اند. عده‌ای از مردم از این مسئله بشدت
ناراحت هستند و قبرهای مخروبه این شهدای
اسلام مستمسکی شده است برای عضوگیری

روحی واعوان وانصارش. جادارد که مسئولین
جمهوری اسلامی که بسیاری از آنها از نزدیک
با حنیف نژاد برخورد داشته و صداقت او را تأیید
میکنند از کنایه این مسئله ساده نگذرند
و دست کم برای قبر آنها ترتیب یک سنگ
قبر ساده بدهند تا هم "جلوی مایوس و منفعل
شدن نیروهای انقلاب گرفته شود و هم محل
ارتزاق رجوی که خود بزرگترین خیانتها
را به خون این شهدا کرده است بسته شود. از
ریاست کمیته های انقلاب اسلامی میخواهم
تا به کمیته بهشت زهرا دستور بدهند جلوی
اینگونه اعمال گرفته شود.

بند شهپور میگفتند و نام قبلی خیابان
ولی عصر، مصدق بود که قبل از انقلاب آن
پهلوی میگفتند یا نام قبلی خیابان وحدت
اسلامی، حنیف نژاد بود و قبل از انقلاب
به آن شاهپور میگفتند. دیده شده که عده‌ای
در این تعویض نامهای مکرر بدون دلیل
عاقبت به همان نام قبل از انقلاب آن
مراجه میکنند یعنی در تضاد بین کسانی که
خود را به هفت تیر منسوب میکنند و کسانی که
خود را به رضا شایگان منسوب میکنند
۲۵ شهریور ری هایبانی سلطنت طلبها برنده
میشوند و در تضاد بین کسانی که خود را به
مصدق منسوب میکنند و کسانی که خود را به
ولی عصر منسوب میکنند، پهلویستها برنده
میشوند.

آخری "منتشر شده". تاریخ انتشار باستان
۱۳۶۳ و تیراژ ۱۰۰۰۰ جلد و چاپ صبح امروز
ذکر شده است هیچ آدرس و نشانی از نویسنده
در روی کتاب یا در کتاب به چشم نمیخورد تا
بدین وسیله به نو یسنده درباره مطالب
کتاب مراجعه شود. روی جلد کتاب عکس
فردی است که پرچم لاله الا... بلند
کرده و با این پرچم بر روی پرچمهای
شرق و غرب و صهیونیسم خط بطلان میکشد
پشت کتاب نام عده گشمیری از گروهها که در
ایران فعالیت میکردند دریا میکنند آمده که
همه اینها با خطوطی به هم مرتبط شده
و ارتباطات اینها با هم نشان داده شده بطور
مثال حزب توده با یک خط به حزب دموکرات
و با یک خط به چریکهای فدایی خلق و با یک
خط به گروههای مائوئیستی طوفان و با یک
خط به حزب سوسیالیست ایران و با یک خط
به حزب ایران متصل است. از آن طرف
حزب ایران به جبهه ملی متصل است که جبهه
ملی به ملی گرایان و به نهضت آزادی و به
حزب مردم ایران و به جبهه ملی دوم متصل
است از آن طرف جبهه ملی دوم به جاسوسان
متصل است گروههای دیگر نیز همینطور
مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز
حزب رنجبران، سازمان انقلابی، نهضت
مجاهدین خلق ایران، حزب مردم ایران
نهضت سوسیالیستهای خدا پرست، فرقان

**نجات مردم همه این است که دنبال انبیاء باشند
و انگیزه‌هایشان همان انگیزه‌های انبیاء باشد
امام خمینی**

انجمن محتبه کار میکردند که الان هم هستند
و بعد از انقلاب رابطه شان با ساواک کشف
شده است. همین گروه ممکن است با پوشش
های جدیدی خود را مطرح کنند، البته حالا
دیگر حرفهای سابق را نمیزنند ولی باز بر
سوال بردن نظام میخواهند این جمعیتی
را جابجینند از آنکه حکومت اسلامی قابل تحقق
نیست. البته این افراد هنوز در دستهای
کلیدی هستند و هنوز با هم نشستهای آموزشی
دارند.

عاقبت طلبی و تحلیل خامه
بکرات مشاهده شده که عده‌ای علیرغم
مسئولیت و وظیفه شان نسبت به مسائل
انقلاب موضعگیری نمی نمایند. حتی در مجامع
عمومی ظاهر میشوند، تا مبادا مورد سؤال
قرار گرفته و مواضعشان مشخص شود. بطور
مثال در مبارزات انتخاباتی دیده شد
بعضی سر مسئله جنگ موضع نگرفتند.

در شرایط کنونی عده‌ای از ضد انقلابیون
سرما به دار و فواید هستند و عده‌ای دارای
اندیشه‌های شاه دوستانه که افکارشان ۱۰۰٪
ضد اسلام است مثل احسان نراقی که فعالیت
انتشاراتی دارد، از پشت صحنه فکرشان را
مطرح میکنند. این طیف (طیف احسان) با
طیف دکتر بقائی انگلیسی - آمریکایی،
صحنه گردان جامعه سیاسی ما میشوند و از طریق
افراد خاصی در تشکیلات سیاسی نفوذ میکنند
و رابطه نزدیکی با افراد و جبهه‌ها دارند
که آن افراد به امام هم توهین کرده اند.
مثل جریان مجلس که وقتی امام نظرش را در
مورد نخست وزیر گفته بود عده‌ای از این
نمایندگان گفته بودند "پس ۱۵۰ بوزه بند.
هم برای نمایندگان سفارش میداد."

راه مجاهد:
این افراد با خیال خود از زرنگی خاصی
برخوردارند. و فکر میکنند چون به کسی موضع
نداده اند، کسی آنها را نمیشناسد. در حالی که
از نظر کسانی که روی تحلیل جا معه و خط مشی
کار میکنند، این دسته افراد و گروهها از جمله
نیروهای عاقبت طلب بشمار میآیند. در واقع
اینها موضع خود را اعلام کرده اند ولی مانند
کبکی که سر خود را زیر برف میکنند از محیط
خود بی خبرند.

در جلسه‌ای که آیت الله مهدوی کنی، آقای
محمد زیدی، آیت الله حنتی و آقایان طوق نوری
در رابطه با تأکید آقای موسوی به امام
گفته بودند که این نظر را بطور حکم در
آورد. ولی امام قبول نمیکند. بعد می -
گویند پس نظرتان را اعلام نکنید. امام
ناراحت شده و میگوید "عدم اعلام نظرم را
خیانت میدانم". از امام پرسیدم اخبار این
جریان را اعلام میکنیم یا نه، نظر امام مثبت
بود.

بها امام حسین (ع) هم عده‌ای میگفتند
این قیام تونوعی هلاکت است، دلیلش چیست
امام در جواب گفتند: **این عاقبت طلبی**
و تقاعد و بی حرکتی شما هلاکت است دلیل
کار شما چیست؟
تقیه ای در مطبوعات ما وجود دارد به
این صورت که عمدتاً "به نقد کسانی که فعالند
و موضع میدهند، میپردازند. بی موضعها به
فراموشی سپرده میشوند.
امید است که در کنارتان نقد مواضع افسران
کسانی را که موضع نمیگیرند و نظر نمیدهند را
هم مورد سؤال قرار بدهند.
کسانی که به اخبار استراتژیک علاقمندند
با بد توجه کنند که سکون و بی حرکتی یک فرد
یا نیرو خود یک خبر استراتژیک است در حالی
که در ظاهر تنها به حرکتها، موضع گرفتنها
و نقل قولها خبر میگویند.

ما در مجلس بخاطر فریب بودن نیروهای
خط امام، آنرا مه را نوشتم
پیشنهادم به جبهه‌های انجمن اسلامی این
است که روی آن فرازهایی از سخنان امام
کار کنند که در جا معه رویش تبلیغی نمیشود
تفا در انقلابیون و تطهیر سلطنت
نام قبلی میدان هفت تیر میدان
رها شایگان بود و قبل از انقلاب به آن بیست و -

**دستهای مرموزی که انقلاب
را تهدید میکنند**
مضمون سخنان حجت الاسلام هادی خامنه‌ای
در انجمن اسلامی دانشکده تربیت معلم:
قبل از انقلاب جریان‌های تحت پوشش

راه مجاهد:
این هشدار است برای نیروهای انقلاب
هشدار است برای کسانی که تضادهای فرعی
بین خود را عمده میکنند و در این راه سلطنت
توجیه میشوند و عده‌ای میگویند همان نامهای
اولیه را بگوئیم کم خطرتر و بهتر است.

نظراتی پیرامون سرمقاله "مراحل افول
اخلاقی یک مجاهد":
در سرمقاله راه مجاهد شماره ۳۲ مقاله

**بها امام حسین (ع) هم عده‌ای میگفتند: "قیام تو
نوعی هلاکت است". امام (ع) در جواب گفتند:
"این عاقبت طلبی و تقاعد و بی حرکتی شما هلاکت
است"**

ای - بود بنام "مراحل افول اخلاقی یک
مجاهد". در رابطه با آن مقاله به چند
نقطه نظر برخورد کردیم، مگر در ذیل میآوردیم
عده‌ای میگفتند مقاله "بسیار خوبی است
عده‌ای میگفتند مقاله با جریان رجوی،
فقط "خطی" برخورد کرده بود و این جریان
را ریشه‌ای بررسی نکرده بود. باید ببینیم
چطور میشود که یک جریانی به اینجا کشیده
میشود.

جریانی میگفت: این مسئله چیز خاصی
نیست عده‌ای از دست اندکاران دارند این
سیر را طی میکنند و میتوانیم مراحل افول
اخلاقی را در آنها ببینیم.

حسن و خسین هر سه دختران معاویه اند
پیرامون کتاب "مختصری از تاریخچه گروهها"

یکی گفت حسن و خسین هر سه دختران
معاویه اند.

دیگری گفت: "اولاً حسن نیست و حسن است
ثانیاً "حسن نیست و حسین است، ثالثاً "سه
تا نیستند و دو تا هستند، رابعاً "دختر نبودند
و پسر بودند، خامساً "معاویه نیست و معاویه
است، سادساً "اصلاً این دو فرزند ان علی (ع)
بودند نه معاویه.
این ضرب المثل را به این خاطر آوردیم
که چندی قبل کتابی بدستمان رسید،
پیرامون تحلیل گروهها و از جمله تحلیل
نهضت مجاهدین.
کتاب ریشه‌یابی مختصری از تاریخچه
گروهها "است با نام فردی بنام "محمد رضا

تجدد مذهبی، فراماسونریها و غیره...
در این کتاب درباره تاریخچه و نقطه
نظرهای تمام این گروهها صحبت شده که حالا
اینجا با آن قسمت از مطالب کتاب که در
ارتباط با نهضت مجاهدین خلق است اشاره‌ای
میکنیم:

صفحه ۱۱۴ تحت عنوان نهضت مجاهدین
خلق ایران آمده است:

لطفا... میثمی در زمانی که اعضای
مسلمان سازمان مجاهدین حتی اعضای
که گمان گرایش مذهبی با آنها میرفت و احتمال
سزدن و جلوگیری از اعمال خائنه سازمان
داده میشد، سر به نیست و به طریقی در اختیار
ساواک قرار داده میشدند در خانه تیمی در
خیابان شیخ هادی به اتفاق ناصر جوهری
سیمین صالحی و بهرام آرام فعالیت میکرد
نامبرده در سال ۱۳۵۶ بر اثر اختلافاتی
با رجوی در زندان (۱) گروهی را با نام
اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقل
از جنبش ملی مجاهدین تشکیل داد که این
گروه بعداً "به نهضت مجاهدین خلق ایران
تغییر نام داد (۲).

باور قبیله‌ها:
۱- سازمان مجاهدین خلق طبق اعلامیه‌های
اعلام کرد که لطفا... میثمی از سال
۵۵ به علت راستگرایی از سازمان اخراج
شده است.
۲- اعضای اجلی گروه: سید مهدی غنی
مسعود حق بگو - محمد توکل - و پرویز یعقوبی
بود.

نباید به کسانی که تملق و چاپلوسی می‌کنند مجال رشد و خودنمایی داد. آینه‌های شیشه‌ای



این سازمان با اعتقاد کامل بنیادگزاران اولیه سازمان مهادین و پیروی از ایدئولوژی راستین (۳) و خط مشی آنان درگیری بر سر اتخاذ خط مشی مورد قبول در برابر جمهوری اسلامی ایران با سازمان مهادین خلق داشت. نهضت مهادین با سخنرانی و اعلامیه مواضع اخلاق گرانه خود را تحت پوشش دفاع از جمهوری اسلامی و باروش موبذیان اعتقاد عمیکرد خدا میریالیستی و ضد صهیونیستی امام امت القاء و برای انحراف دادن افکار و قبول همگان مواضع اتخاذی را باروشهای دلسوزانه در دفاع از آینده انقلاب مطرح میکند که بعنوان نمونه در انتخابات تصویب قانون اساسی از امام حمایت و دفاع کرده و با طرح این مسئله که بعد از شخص امام افرادی در آینده نظیر ایشان نمیتوان پیدا کرد و ما گرفتار استبداد جاہلان خواهیم شد ولایت فقیه را اصلی خطرناک برای این انقلاب میدانند (۴). این گروه به علت محدودیت اعضا فعالیت گسترده ای نداشت فقط با سخنرانی در مجامع در سیم زدن نظم و ایجاد دیدنی نسبت به نظام جمهوری اسلامی و به اعتصاب کشاندن مراکز تولیدی خدمات ارزنده ای به آریا با نشان انجام دادند.

راه مهادین:

- ۱- دستگیری برادر لطف الله... میثمی در مرداد ماه ۵۳ اتفاق افتاده حال آنکه قلع و قمع افراد مذهبی درون سازمان و شهادت محید شریف واقفی در سال ۵۴ واقع شد.
- حتی رجوی با تمام خصومت خود با نهضت مهادین و علی رغم وارد کردن آن همه تهمت و اتهام و زیر فشار با یکوت قرار دادن و... نتوانست چنین مارکی را به نهضت بزند.
- بعید است که آقای محمدرضا آخری از این مسئله بی اطلاع باشند. پس چرا؟
- ۲- پرویز بقوسی که نویسنده بعنوان یکی از اعضای فعال نهضت نام برده در هیچ زمانی عضویت در نهضت مهادین نداشته، این شخص چه در زندان و چه بعد از آزادی از زندان طاغوت از اعضا جنبش ملی مهادین (گروه رجوی) بوده و هم اکنون در خارج محدودی از وضع گروهها داشته باشد این مسئله را میدانند.
- ۳- انشعاب ما از رجوی از سال ۵۵ بودند سه سال ۶۰ و اولین اعلامیه بنام جمعی از اعضا مهادین در سال ۵۸ منتشر شد.

بقیه باورقی:

- ۳- انتخاب اسلام بعنوان وسیله ای جهت رسیدن به اهداف شوم.
- ۴- اعلامیه صادره نهضت مهادین خلق غیر از تجدیدنظر در اصل ولایت فقیه، اصول شورای نگهبان، تجدیدنظر و تغییر کلی در اصل مالکیت، تصویب اصل حق تعیین سرنوشت برای امور داخلی هر منطقه را مورد نقد قرار داده و تجدیدنظر در این اصول را شرط رای مثبت نهضت مهادین خلق اعلام کرده (اعلامیه نهضت مهادین ۵۸/۹/۷)

نظر ما این بود که اصل ۵ قانون اساسی، به اکثریت مشروط نگردد. تا حریانی به عبارتی به "نفوذ لیبرالیسم در اصل ۵" انتقاد شده بود.

۴- انتقاد ما به اصل ۵ قانون اساسی انتقاد به اصل ولایت فقیه نبود بلکه این مسئله را مطرح کرده بودیم که بعنوان مثال اگر حضرت علی (ع) پذیرش اکثریت عامه را کس نکند از امامت سقوط میکند؟ در حقیقت نظر ما این بود که اصل ۵ به اکثریت مشروط نگردد تا حریانی چون سقیفه تکرار نشود و به عبارتی به "نفوذ لیبرالیسم در اصل ۵" انتقاد شده بود.

۵- ما با تمام کسانی که مراکز تولیدی را به اعتصاب می کشاندند مخالف بودیم و این صحت ایشان هیچ سند و مدرکی ندارد. اگر دارند ارائه بدهند از وزارت رشادت میخواهیم که این شخص را به خاطر وارد آوردن اتهامات بی اساس مورد تعقیب قرار دهند.

۶- تاکنون هیچ فرد مغرضی هم نهضت مهادین را به آریایی وابسته نگرفته میدانیم ایشان از چه موضعی چنین اتهامی را وارد کرده اند.

تشویق خادمین

بعد از پیام امام خمینی که در آن از روزنامه ها خواستند از چاپ عکس ایشان در صفحات اول خودداری کنند و گفتند که بحالی عکس ایشان عکس یک کثافت ورز یا مستضعف یا یک دکتر یا یک افسر... را چاپ نکنند بجز چند مورد استثنائی حرکتی مستمر از روزنامه ها مشاهده نشد.

تنها روزنامه جمهوری اسلامی بطور مستمر در پائین صفحه اول خود اقدام به چاپ عکس یکی از شهدای جنگ اسلام و کفر همراه با صحبت برجسته ای از او نموده است.

راه مهادین:

جا دارد که این عمل شایسته سرمشق مطبوعات ایران قرار گیرد.

کاربندی، کارفکری یا عمل صالح

عده ای میگویند کارگر کار زیدی میکنند و کارمند کارفکری باین دلیل که نوع کار کارمند را لیترا زکا رگراست در نتیجه باید از امکانات و تسهیلات بیشتر برخوردار باشد اینها با همین دلایل دوبرابر بودن مرخصی سالانه کارمندان نسبت به کارگران را توجیه میکنند

راه مهادین:

نه صرفاً "کاربندی اصلت دارد و نه کارفکری" باید ببینیم چه کسی بیشتر بر این ضای خدا کار میکند، هر کاری که بیشتر در جهت رضای خدا و در جهت استقلال و آزادی و در جهت آزادی قدس و خودکفایی باشد اصلت و قوتش به خدا بیشتر است و نزد خدا و صالحین ارزش بالاتری دارد.

پرامون مسله حجاب

کیهان ۶۴/۷/۷

حجت اسلام خوئینی ها در جمع قضات و دادستانهای انقلاب: ... بعضی از جوانها و برادرهای میادر خیایانها، راه می افتند و علیه پی حجابی شعار میدهند، اینها ساده لوحی است و مسائل جا معده را منحرف کردن است. البته این برادرها نمیدانند قضیه چیست، این بی حجابی را تحلیل کرده ایم که از کجا پیدا شده است؟ از کجا این زنها روسریها، نشان عقب رفت... ریشه بی حجابیها، منکرات، فساد اخلاق، همه اینها، اینها مالکیتها یا مشروعی است که بعضی از ما با ساده لوحی آنها را به جا می آوریم - گردانیم... زروزی که ما شعار امنیت اقتصادی داده ایم از همان روز اینها پیرو شدند و گستاخ، برگشتند. از روزی که آنها برگشتند، بی حجابی شروع شده است... این آقا نمیدانند که همین شعاعر و مالکیتها، اوباعث شده که این بی حجابیها زیاد شود و اینرا نمیتوانند تحلیل بکنند... اگر به آن زن بی حجاب شلاق زدیم و او شلاق جمهوری اسلامی را خورد انگیزه، مخالفت با جمهوری اسلامی را پیدا میکند. آنوقت از فردا بی حجابی او با طرم مخالفت با نظام اسلامی خواهد بود. باید ببینیم که چرا بی حجاب شده است؟ مگر اینها همان مردمی نبودند که را افتادند و در خیابانها شعار دادند؟ بی حجابیها همه با حجاب شده بودند، ما چه کردیم که او دوباره بی حجاب شد؟ گناه خودمان را هم باید بپذیریم و چند شلاق هم به خودمان بزنیم.

کیهان ۶۴/۹/۲۷

هیئت دولت به نظا هرات علی... بدحجابی که برای برگرداندن توجه مردم از حبیبه به مسائل فرعی است، انتقاد کرد.

حقا الاسلام هادی خامنه ای در انجمن اسلامی دانشکده تربیت معلم در مهرماه ۶۴: بی حجابی یک حرکت سیاسی فرهنگی است که ارتباط نزدیکی با بازگشت سرمایه داران فراری دارد و توسط کمیته یا حریان خاصی نمیشود با آن مقابله کرد، بلکه یک حرکت گسترده باید جلوییش را بگیرد.

کیهان ۶۴/۹/۱۴

حقا الاسلام خامنه ای: ما برای احیای فرهنگ اسلامی احتیاج داریم به اینکه مدتی سخت گیرانه با مظاهر فرهنگ غربی در زمینه های ذهنی و علمی مبارزه کنیم بلکه بآن فرهنگ، تهاجم کنیم. متأسفانه در دانشگاهها عوامل و موجباتی که مانع از حرکت صحیح اسلامی دانشجویان باشد زیاد داریم و همه آنها بازمانده های رژیم قدیم است که باید برطرف شود.

کیهان ۶۴/۹/۱۹
دکتر خاتمی در سمینار شورای عالی انقلاب فرهنگی، در پاسخ به اینکه چرا بی حجابی مقابله نمیشود گفت:
بی حجابی اگر بصورت عمدی باشد محازات قانونی دارد اما گروهی هستند که بی حجابی آنها نوعی بیماری است و این پدیده فرهنگی است که باید کار فرهنگی شود. زیرا آنها در شرایطی غیر از حواسلای تربیت شده اند.

اطلاعات ۶۴/۹/۱۲

خواهر زهرا رهنورد در سمینار حجاب و روشهای برخورد با بی حجابی:
ما باید از طریق همگون و نزدیک کردن بدحجابها و بی حجابها با خودمان و همچنین دنبال کردن مسئله مشترک با استفاده از روابط عاطفی و احساسی مسئله حجاب این افراد را حل کنیم. زیرا که نظر امام هم به نزدیک کردن اقشار مختلف جامعه به هم در مقابل با دشمن اصلی میباشد.

کیهان ۶۴/۱۰/۱۶

زهرا رهنورد در سمینار رهبرسی حجاب: اگر اطلاعات اقتصادی لازم که همه در انتظارش هستیم صورت گیرد، بسیاری از مایعمنات انحرافی فرهنگی از جمله مسائل مربوط به حجاب و افراط و تفریطهای حاصله از بیس خواهد رفت... انسان صرفاً دارای ماهیتی اقتصادی و تاریخی نیست. اینها همه حجاب است. و حجاب اندر حجاب بی بر روی بنگ زیبایی پاک و زلال وجودی تمام موقعیتهای اجتماعی، حجابی است بر روی زیبایی حقیقی وجود...

رسالت ۶۴/۸/۲

حده الاسلام ناطق نوری: ... آیا ریشه بی حجابی و بدحجابی سرمایه داری است؟ من اینرا قبول ندارم، بلکه عافیت طلبی و سرمایه داری در آن منحنی در طول تاریخ... سرمایه داری و وابسته به نظام ظالمانه شاهنشاهی بی عفتی و بی بندوباری و بی حجابی، در شان بوده اما این مطلقاً نیست. که ما بگوئیم ریشه بی حجابی و بدحجابی، سرمایه داری است... بی حجابی ریشه فرهنگی دارد منتهی از این پدیده بهره برداری سیاسی هم شده است.

بنظر من حزب الله تشکیلات منظم خودش را باید پیدا کند و یک کار تشکیلاتی خوب انجام دهد. و بگردد هم بیاید توی محلات افراد خودش را پیدا کند و جمع بشوند... یک راهیماشی منظم با جمعیت زیاد، و بیایند به مسئولین احرائی پسه مسئولین قسوه مقننه هشدار بدهند. اگر دیدند که عمل نشد محدا "بیایند، ما منظم اما حساب شده..."

خدا با عشق نزدیکی به خود را از آنجا در دلها ی ما زبا دکن که تمام وجودمان فقط ترا بجوید و جز رضای تو بر چیزی دا، ننبدیم و دلخوش نشویم دلخوشی و شادمان از هر چیزی برای آن باشد که رضای تو در آن ببینیم.

مجاهد شهید بتول یورا سراهیمی

نگره سراسری دانشجویان مسلمان

دستچین زیر مضمونی است از صحبت‌های برادران دانشجو در زمین کنگره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آبانماه ۶۴ در دانشگاه تهران برگزار گردید. از آنجا که این کنگره حاوی مطالب مهم استراتژیک و نقطه عطفی است بر آن شدیم مضمون فرازهای آن را در اختیار شما قرار دهیم. استراتژیک راه مجاهد منعکس نمائیم. از روزنامه‌های یومیه که داریم که چرا مطالب این برادران را که ادامه دهندگان انقلاب دوم هستند، منتشر نکردند.

سخنرانان تحت عناوین زیر سخن گفتند:

- ۱ - نماینده شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت تحت عنوان افتتاحیه
- ۲ - نماینده انجمن اسلامی دانشگاه تهران پیرامون خط امام
- ۳ - برادر ابراهیم صفرزاده تحت عنوان خط امام
- ۴ - نماینده انجمن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تحت عنوان ۳ آمریکا - جنگ
- ۵ - نماینده انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف پیرامون "انقلاب فرهنگی دانشگاه و سیاست"
- ۶ - نماینده انجمن اسلامی دانشگاه شهید چمران (اهواز) پیرامون "سیاست و دانشگاه"
- ۷ - نماینده انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم تحت عنوان "انقلاب فرهنگی"

جنگ طول مدت با صهیونیسم و امپریالیسم - پدیده جنگ نباید برایمان امری موقت باشد. البته پس از پیروزی نظامی بر عراق، شاید با همسایگان درگیری نظامی نداشته باشیم ولیکن تصور جنگ راهمواره باید داشته باشیم.

- ماهیچ تضمینی نمیدهم که در صورت پایان جنگ با عراق، جنگ برای آزادی قفس نباشد. فکر اینکه زمانی جنگ نداشته باشیم نباید نمود. لذا پیشنهاد دراز مدت در این رابطه داریم که بطور مشخص به وزارت فرهنگ و شورایی عالی دفاع میکنیم.

نحوه کمک دانشگاه به جنگ:

- دانشگاه در سه جهت میتواند در خدمت جنگ حرکت کند:
- جهت اول به صحنه سیاسی آمدن از قبیل راه‌پیمایی و غیره در شرایطی که اصل دفاع زیر سؤال می‌رود که ما متجاوزین مدافع و بی‌شعارهای صلح‌خواهی عنوان میشود.
- جهت دوم جهت دادن به تحقیقات دانشگاهی، بدین منظور پیشنهاد میشود هیئتی نظامی تشکیل گردیده و موضوعات پایان نامه‌ها و تحقیقات را ارائه نماید تا رشته‌های فنی بتوانند کمک‌های مستقیم‌تری به جنگ نموده و مثلاً "رشته اقتصاد تحقیقات روی اقتصاد جنگی بعمل آورند و حتی رشته ادبیات روی ادبیات و تاریخ جنگ کار کنند و ..."

ب- آمریکا:

آمریکا دشمن اصلی:

آمریکا دشمن اصلی ماست. ولی بعضی از دستگاه‌های اجرائی ما آنرا شوخی تلقی مینمایند.

- زمانی آمریکا در کشور ما حضور مستقیم سیاسی و نظامی داشت. حضور ملموس وی مبارزه و درگیری آشکار قهر آمیز با آمریکا را جدی می‌کرد.

- اینکه ما در این شرایط دعوت به خط امام میکنیم یعنی اینکه دشمن اصلی آمریکا است "آمریکا دشمن اصلی" شعار نیست بلکه شعور و عمل است:

- اگر حرکت ما هم موفق نشود مستضعفین امید خود را به عدالت و آزادی از دست خواهند داد. در چنین الگوی کشاورزی و راه رشد روستایی عنوان شده بود ولیکن لیبرالیسم راه رشد صنعتی را دنبال کرد. اینک پس از ۳۰ سال در رابطه با چین شاهد نزدیکی او به شرق و غرب هستیم. سیاست درهای باز نه تنها نظام اقتصادی او را مورد تعرض قرار داده بلکه فرهنگ آنها را هم درگرونی کرده.

در کشورهای انقلابی مسلمان هم همین مسئله را داریم. مصر و الجزایر نمونه این موضوعند. مصر در یک بحران جنگ با اسرائیل بسر میبرد فشارهای روانی و اقتصادی سرانجام توانست پذیرش روند صلح را به پذیرش سازد منجر کند.

- عراق نمونه دیگری است که در ظاهر حتی مواضع چپ دارد. جبهه پایداری را حتی متهم به سازش با اسرائیل میکند و بی‌شعوری پیمان نظامی دارد و ... با این وجود به آمریکا وابسته است. و میبینیم جنگی که با حمایت شده دست آمریکا است که از آستین صدام بیرون آمد.

در وجوه سیاسی - اجتماعی و ... و در تمام وجوه و در خود ما هم پایگاه دارد.

- نظری به سیر تضعیف آرمانهای انقلاب و ارزشهای انقلابی و درگرونی شیوه‌های زندگی خود بیفکنیم. بی تفاوتی نسبت به فرهنگ فاسد غرب، خطری جدی برای همه‌مان است.

- سهمیه بندی که یک ارزش بود بدلیل رشد روحیه قناعت و تقسیم عادلانه مواد، الآن به انحای مختلف دارد. زیر سؤال می‌رود.

- نمایشگاه‌های متعدد در نمایشگاه‌های اتومبیل آخرین سیستم واردات اتومبیل‌های لوکس از مظاهر بازگشت سرمایه داری است. بسیاری مشکلات دیگر نیز به جنگ مربوط نمیشود و به‌ناروا به جنگ نسبت داده میشود.

آمریکا و انفعال و مسخ فکری جوانان

- نقش مزروره آمریکا در خلیج و جنگ، منفعل کردن جوانان است.
- سیاست نفوذ امپریالیسم در ده‌ها ده‌ها ده‌ها با شیوه‌های سابق فرق میکند. فانون در کتاب خود میگوید اعتقاد فرانسویان این بود که دانشجوی پرورش داده و پس از مسخ فکری آنها راه وطن خودشان بر میگرددند تا بلندگو و نوکر بی مزد و موجب استعمار باشند.

اشکال نفوذ امپریالیسم:

- در سالهای (۴۰-۴۱) در شکل استعمار نو و مخفیانه، باروی کار آوردن امنیت و طرح رفاه و گرایش محافظه کارانه، سعی دارد با محافظه کاری و انعطاف بیشتر ایران را به طرف مدرنیته کردن پیش ببرد. تا در آینده سیاست آمریکا که بواسطه مدرنیته شدن ایران خط خود را پیش میبرد در جامعه دارای پایگاه مستحکم شود.
- با قراردادهای دوجانبه قدرت خود را مسلط میکند.
- بدنبال سیاست دوستونی نیکسون در خاورمیانه، عربستان بعنوان نیروی مادی و مالی و ایران بعنوان زاندارم خلیج و نیروی نظامی منطقه در نظر گرفته میشود. از اینجا به بعد آمریکا در تمامی ابعاد و سطوح دارای قدرت و ابتکار عمل میشود.

پایگاه‌های آمریکا در ایران

- بعد از پیروزی انقلاب آمریکا سعی میکند سلطه خود را از طریق پایگاه‌های مستقیم اداره دهد که اینها عبارت بودند از جریانهایی که مستقیماً با مدرنیته شدن و سرمایه‌داری در رابطه بودند. بخش خصوصی وابسته به آمریکا در ایران، که بعلاوه تحصیلات و تأثیر فرهنگی، گرایش به آمریکا داشتند.
- در اسناد لانه جاسوسی، بطور مقدم از تکنوکراتها نیروهای ملی و مذهبی میانه رو و روحانیون میانه رو با مرجعیت شریعت‌مداری و ضد کمونیستی بودن آنها یاد میکند.
- آمریکا همواره در این فکراست که چگونه دخالت نماید و با القاید ثلوثی کند. جای این سؤال هست که از خود پرسیم آیا راهها نفوذ او سد شده یا غفلت‌هایی هم صورت گرفته است؟ و اینکه آیا آنچه در گذشته اتفاق افتاده است فقط در یک بستر سیاسی و دیپلماتیک بوده یا پایگاه‌های عینی اجتماعی و اقتصادی هم داشته؟
- با توجه به روند تاریخی فوق الذکر پاسخ منفی است. نبرد ما یک نبرد فقط سیاسی بشیوه در صفحه ۳۱

برای ما که آمریکا، جغرافیائی نیست، نظام مساطی است که در دنیا جنایت میکند، غربگراها هم نوکرا ویند

ضرورت، هدف و موضوعات کنگره:

- ۱ - مانند سایر اقشار برخورد فعال و نه منفعل در صحنه حیات انقلاب داشته باشیم.
- ۲ - هدف نباید رسیدن به یک نتیجه فوری باشد.
- ۳ - طرح شعارهای محوری انقلاب به لحاظ هماهنگی و ابعاد اجتماعی که متناسب بتواند محدود خودمان است.

موضوعات کنگره:

- الف - خط امام ب - آمریکا - جنگ
- ج - حرکت اسلامی دانشجویی در دانشگاه و سیاست د - انقلاب فرهنگی

حال مطالب مطرح شده در کنگره راه شرح زیر به اطلاع خوانندگان میرسانیم:

الف - جنگ

ب - آمریکا

ج - خط امام

د - انقلاب فرهنگی - سیاست و دانشگاه

الف - جنگ:

- در مورد جنگ دانشگاهها خیلی ظلم کرده‌اند اگر نگوییم مرتکب خیانت شده‌اند.

جهت سوم - شرکت فعال در جبهه دانشگاه میتواند با حضور نظامی و اقبال به جبهه‌ها به جنگ کمک کند.

- این برای ما و انقلاب بد است که روی دیوار بنویسند بسیجی شهید جبهه، مظلوم پشت جبهه

- فرصت جنگ، فرصت مناسبی بود که بتوان به کمک بسیج مردم مشکلات موجود را حل نمود.

- جنگ و بسیج خودکفائی:

در رابطه با جنگ این بهترین تعریف بود که بتوانیم تکنولوژی و اقتصادمان را سمت جهت دهم. وقتی روند خودکفائی دارای سمت صحیح شود از پراکندگی و ناقص بودن طرحها جلوگیری میشود.

اشکال اینست که مافقط در مسائل حساس به مردم توجه میکنیم. روز قدس به صحنه آمدن ملت است ولی این کافی نیست. ضروری است در روال عادی هم انرژی عظیم مردم را بکارگیریم. در این صورت قادر خواهیم بود از رجعت دوباره استکبار جهانی جلوگیری کنیم

آمریکا اصلی ترین دشمن دین:

- ما وقتی به شأن فلسفی غرب برگردیم بیشتر مانع تر از هر کانونی با اندیشه دینی در هر شکلی آن در ستیز است. لذا است که اندیشه دینی و ایران را برای خود خطرناکتر از کمونیسم و شوروی میدانند.

ضعیف شدن آرمانهای انقلاب و گرایش به منفرات آمریکائی:

- گرایش به منفرات آمریکائی در درون نظام در حال شکل گیری است.

- در موارد فرهنگی - سیاسی اقتصادی و ... دارد معاشاتی صورت میگیرد که بعلاوه مخفی بودن ماهیت آن محسوس نیست. لذا باید با آن برخورد قاطع نمود.

- شکل فرهنگ آمریکائی دارد رشد میکند این رفاه طلبی که پدید آمده سیر طبیعی انقلاب نیست. جای پای آمریکا را باید در آن دید.

در مطبوعات و رادیو و تلویزیون هم این مسئله بچشم میخورد از طریق مبارزه نکردن و اشاعه فرهنگ فساد.

- لیبرالیسم در سیستم اجرائی دارد رشد میکند. نه تنها در وجوه فرهنگی بلکه

چیزی که برای همه ما لازم است اینست که در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگه داریم. امام خمینی

... و اما سخنی با دلسوزان انقلاب اسلامی

بدنبال پاسخی که دکتر احسان نراقی در شماره پیش به مقاله انقلاب اسلامی و دستهای مرموز در راه مجاهد شماره ۳۰ داده بود، سخنی با دلسوزان انقلاب اسلامی داشتیم اکنون به ادامه آن میپردازیم.

روی سخن ما با دلسوزانی است که قلبشان برای انقلاب و تداوم آن میگیرد، اما امکان ادامه این بحث را باز میگذاریم و مطالب جدیدی را که به دستمان برسد انشاالله... به چاپ خواهیم رساند البته بنا به مسئولیت مطبوعاتیمان امکان جواب را برای آقای نراقی باز گذاشته ایم.

"سو" استفاده از حکم دادگاه انقلاب" دکتر نراقی در صفحه ۴ جوابیه خود میگوید "دادگاه انقلاب، اتهام عنوان شده (همکاری با ساواک) را بدقت مورد رسیدگی قرار داده و با مراجعه به انبوهی از اسناد و مدارک و بررسی جامع آنها، صراحتاً این جانب را از هر نوع اتهامی در این زمینه مبری شناخته است که دیگر مجاللی برای توهمات و طرح و اعلام استنباطها و برداشتهای بی اساس اشخاص مختلف باقی نمی ماند."

ایشان همچنین در صفحه ۹ تحت عنوان "ناخشنودی نویسنده از رای دادگاه انقلاب" ما را متهم به غرضورزی و عناد با خود کرده و سعی میکند به نحوی دادگاه انقلاب را در برابر ما قرار دهد. اولاً - پشت سر دادگاه انقلاب سنگر گرفتن و استناد به حکم دادگاه برای پیشگیری از طرح هرگونه انتقادی نسبت به عملکرد و افکار خود به نظر نمیرسد شیوه افراد وارسته و با شخصیت باشد. توسل به دادگاههای انقلاب برای سرکوب انتقادها، آیا شیوه دیکتاتورها نیست؟

ثانیاً - اظهار تاسف نویسنده مقاله از حکم برائت دکتر احسان نراقی به این معنا نیست که معتقد باشیم ایشان بایستی در زندان باقی میماند که اینچنین باعث نگرانی و تکاپوی آقای نراقی شده است. بنظر ما در یک جامعه اسلامی نیازی به زندان وجود ندارد. زیرا چنین جامعه‌ای در جریان عمل صالح توان آنرا دارد که هر منحرفی را اصلاح کرده و تعالی بدهد و با افشا و منزوی سازد. تاسف ما از اینست که با اینهمه سوابق مشتمل آقای نراقی چگونه ایشان تبرئه شده و به ایشان فرصت داده میشود که با تکبیر و تبلیغ این "برائت نامه" مهربانانیدی بسر خط مشی و اعمال خود بگذارد.

"نهضت کاذب" بعد از کودتای ۲۸ مرداد خط مشی رژیم سلطنتی و شاه این بود که یک نهضت کاذب

را در برابر نهضت انقلابی علم کرده و تقویت نمایند. ویژگیهای نهضت کاذب عبارت بود از:

- ۱- نپرداختن به مسئله نفت
 - ۲- نام نبردن از نهضت ملی و مصدق
 - ۳- سکوت در برابر شاه و دربار
- جبهه ملی دوم در کنگره سال ۱۳۴۰ خود این سه شرط را در عمل رعایت کرد و رژیم هم مخالفتی با فعالیت آن ننمود.
- دکتر نراقی در طول حیات سیاسی و فرهنگی خود، چه قبل از کودتای ۲۸ مرداد که در حزب توده فعالیت داشته است و چه بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی در خط نهضت کاذب عمل کرده است. در هیچکدام از آثار و نوشتههای ایشان موضع گیری ضد سلطنت و دربار دیده نشده و هیچ مبارزه‌ای با سلطه نفتی امپریالیسم آمریکا و انگلیس که جوهر وابستگی رژیم سلطنتی بود، مشاهده نمیشود.

دکتر نراقی در نوشته‌هایش به نحو چشم گیری به دفاع از فرهنگ ملی در برابر یورش تکنولوژی غرب به کشورهای موسوم به جهان سوم میپردازد و این نکته را از افتخارات بزرگ خود می شمارد. وقتی این فرهنگ ملی در آثار دکتر نراقی شکافته میشود به سه عنصر زبان فارسی، مذهب شیعه و عرفان ایرانی بسو میخورم. باید توجه داشت که تبلیغ فرهنگ ملی یکی از شعارهای اصلی شاه بود. زبان فارس و بقول شاه فرهنگ آریائی یکی از ارکان ناسیونالیسم ایرانی بود. عرفان ایرانی راه در مراسم جشنهای هنر و در قالب تجلیل از شعرا و ادبیات ایرانی ظاهراً بزرگ میداشتند البته کاری به محتوای مکتبی عرفان نداشتند. رژیم سابق به دروغ از مذهب شیعه دفاع کرده و با مذهبیونی که درگیری با رژیم سلطنتی نداشتند و دین را از سیاست جدا میدانستند همکاری مینمود.

با توجه به اینکه فرهنگ ملی آقای نراقی هیچگونه جهت گیری عدل طلبانه و ضد سلطنتی نداشت در خط رستاخیز شاه و حامیانش قرار گرفت و نه تنها محدود و دشمن نمیکردند بلکه به تبلیغ آن میپرداختند.

"جلوگیری از فرار مغزها" و "حفظ منافع رژیم سلطنتی و سرمایه داری عاقل"

دکتر نراقی افتخار دیگر خود را گزارش می دهد که درباره فرار مغزها برای یونسکو تهیه کرده است. کلاً دکتر نراقی معتقد بود که ورود بی رویه تکنولوژی و علوم غرب باعث بی توجهی به فرهنگ ملی شده و این خلا فرهنگی ملی جوانان را از خود بیگانه و راهی غرب نموده است.

هرچند این مطلب در جای خودش نقاط قوتی دارد، اما به هیچ روی نمیتواند دلیل مخالفت ایشان با رژیم سلطنتی و امپریالیسم

باشد زیرا بسیاری از تئوریسین های رژیم سابق به این پدیده بعنوان یک مشکل اجتماعی خودشان توجه میکردند و در صد علاج آن بودند.

مبارزین هم در گذشته به این مشکل اجتماعی توجه داشتند، اما در مقام ریشه یابی علت فرار مغزها و انهدام فرهنگ ملی را رژیم سلطنتی وابسته دانسته و معتقد بودند آن رژیم فاسد با ماهیت وابستهای که دارد نمی تواند این مشکل را اصلاح کند. لذا در خط مشی مبارزه خود با دربار وابسته به قاطعیت بیشتری می رسیدند.

رژیم سلطنتی و یک جناح عاقل و دوراندیش از سرمایه داری جهانی که به صدور سرمایه و تکنولوژی به کشورهای مظلوم و استثمار شده میپرداخته مایل بودند که تئوریسین ها بسه تحقیقات و بررسی پیرامون "پدیده فرار مغزها" بپردازند. رژیم شاه برای رسیدن به "روزهای تمدن بزرگش" و شرکت های چند ملیتی برای سوددهی و اداره هر چه بهتر سرمایه داری هایشان در چنین کشورهایی نیاز داشتند که این مغزها در همان کشورها باقی بمانند.

جالب توجه است که آقای نراقی گزارش خود را تقدیم به موسسه ای میکند که با کمک همین

با توجه به اینکه "فرهنگ ملی" آقای نراقی هیچگونه جهت گیری عدل طلبانه و ضد سلطنتی نداشت در خط رستاخیز شاه و حامیانش قرار گرفت و نه تنها محدود و دشمن نمیکردند، بلکه به تبلیغ آن میپرداختند.

دولت غارتگر اداره می شد. دکتر نراقی در صفحه ۷۱ کتاب "خام طمع" اش اعتراف میکند از زمانیکه به یونسکو رفته فهمیده است باید به فرهنگ ملی بپردازد.

"الهام از تجربیات مک نامارا" و "ریاست موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی"

امپریالیسم آمریکا در زمان کندی به جمع بندی تازه ای از نهضت های آزاد بخش بسو خصوص در رابطه با جنگ ویتنام دست یافت. آنها دریافتند که خطر اصلی برای منافع امپریالیسم شوروی و بلوک شرق نیست بلکه دشمن اصلی آنها مبارزینی هستند که باتکیه بر نیروهای عظیم ملت هایشان و با سلاح های ساد و موخود گناه بدون خوف از سلاح های اتمی ابرقدرتها به مبارزه برومیخیزند.

علاوه بر این امپریالیسم آمریکا بطور خاص از جنگ ویتنام چنین جمع بندی کرده که راهبر خورد و ضربه زدن به این حرکت های رهائی بخش

صرفاً سرکوب نظامی و لشکرکشی و حمایت از رژیم های مرتجع داخلی در آن کشورها نیست بلکه لازمه حفظ سلطنتشان در اینگونه کشورها اینست که به ویژگیها و مسائل داخلی آن کشورها توجه خاص شده و متناسب با آنها برنامه سرمایه گذاریهای خارجی و استثمار آن کشورها اجرا شود.

همچنین با توجه به ویژگیهای داخلی این کشورها به اقدامات ضد آنکیزه ای و اصلاحات مقطعی و سطحی دست بزنند. دکتر نراقی در صفحه ۷۲ از کتاب "طمع خام" اش به نقل این جمع بندی آقای مک نامارا وزیر دفاع آمریکا در زمان جانسون از جریان جنگ ویتنام میپردازد.

"مک نامارا" پس از این پست خود در زمان تصدی ریاست "صندوق بین المللی پول" باین نتیجه رسید که علت ضربه خوردن آمریکا در جریان جنگ ویتنام این بوده که بدون توجه به فرهنگ بومی و ویژگیهای محلی صرفاً بر اساس جدولهای محاسباتی خود عمل کرده است.

"مک نامارا" در برنامه های خود در جریان وامهای صندوق بین المللی پول تجدید نظر میکند و به شرایط بومی و فرهنگ محلی توجه خاصی مبذول میدارد.

جالب توجه اینست که از سالهای ۱۳۴۰ به اینسو امپریالیسم آمریکا در ادامه این جمع بندی اش بطور غیر مستقیم اقدام بسو تشکیل موسسات مطالعات تحقیقات اجتماعی در چندین کشور تحت سلطه خود از جمله

ایران مینماید. این موسسات با استفاده از محافل علمی و دانشگاهی و روشنفکران هر منطقه، نتیجه تحقیقاتشان در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی را مبدون کرده و از طریق یونسکو و دیگر مراکز فرهنگی بین المللی در اختیار محافل غربی و امپریالیستی قرار می دهند. دکتر نراقی در این خط مشی فعالیت چشمگیری از خود نشان میدهد و از سالهای بعد از ۴۱ فعالیت خود را در این موسسه شروع کرده و به ریاست آن میرسد و بالاخره در سال ۴۸ راهی یونسکو میشود و گویا تا سال ۵۴ بعنوان یکی از مغزهای فراری "در خارج از کشور" در رابطه با این مرکز فعالیت میکند.

"دکتر نراقی" و "دولت مهندسان موسوی" دکتر نراقی در جایی میگوید: "بنظر من همه این روشنفکران مسلمان، حتی در کابینه همه این شخصها را با بدبویون ریخت و"

سپردن پستهای مهم به افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و شرعی ندارند خدمت ناخرد آگاه به دشمن است آیت الله منتظری

امامی با بسوزان ...

همه وزرا را روحانی کرد (نقل از سینیار سراسری دانشجویان مسلمان کشور کیهان ۱۳ آبان ۶۳ ص ۲)
اخیراً هم در جریان انتخاب جدید دولت، ایشان حتی از قبیل از انتخابات ریاست جمهوری فعالیت چشمگیری را در محافل شروع کرده بود که: "آقای مهندس موسوی رفتنی است و آیت... مهدوی گئی نخست وزیر میشود" و بدین ترتیب در جریان وسیع جوسازی برای انزوای دولت مهندس موسوی

حتی جلوتر از دیگران نقش مهمی داشت باید توجه داشت که در این جریان عواملی آگاهانه سعی داشتند با مطرح کردن آیت... مهدوی گئی از انتخاب مجدد مهندس موسوی پیشگیری کنند بدون اینکه به خود ایشان هم اعتقادی داشته باشند. تاجایی که آقای مهدوی در یک سخنرانی در خیابان ایران قریب به این مضمون اظهار داشتند: عواملی سعی میکنند مراد مقابل خواست امام مطرح کنند و جلو بینه ازند نظر اسلام روی نخست وزیری آقای موسوی است و منم مقلد امام هستم و حاضر نیستم مقابل نظر امام بایستم"

بررسی دیدگاهها و مواضع

دکتر سید حسین نصر

مقدمه

در این شماره به معرفی چهره ای به نام دکتر سید حسین نصر رئیس سابق دانشگاه صنعتی "آریامهر" و رئیس انجمن شاهنشاهی فلسفه و رئیس دفتر مخصوص فرح پهلوی میرد از این قسمت از مقاله با استفاده از اسناد لانه جاسوس نگاشته شده است.

جلد ۱۷ سند ۴ ص ۶۸

"حسین نصر، محقق سرشناس اسلامی ایران و رئیس قسمت هنر و نامه نگاری دانشگاه تهران، حسین، یک محقق ارزشمند و ارجمند و علاقمند بکارگیری یک اسلام مدرن در زندگی اجتماعی ایرانیان و توسعه و رونق آن است. او زیاد خوش بین به سعه مد ریزه شدن بی چون و چرای ایران نیست و عقاید خاصی در جهت تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران، وسعت دیدگاههای او به این افکار اهمیت سیاسی میدهد. حسین شخص بسیار پرمشغله ای است و احتمالاً از لحاظ اجتماعی بیرون که می رود در اصل بخاطر خشنودی همسر دوست داشتیش، سوزان، میباشد. آنها شدیداً پایبند به اسلام هستند و میهمانیهای کوچک را ترجیح میدهند. حسین دوست دارد عقایدش را بقبولاند و در اندیشی و صحبت با وی سابقه و آگاهی خوبی از ایران را بطرف میدهد."

جلد ۲۵ سند ۲۵ ص ۱۱۵ الی ۱۱۷
"در شامی که ناس وزیر مختار به افتخار سولارز نماینده کنگره داده بود تعدادی از ایرانیان بی پرده توپا نظری عمیقتر از مواقعی که معمولاً در باره مسائلی که در مقابل ایران قرار دارد ابراز میکنند، صحبت کردند."

آنچه که در زیر می آید خلاصه نکات عمده مذکوره است. در مواردی متکلمین نام برده شده اند که هویت آنها به عمق گفتارشان می افزاید. همگی توافقی داشتند که بیقراری وسیعی که دامنگیر حیات اجتماعی ایران شده، ناشی از امتزاج عواملی است که تقریباً همزمان بوجود آمده اند. حسین نصر رئیس دفتر مخصوص شهبانو و احمد قریشی مرد قدرتمند حزب رستاخیز در این مسئله متفقند که بیشتر ناراحتی طبقه متوسط به دلیل آن است که مسردم از لحاظ اقتصادی مرفه ترند اما از لحاظ فرهنگی از خود بیگانه گشته اند. طبقه متوسط جدید قدرت اقتصادی دارد اما هنوز قدرت سیاسی را بدست نیآورده است. در یک کوشش برای بدست آوردن قدرت سیاسی این طبقه بجانب علمای شیعه روی آورده است."

دکتر حسین نصر جوهر حرکت انقلاب اسلامی درگیری با رژیم سلطنتی را ناشی از قدرت طلبی طبقه متوسط میدانند که میخواهد قدرت سیاسی را در کنار قدرت اقتصادی داشته باشد. نصر خاطر نشان کرد که بین مقام پادشاهی و علما همواره یک تفاهم وجود داشته است در واقع ملاها به شاه محتاجند. آیت... های جلوه از شیعه در داخل ایران، انتخاب حاکمیت را بر خود

نپذیرفته اند. نصر گفت حملات خشن آیت... خمینی میتواند به شکافی در جهان شیعه و یک بدعت و خامت بار در اسلام منتهی گردد."

در اینجا میبینیم که نصر روحانیت شیعه را وابسته و محتاج به رژیم سلطنتی میدانند. منظور نصر این است که روحانیت داخل ایران معتقد به تشکیل حکومت اسلامی و به قدرت رسیدن روحانیت نیستند و از نظر سیاسی وابسته به حاکمیت شاه میباشند. در تحلیل دکتر نصر روحانیت شیعه یکپارچه وابسته به دربار سلطنت میباشند و اصولاً روحانیون مبارز و عدل طلب از نظری روحانی نامیده نمیشوند، در ضمن منظور دکتر نصر از بیان رابطه مستمر و تفاهم بین روحانیون و شاه این است که تلویحاً به رژیم شاه می آموزد که برای کنترل حرکت انقلاب اسلامی که بنظری قدرت طلبی طبقه متوسط است لازم است شاه سرمایه گذاری بیشتری روی نزدیک شدن به علمای شیعه بعمل آورد.

در ادامه نصر حرکت امام را یک بدعت و خامت بار در اسلام میدانند چرا که امام و روحانیت مبارز و عدل طلب معتقد به حاکمیت اسلام و تشکیل حکومت اسلامی هستند در حالی که جناح دیگر روحانیت معتقد به حاکمیت نظام اسلامی نیستند. نصر امام را نیز متهم به سوء استفاده از حرکت طبقه متوسط میکند. دکتر نصر گویا چشمان خود را بسته است و نمی بیند آنها را که جان برکف باشعار "خمینی تو نوری از خدای، فریادی از دلهای سوزنده خود را آماج گلوله ها قرار میدادند و واقعا عاشق انقلاب و امام بودند نه طبقه متوسطی که طالب قدرت باشند.

واید ثلوثی که بایستی در تمام شئون زندگی و مبارزات ما حاکمیت داشته باشد نمیداند بلکه آنرا وسیله ای برای دفع مارکسیسم و بقصد رسیدن طبقه متوسط می شمارد.

۲- نصر نهضت اسلامی در ایران را واکنشی در مقابل نفوذ ورخنه مارکسیسم دانسته و در واقع انقلاب اسلامی را نهضتی ضد کمونیستی میدانند. حال که انقلاب اسلامی بر علیه رژیم سلطنتی و وابستگیهایش به امپریالیستها بود ضمن آنکه شرق را نیز باز چرخه دست غسرب میدانست.

۳- نصر اسلام و تشیع را دارای دکترین "صوفیانه" میدانند نه عرفان در صحنه و معتقد است مجتهدین جوان چینی هستند که دکترین صوفیانه شیعه را با سیاست مارکسیسم درهم آمیخته اند. در واقع نصر اسلام و شیعه را دینی بدون سیاست و بی ربط به مبارزه میدانند و همه مبارزین مسلمان ام از روحانی و غیر روحانی را متهم به "مارکسیسم اسلامی" میکند. همان اتهامی که شاه در مورد این مبارزین بکار میبرد در اینجا عملاً دکتر نصر بعنوان یک ثورسین رژیم سلطنتی عمل میکند.

"... کمونیستها برای بسیاری از لیبرالهای غربی دلیلی بوده اند و سعی نموده اند که برخوردشان با غرب با استفاده از اصطلاحات معمول چینی باشد تا بحال شاه در بین این جریانها ایستاده و بدین ترتیب آماج حمله دو طرف بوده است..."
"... اگر خمینی پیروز شود، حکومتی اسلامی که جایگزین میشود خیلی زود شاهد تجزیه ایران در مرزهای خود

دکتر نصر اسلام و شیعه را دینی بدون سیاست و بی ربط به مبارزه میدانند، و همه مبارزین مسلمان اعم از روحانی و غیر روحانی را متهم به مارکسیسم اسلامی میکند. همان اتهامی که شاه در مورد این مبارزین بکار میبرد.

"... تمام حاضران اظهار داشتند که تا چندی پیش اکثریت سیاستمداران ایران میتوانستند با علما گفتگو داشته و با آنها همکاری کنند. بتدریج که تکنوکراتها به مناصب قدرت دست یافتند این توانایی ایشان نیز زایل گشت و برای نوآوران دیگر علما مطرح نبودند. افراد جدید ایران جدید را میساختند. اینکار از خود خلاق فکری برجای گذاشت که مارکسیسم آنرا بر کرده است. حتی در محافل مسل مذهبی نیز بسیاری از مجتهدین جوانتر چینی هستند. آنها را کسانی تعلیم داده اند که کاملاً قادرند دکترین صوفیانه شیعه را با علم سیاست مارکسیستی درهم آمیزند. احیاناً فلسفه اسلامی کوششی بوده در جهت دفع رخنه هایی که مارکسیسم با ارتقا روشنفکرهای درجه چهار مانند رضا برهنی در دانشگاهها داشته است..."

۱- نصر اسلام را بعنوان مکتب راهنما

خواهد بود. بلوچها، ترکها و ترکمنها که برای تشکیل حکومتهای کوچک خود جدا خواهند شد..."
دکتر سید حسین نصر شاه را عامل وحشت رژیم و تمامیت ارضی ایران میدانند و معتقد است حاکمیت امام منجر به تجزیه ایران خواهد شد این همان سخن شاه نیز میباشد که معتقد بود رفتن او از ایران و برافتادن رژیمش موجب میشود ایران، ایرانستان شود.
"... واقعه میدان و اله چند تن از حاضران ضمن اتفاق نظر قابل ذکری با داشتن شواهد عینی یا اطلاع گروهی ادعای مخالفین را مبنی بر اینکه هزاران نفر کشته شده اند را کلا رد کردند. همچنین نصر رئیس دفتر شهبانو کوشش مخالفین برای ساختن یک "قتل عام" را شاهکار هوچیگری سیاسی دانست.

بخش سیاسی: جی، دی، استیبل. ادامه دارد

انقلاب اسلامی از راه ضربهای اقتصادی و نظامی شکست نخورد، بلکه می خواهم با فرستادن افراد ظاهر اصلاح در ظاهر است... ناراضی و بدبینی بوجود آورده و انقلاب را از داخل بپوشاند آیت الله منتظری



توریزم

ملک رجوی

۶۴/۸/۲۵

یکی از اعضاء کنگره آمریکا: با همان طور که توانستیم سیهانوک را با خمرهای سرخ در یک حبه متحد، برای مبارزه با حکومت کامبوج متحدسازیم، رجوی و رضاییلوی را نیز میتوانیم در یک حبه متشکل کنیم.

مبانی حکومت امام خمینی رادیوی رجوی در تحلیلی بی‌امون ایران گفته است حکومت امام بر سه چیز متکی است "خنگ و نفت و شکنجه". این رادیو در ادامه گفته است برای سرنگونی حکومت روی این سه چیز باید کار کرد. ۱- باید خنگ راه سازش کشاند. ۲- باید صدور نفت سودهی خود را برای ایران از دست بدهد. ۳- باید روی مسئله شکنجه بر علیه انقلاب کار کنیم و کاری کنیم تا مارک شکنجه گر به انقلاب اسلامی بخورد.

راه مجاهد:

حکومت امام بر سه توده‌های فطری خدا و طالب حکومت اسلامی و طالب آزادی قدس متکی است. مردم در جریان تشیع حنازه سه باسدار شهیدکمیته‌ها شاعر می‌دادند: "شکنجه شکنجه کار منافقین است".

غرب و توطئه تعدیل انقلاب اسلامی

سرپرست هیئت پارلمان فرانسه: ماسر تعظیم و احترام در برابر کلیه قربانیان تروریسم و جنگ فرود می‌آوریم. ده دولت فرانسه دیگر از تروریستها حمایت نمیکنند بلکه آنها را در صورت بودن دلایل کافی زندانی میکنند و به مقامات قضایی خواهد سپرده.

راه مجاهد: تغییر موضع فرانسه پس از گذشت هفت سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه از سر حقیقت بینی بلکه در امتداد خط مشی غرب جهت تعدیل حاکمیت انقلاب اسلامی میباشد. غرب برای جلوگیری از رادیکالیزه شدن انقلابات معتقد به باز نگه داشتن درجه اطمینان در برابر فشار استکبار جهانی میباشد.

رجوی مارک تروریست زین

را از امپریالیسم، مارک تفرقه افکنی بین شیعه و سنی را از صهیونیسم گرفته و به جمهوری اسلامی نسبت میدهد، وی شعار نفی تشنج و ایجاد امنیت در منطقه را از ارتجاع عرب گرفته و مطرح میکند.

اخبار منطقه لبنان و فلسطین

آیت ا... منتظری:

اینکه خلق سلاح فلسطینیها را به آنها نه کرده اند، توطئه‌ای است از طرف اسرائیل و آمریکا که میخواهند در لبنان نیروهای مسلح و قدرتی جز صهیونیستها و فالانژیستها نباشند و هر ظلم و جنایتی خواستند بکنند، بدون اینکه کسی در برابر آنها مقاومت کند.

من مطمئنم که اگر امروز میگویند، فلسطینیها نباید در لبنان مسلح باشند، فردا میگویند شیعیان لبنان و تمام نیروهای مسلمان و مبارز یاسنی‌ها هم نبایستی مسلح باشند.

حزب الله در لبنان

گفته میشود سه جریان در کنار یکدیگر و در عین حال بطور مستقل در لبنان بنام حزب ا... فعالیت میکنند. حزب ا... خطی و قطبی

این جریان به رهبری شیخ محمد حسن فضل ا... بوده و اکثر شخصتهای و علمای و قضاها روحانی و مذهبی را در برداشته و از زندگی علمی و تربیتی تالیفات هم برخوردارند.

حزب ا... تشکیلاتی

که همان گروه امل اسلامی به رهبری سید حسین موسوی است.

حزب ا... ناشناخته

اینها عمدتاً "به شکل توده‌ای و ناشناس عمل میکنند. عمده عملیات در جنوب لبنان بر علیه اسرائیل و سایر دشمنان بدست آنها انجام میگردد. اینها در گروههای چند نفره فعالیت میکنند.

اینها بدلیل استتار عملیات و ناشناخته ماندن، اعتمادی به تشکیلاتهای موجود در لبنان و حتی گروه انقلابی امل به رهبری سید حسین موسوی ندارند.

شعار وحدت دهند. برای لبنان

عده‌ای در مورد لبنان میگویند در لبنان طایفه‌ها و مذاهب بسیار مختلف وجود دارد از قبیل سنی، شیعه، مسیحی، مارونی و حتی در خود شیعه هم گروههای مختلف وجود دارد اینها میگویند باین دلیل در لبنان هیچ ویژگی یا یادارو تاتی که جمیع گروهها و جریانات در آن مشترک باشند نمیتوانیم پیدا کنیم. اینها معتقدند باین دلیل هیچ شعار واحد و وحدت دهنده برای لبنان وجود ندارد و هیچ حرکت سازنده و انقلابی در جهت استقلال در لبنان نمیتواند بکشد. این عده معتقدند بدلیل اختلافات موجود در آن، هیچ انقلابی در لبنان امکان پذیر نیست و تنها راه آن است که در خارج از لبنان حرکت و انقلابی انجام بگیرد و فشار آن انقلاب در لبنان تحول و دگرگونی ایجاد نماید.

موضعگیری طرفهای درگیر در جنگ طرابلس

نظرات کنعان ناجی رهبر گروه چندالله (نزدیک به جنبش توحید اسلامی).

کیهان. ۶۴/۸/۳۰

۱- اعتقاد به مبارزه سیاسی و نظامی جهادی، از طریق آموزشهای لازم و امکانات مورد نیاز برای جنگ بزرگ در جنوب لبنان (درگیری با اسرائیل).

۲- اعتقاد به گفتگوهای میانبروهای لبنانی، چرا که آنها راه حل عربی را پذیرفته اند. (با وجودیکه ایلی حقیقه روز بعد از مذاکره آرد را از نظر ابلیس قطع کرده است).

۳- وی معتقد است دوپروسه برای حل بحران لبنان موجود است: سوری یا

اسرائیلی که طبیعتاً "جون با اسرائیل درگیر هستند راه حل سوری را می پذیرند نظرات شیخ سعید شعبان، رهبر جنبش توحید اسلامی: کیهان ۶۴/۸/۲۸ ۱- انگیزه جنگ: سرکوب مقاومت اسلامی به منظور کوشی برای صلح با اسرائیل بوده است.

۲- جنگ ما، جنگ اسلام علیه کفر بود. ۳- هرکسی (اعم از مقاومت ملی در لبنان) که در مقابل اسرائیل به روایتی برخاسته با جریان ماهم آهنگ است. ۴- آنها فیکه بر مسلمانان تعدی کردند بیش از عرفات با اسرائیل صلح و سازش خواهند نمود. ۵- تشکیل حکومت اسلامی در طرابلس و لبنان، با وجودیکه طوائف متعددی دارد زیرا اسلام قادر است به آنها وحدت بخشد. ۶- پذیرفتن توافق با سوری.

نظرات هاشم منقاره فرمانده قوای جنبش توحید (گویا سابق عضو گروه "فلسطین" بوده است).

کیهان ۶۴/۸/۲۵

۱- احزایی که طرابلس را محاصره کردند ادعای مبارزه با اسرائیل را دارند. راه اسرائیل که از شهر طرابلس نمیگذرد. ما علیه اسرائیل در جنوب جنگیدیم بعلاوه همه موافقت نامه هائی که حق موجودیت اسرائیل را بر رسمیت می شناسد رد کرده ایم اینها ادعا دارند که ما با جریان عرفات هم سو هستیم، در صورتیکه یک فلسطینی در شهر وجود نداشت.

۲- ما با دشمنان خود می‌دیدیم که خمپاره هائی به شهر امانت می‌کرد که از نزدیک محل استقرار نیروهای سوری ضایع میشد.

۳- توافق در دمشق یک راه حل موقت است که سعی بر اجرای آن داریم که شمول آن جز با آزادی فلسطین تحقق نخواهد پذیرفت.

۴- مسئله طرابلس و مسائل کشورهای اسلامی مستقیم یا غیر مستقیم به مسئله فلسطین پیوند خورده است.

۵- هنگامیکه اسرائیل در جنوب بود احزاب ملی گرا هیچ کوششی در جهت مبارزه با تحا و زگران اسرائیلی ننمودند.

۶- جنگ طرابلس، جنگ اسلام علیه کفر بود.

حق فلسطینیها در لبنان اینست که در صحنه‌ای که بوسیله‌ها سازمانهای جا سوسی و اطلاعاتی جهان اداره میشود، از خود دفاع نمایند

نظرات حسین موسوی رهبر جنبش امل اسلامی کیهان ۶۴/۸/۲۷

۱- دخالت در طرابلس به منظور توقف خونریزی بود زیرا خون مسلمانان فقط در رویا روشی با دشمن صهیونیستی و مزدوران آن میتواند بر زمین ریخته شود

ترسیم صدام مانع بزرگی برای بسیج نیروها به سوی قدس است و به فرموده رهبر بزرگ انقلاب، راه قدس از کربلا میگذرد آیت الله منتظری

ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانانی و اصولاً " هیچ آزاده‌ای ، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد . ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود . امام خمینی

لبنان به نیروی مشترک جنبش امل و دروزبها
واگذار شود .

کیهان ۶۴/۸/۷
خدا م شرایط برقراری صلح در منطقه
را عقب نشینی کلی اسرائیل از سرزمینهای
اشغالی عرب به رسمیت شناختن حقوق ملی
فلسطین اعلام کرد .

وی گفت : قبل از همه باید میان ما و
دشمن اسرائیلی یک توازن استراتژیک
برقرار شود ، تمام اعراب موضع مشترک اتخاذ
نمایند و تا و اسرائیل پایان یابد .

راه مجاهد :

در این طرح سوریه با موجودیت اسرائیل
درگیر نمیشود ، در این صورت در خط مقدم
بودن سوریه چگونه تبیین میشود در حالی که
رابطه با سازمان آزادیبخش که قطعنامه
۲۴۲ را نپذیرفته و موجودیت اسرائیل را
برسمیت نمی‌شناسد ، قطع شده است .

ایران ۶۴/۹/۷

سوریه و اروپا :

هیئت پارلمانی اروپا به سرپرستی
عضو حزب محافظه کار انگلیس عازم خاورمیانه
شد . این هیأت اعلام کرد ، اکنون خوبی
موضع سوریه را در قبال اختلافات در منطقه
و همچنین نقش این کشور در لبنان را درک میکند

هم می‌اندازند . لذا ملت فلسطین قربانی
خصوصی و اختلافات و خیانتها و توطئه‌ها گردید
راه حل مسئله فلسطین : تشکیل
کنفرانس بین المللی نیز نتیجه‌ای جز
اعتراف به موجودیت رژیم صهیونیستی در خاک
فلسطین در بر نخواهد داشت . البته این
اعتراف بین المللی و عربی خواهد بود . . .
و خطرناکترین توطئه است .

شیوه آزادسازی فلسطین : ما آزادسازی
فلسطین را جز به شیوه " یک جنگ فزاینده
و همه جانبه نظامی امکانپذیر نمی‌دانیم
شبه جنگی که در جنوب لبنان بوقوع پیوست

بررسی توافق نامه " سه جانبه " امریکا ،
دروزیها و نیروهای امنیتی :

ایران ۶۴/۹/۱۶

بر اساس این طرح ، اسلحه کلیه
غیرنظامیانی که با خود سلاح حمل کنند
مصادره خواهد شد حفاظت اسلحه گف :

سوریه مصمم است که مصالحه ملی را در
لبنان تحقق بخشد و با متوقف ساختن جنگ
امنیت و صلح را به این کشور بازگرداند .

راه مجاهد :

امنیت و صلح در خاک فلسطین سلاح نا- مین
میشود یا در سایه " مبارزه با اسرائیل ؟

بار " کنترل وضعیت و جلوگیری از هرج و مرج
داخلت کردیم .

۲- توافق براینکه ارتش سوریه نقاط
حساس را در دست بگیرد و سپس آنها را به دولت
لبنان تحویل دهد .

۳- جمع آوری اسلحه سبک و سنگین

۴- برپایی امنیت

۵- جلوگیری از گسترش کمونیستها (احزاب)

نظرات عبداللہ سعاده مسئول بخش دفاعی

حزب ناسیونالیست سوریه

کیهان ۶۴/۹/۳

۱- جنبش توحید از رهگذر پشتیبانی
و حمایت عرفات روند حمایت اجتماعی
طرابلس را در گروگون کرده است ، بیشترین
خرابیهها به دوران جنگ با ابوعمار باز میگردد
۲- نجات لبنان جز از رهگذر اهرام سوریه
امکانپذیر نخواهد بود .

۳- در تنگنا قرار دادن سوریه در این
شرایط بمثابه توطئه علیه مسئله
ناسیونالیستی و ملی ، بحساب میآید .

محورهای مصالحه کریم مروه معاون دسرکل
حزب کمونیست لبنان :

کیهان ۶۴/۹/۳

عرفات میخواهد طرابلس نقش
ایضاتی نسبت به نیروهای ملی لبنان
و نسبت به سوریه داشته باشد و ضربه‌هایی
علیه سوریه وارد آورد .

راه مجاهد :

سخنی کاملتر از بیانات آیت . . .
منتظری در مورد خلع سلاح و اینکه خلع سلاح
فلسطینیها و نیروهای مبارز لبنانی در خط
آمریکاست " ندیدیم .
مسئولین ایران و سوریه باید پاسخ
دهند که در جهت تحقق خط مشی آیت . . .
منتظری تا چه حد فعال بوده‌اند ؟

صیرا و شتیلا (سال ۶۱)

جلوه‌ای از بیبوندجنایت

صهیونیستها

و فالیانژیستها

و سکوت سازشکاران

و مرتجعین عرب "

راه مجاهد :

کیهان ۶۴/۹/۲۳

شیخ سعید شعبان در گفتگویی با کیهان :
خلع سلاح : معنای اینکار این است
که قتل عام دیگری مانند قتل عام صیرا
و شتیلا بوقوع خواهد پیوست .

تا زمانی که اسرائیل هنوز در خاک لبنان
حضور دارد و ما دامیکه بحران لبنان ادامه
دارد حق ندارد ، تسلیم مسلمانان را از دست
آنها بگیرند .

اختلاف درون فلسطینیها : هر رژیم
عربی دارای سازمانی در مجموعه سازمانهای
فلسطینی است و هرگاه که رژیمهای عربی
با هم خصومت داشته باشند این سازمانها
را در اردوگاههای آوارگان فلسطینی جهان

۲- غلبیدن در مشکلات فرعی با هر گروه
و دسته‌ای موجب عدم ادامه نبرد با دشمن
صهیونیستی میگردد .

۳- در توافق نامه از طرف حافظ اسد
تضمین شده است که نیروهای سوریه
فعالیتی علیه جنگجویان انجام نخواهند
داد .

نظرات علامه شیخ فضل الله از روحانیون

لبنان :

کیهان ۶۴/۸/۲۳

۱- راه حل نظامی بعثت پیچیدگیهای
سیاسی و امنیتی راه حل واقعی نیست .

۲- درگیریهای مسلحانه ، لبنان را
به محیط عقب مانده " طایفه گرای باز-
گردانده و سبب وجود حساستهای شده که
در این محیط طبعاً هرگونه راه حلی به
تکست منجر خواهد شد .

۳- پیرامون " شیعه " بعنوان شیعه
دوست ندارم سخن بگویم بلکه همانگونه
که درباره مستضعفین اهل تسنن و مسیحیان

سخن میگویم

ترجیح میدهم درباره " محرومیت اجتماعی
آنان سخن بگویم .

۴- مسلمانانی که از موضع اسلام حرکت
نمیکنند تنها حقوق از دست رفته مسلمانان
بلکه حقوق مستضعفان جهان را مطالبه
نمیکنند ، علاوه دعوت به تشکیل جبهه
جهانی مستضعفین کرده‌اند .

۵- تشکیل حکومت اسلامی : در شرایط
فعلی این طرح از زمینه بیوفایی برخوردار
نیست اما محال هم نیست . با آنکه

مارکسیسم در لبنان با عقیده مسلمانان
و مسیحیان در تضاد است چرا مارکسیستها اندیشه
برپایی حکومت مارکسیستی را مطرح میکنند
در رابطه با مسیحیان نیز باید گفت آنها فقط
از ویژگی ایمان برخوردارند و معتقدند

کار خدا را باید به خدا واگذار کرد . و کار
فصل را به قیصر (حداثی دین از سیاست) .
ما خواهان اندیشه اسلامی هستیم اما
هیچگاه به شیوه‌های تروریستی و هرج و مرج
طلبی و آنا رشیستی متوسل نمیشویم ، بلکه
در این گذر از شیوه‌های فکری و وسایل
سیاسی متمدن استفاده میکنیم . تا آنکه
جهان ثابت کنیم در شرایط فعلی نیز اسلام
قادر به اداره جهان میباشد .

راه مجاهد :

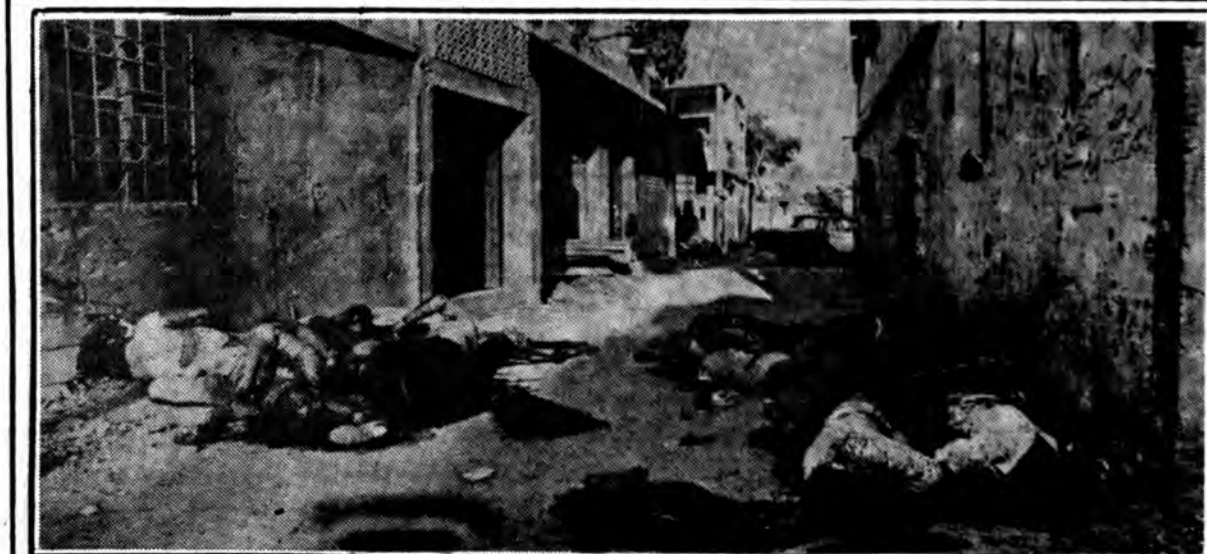
کیهان ۶۴/۹/۲۳

جنبش توحید و طرفدارانش
با ایدرونی خط مشی مستقل مکتبی و حکومتی
برخورد با تضادها (عمده - اصلی - فرعی)
کاربرگزارند . چرا که در درگیری وسیع با
دشمن عمده (اسرائیل) ، دولت لبنان
سبب مواضعش مشخص شده و تضادهای فرعی
داخلی هم به بهترین نحوی حل خواهد شد
و خط مشی صحیح از خط مشی زفر میسوم و دستهای
مرموز شناسایی میگردد .

نظرات غازی کنعان رئیس بخش اطلاعاتی
نیروهای سوریه در لبنان :

کیهان ۶۴/۹/۵

انگیزه‌های دخالت سوریه :
۱- مابه منظور همکاری با کرامی در



صیرا و شتیلا (سال ۶۱)

جلوه‌ای از بیبوندجنایت

صهیونیستها

و فالیانژیستها

و سکوت سازشکاران

و مرتجعین عرب "

ایران ۶۴/۹/۱۴
سوریه و امنیت لبنان :

خدا م معاون ریاست جمهوری سوریه در رابطه
با امنیت لبنان اظهار داشته است :

یک امنیت جدی و واقعی در لبنان تنها
در سایه دولت وارگانهای دولتی میتواند
برقرار شود و سازمانهای لبنان نقشی در این
رابطه ندارند .

طلاب علوم دینی و مذاکرات صلح لبنان
ایران ۶۴/۸/۱۶

طلاب علوم دینی اعلام کردند :
مذاکرات جاری برای صلح در لبنان
(توافق امل - دروزبها - نیروهای لبنانی

ایران ۶۴/۹/۱۳
۱- این توافق نامه از طرف دروزبها
و جنبش امل به نخست وزیر لبنان ارائه
شده است . بر اساس این توافق :

۱- کلیه دفاتر حزبی در نقاط مختلف
شهریسته شود .

۲- نیروهای ویژه ای برای مراقبت
از عدم حضور مسلحانه شبه نظامیان در شهر
بکار گرفته شده است .

۳- امنیت شهر بیروت بدست نیروهای
شهریانی ، نیپ شمش ارتش لبنان و ناظران
نظامی سوریه واگذار شود .
۴- کنترل جاده ساحلی بیروت به جنوب

در جنوب لبنان باید تمام کسانی که میخواهند با اسرائیل مبارزه کنند مسلح باشند آیت اله منتظری



ونظارت سوریه) ، توطئه‌ای تازه علیه مسلمانان است . طرفهای دیدار پیمانندگان مردم نیستند و این دیدارها میان بازرگانان جنگ و زدندان سیاست صورت گرفته و آنان که دستهایشان به خون بی گناهان آلوده است هرگز نمیتوانند ادعای نمایندگی...
خانواده‌های شهدا و مجاهدین را داشته باشند

ابرار ۶۴/۸/۲۵
علامه فضا الله و مذاکرات صلح لبنان :
ما هرگونه طرح صلحی را برای بازگشت آرامش به لبنان بر اساس مبارزه با حاکمیت اسرائیلی در این کشور را مناسب میدانیم . . . چگونه میتوانیم به صلح بحران لبنان امیدوار باشیم در حالی که اسرائیل توسط افراد خود در پشت میز مذاکرات شرکت کند و ما که گفتگوی اسرائیل را نمی پذیریم چگونه میتوانیم...
چهره های اسرائیلی ملاقات کنیم .

ابرار ۶۴/۹/۲۶
علامه فضل... : مشکل توافقنامه سه جانبه دمشق این است که به مردم گفته میشود با این توافقنامه هر باید برسد با اینکه جنگ ادامه پیدا میکند ، اما جنگ در لبنان باستانی متوقف شود ، چون جنگ مسئله ای جدا از توافقنامه مذکور است .

ابرار ۶۴/۸/۲۶
شیخ شمس الدین و مذاکرات صلح لبنان :
ما با کوششهای سوریه در جهت پایان دادن به جنگ های داخلی لبنان موافقیم ولی تعیین سرنویشت آینده لبنان را حق مردم این کشور میدانیم .

تحولات صلح خاور میانه و اظهار نظرهای دوفرا از تحلیل گران آمریکایی :

الف : اظهار نظر تام تیل ، یکی از سردبیران محله هارتس .
وی به دلایل زیر به خط مذاکره و صلح معتقد است :
۱- اردن تلاش میکند فرمولی بیاید

که آرمانهای فلسطینی ها و نه ساف راه عنوان بخش از خواسته های تاردنی با اسرائیل مطرح سازد .
۲- اردن تلاش میکند که مذاکرات صلح تا اکتبر ۱۹۸۶ که شیمون پرز رهبر حزب مردم طرفدار صلح ، نخست وزیر است ، صورت گیرد .

۳- شیمون پرز در سازمان ملل ، طی نطقی از اردن برای مذاکرات دعوت کرد و طی با تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای صلح موافقت کرده است .

۴- با توجه به موارد فوق ، بسیاری از رهبران عرب که خواهان مذاکره هستند خود را از حوادثی نظیر ریزش شدن کشتی آکلیه لاروکه ساف را عامل آن میدانند کنار کشیده اند .

۵- کاهش قیمت نفت : ما زانفت باعث کاهش قیمت آن شده ، مثلاً درآمدهای نفتی عربستان در حدود ۲۰٪ تنزل پیدا کرده و کاهش قیمت نفت به معنی نبودن پول برای کمک رسانی از سوی کشورهای ثروتمند عرب و به معنی نداشتن بودجه برای جنگیدن با حمایت از تروریسم است .

ب : نظر الف گلد من یکی از استادان علوم سیاسی مؤسسه آمریکا . وی صلح را امری نافع اسرائیل نمیداند و دلایل زیر اشاره میکند :

۱- با توجه به نظرات روشنفکران یهودی نگرش تندروی یگین نخست وزیر سابق از نظر افکار عمومی کاملاً نمرخس نبوده است از این رو اسرائیل باید گفتگوها را به مسیری بازگرداند که بیش از این جریان داشت و همین کاری است که دولت جدید ائتلافی انجام میدهد .

۲- با وجود این که شیمون پرز معتقد است اختلافات را میتوان از طریق صلح و مذاکره حل کرد اما این امر غیر ممکن است وقتی که با یک مردم صلح مواحه میشود نمیتوانیم به آسانی اختلافاتمان را حل کنیم

۳- کشورهای همسایه عرب واقعاً حق موجودیت اسرائیل را برسمیت نمیشناسند

و آقای عرفات قابل اطمینان نیست .
۴- در مقابل مذاکرات صلح اسرائیل صرفاً "نگ ورق کاغذ دریافت خواهد کرد که تضمینی برای اجرای آن نیست .
راه محاهد :

ترس این جناح از یک حر بیان رزمنده است که حتی در صورت قرارداد صلح ، همواره در حال حوش و حرکت است .

سرد ، تفنگ های غنیمتی یا نارنجک دستی استفاده میکنند .
ژنرال امنون شاهاک فرمانده مرکزی ارتش اسرائیل : در مقابل این عملیات که ریشه های اعتقادی دارد هیچ راه حلی جز افزایش فشار و گسترش تداوم بیرونی وجود ندارد .

اسحاق رابین وزیر جنگ رژیم صهیونیستی معتقد به اعمال سیاست مشت آهنین است و میگوید کف خانه شهروندان مظنون باید

پیام آیت ا... منتظری پیرامون باز شدن امکان تحصیل و سکونت طلاب فلسطینی در ایران ، در جهت مرزبندی حق و باطل ، بسیار مفید بوده و گام مثبتی است در جهت نزدیکی بیشتر هر دو ملت ، و صدور انقلاب

منفجر شود و فلسطینی های ناراضی با بیدار کشور اخراج شوند .
امنون شاهاک جلا د فلسطینیان از حمله راهبای مبارزه با جوانان مسلمان فلسطینی را تشدید شکنجه ، بلافاصله پس از دستگیری میدانند و میگویند مجازات برای آنکه موثر باشد ، باید سریع اعمال شود و میگویند ماهه این نتیجه رسیده ایم که حتی انفجار منزل مسکونی یک فلسطینی ، همسایه وی را از ادامه راه او باز نمیدارد .

مقامات اسرائیلی برای این سیستم عملیات اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به بمب گذارینها قائل هستند ، زیرا این شیوه ۱- رودر روست ۲۰- عوام ، آن از زمین حوان ونوجوان برخاسته اند .
یک مقام دیگر اسرائیلی معتقد است : جلوگیری از فعالیت سازمانهای منظم چریکی زمینه را برای گسترش عملیات جوانان مسلمان فلسطینی مساعد ساخته است .

یوشل مارکوس نویسنده روزنامه هارتس عقیده دارد این حملات در مقابله با بمب گذارینها تلفات کمتری دارد ، اما از آنجاکه امکان حمله همه وقت و همه جا وجود دارد آسایش را از اسرائیلی ها گرفته است

احزاب فلسطین

اسکان آوارگان فلسطینی

عده ای میگویند تسهیلاتی که رژیم عراق در اختیار فلسطینیها گذاشته (از قبیل اجازه برگزاری جلسات و ایجاد دبایگاه و پناه دادن به آوارگان فلسطینی) در مخدوش کردن مرز حق و باطل در منطقه بسیار موثر است و تشخیص ماهیت رژیم وابسته است برای مردم و سرآزان عراقی مشکل میسازد به خصوص که این حریانات مشاهده میکنند که دولت ایران در زمینه اسکان آوارگان فلسطینی هیچ تلاشی نکرده است .

راه محاهد :

پیام آیت الله منتظری پیرامون باز شدن امکان تدریس و سکونت طلاب فلسطینی در ایران در جهت مرزبندی حق و باطل در منطقه بسیار مفید است و در ضمن اسکان آوارگان فلسطینی در ایران گام مثبتی است در جهت نزدیکی هرچه بیشتر دو ملت و آشنا شدن با درد یکدیگر و صدور انقلاب .

جوانان فلسطینی خواب را از چشم صهیونیستها ربوده اند

ابرار ۶۴/۹/۱۳

رویتر : مبارزه جوانان فلسطینی رودر رو همگانی و همیشگی است و جوانان فلسطینی با کمترین امکانات ممکن به آن دست میزنند سردبیر روزنامه "الفجر" چاپ بیت المقدس اظهار میدارد : احساس میشود جوانان فلسطینی از تاکتیک جنگی شیعیان لبنانی الهام گرفته اند .

عوامل اطلاعاتی رژیم صهیونیستی : منشاء نسبی از حملات منجر به مرگ یا جراحت که از سوی جوانان فلسطینی علیه اشغالگران صورت میگیرد همینگونه عملیات است آنچه مقامات رژیم اشغالگر قدس را نگران ساخته این است که حملات یاد شده از سوی جوانان صورت میگیرد که به هنگام اشغال سرزمین خود هنوز به دنیا نیامده بودند و تمام عمر خود را شاهد اشغال سرزمین فلسطین بوده اند .
این جوانان در حملات خود از اسلحه های

لبنان وحدت شکن

عده ای معتقدند که امیرالیزم طوائف و فرقه مختلف را در لبنان بنحوی جمع آوری کرده و "آزادی" داد که هر شعار وحدت دهنده ای در آنجا شکست مواجه میشود مثلاً "شعار وحدت عربی" ناصری علیه صهیونیسم تمام منطقه عربی را متحد کرد ولی در لبنان فرقه ای از مسیحیان علیه این شعار تظاهرات کردند و گفتند "ما عسرب نیستیم ما از فرزندان قنیقی ها هستیم نه از نژاد سامی"
اینها میگویند در شرایط فعلی امیرالیزم توانست شعار حکومت اسلامی در لبنان را با جریان اردوگاههای فلسطینی ها به بن بست مواحه سازد .

راه محاهد :

به نظر میرسد که تحلیل فوق الذکر از لبنان یک بن بست دارد و آن اینست که اشغال نظامی لبنان توسط اسرائیل قابل تسخیر نیست . اسرائیل اگر وحدت رو به رشد و گسترش را در لبنان نمیدید ، به لبنان حمله نمیکرد .

البته این حمله هم یکی از حماقتهای اسرائیل بود که منجر به وحدت کلیه فرقه ها و جناحهای لبنان علیه اسرائیل گشت حتی بشیر جمیل فالانزبست هم دم از استقلال لبنان میزد .

فالانزها همواره متحد طبیعی اسرائیل به حساب میآمدند و حال آنکه حندی بعد از حمله اسرائیل به لبنان در مواردی در جلوا اسرائیل موضع گرفتند . اخیراً هم بنا بر اعتراف کارشناسان آمریکایی "برای اولین بار نقطه عطفی در مسیحیان لبنان بوجود آمد و آن اینکه آنها به حکومت چیرگی سوریه متوسل شدند ."



ضرورت ایجاد اردوگاه برای فلسطینیها در ایران

کریستین ساینز مانیاتور ۶۴/۸/۳۰

عراق چریکهای فلسطینی را در خاک خود افزایش داده و از عرفات دعوت کرده تا مقر سازماندهی خود را از تونس به بغداد منتقل کند اما ساف بخاطر احتمال کنترل عراق موء دبانه از قبول دعوت خودداری کرده است .

راه محاهد :
قابل توجه است که اگر جمهوری اسلامی ایران به فلسطینیهای آواره اسکان دهد

ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولاً هیچ آزاده ای اسرائیل را برسمیت نمی شناسد و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود .
امام خمینی

آنان هم از نعمت جمهوری اسلامی بهره مند شده و با توان بیشتری با دشمنان میجنگند و هم بطرف عراق امریکائی کشیده نخواهند شد.

سخنرانی سفیر فلسطین در دانشگاه تهران

بناست گرامی مدداشت سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه ملت فلسطین در تاریخ ۱۰/۱۰/۶۴ برادر صلاح زواوی سفیر فلسطین در ایران در دانشگاه تهران سخنرانی نمود در پایان سخنرانی به سوالات حاضرین نیز پاسخ گفت.

متاسفانه هیچکدام از مطبوعات خبرگامصل این جلسه را منعکس ننمودند. فقط روزنامه اطلاعات قسمتی از سخنرانی را چاپ کرد.

از آنجا که آشنائی با نظرات سفیر برای ما حیظران مفید است، لازم دیدیم وظیفه‌ای که بر دوش مطبوعات است، ما انجام دهیم. در اینجا قسمت عمده پاسخ به سوالات و خلاصه‌ای از سخنرانی (بعلمت کمیودجسا) را میآوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران... این ملت یا جنگ و دندان، سنگ، بطریقه‌های مولوتف، جوب و خاقوبه یا بیداری و مقاومت در مقابل اشغالگران و تها و زکرا در سرزمینش، ادامه میدهد به منفر کردن خانه‌ها با سرکوبی اقتصادی و با بازداشت و شکنجه و دیگر شیوه‌های تروریستی اهمیت نمی‌دهد و در حالیکه سلاح صهیونیستها را مصادره میکنند، از آن برای رویارویی با اشغالگران، استفاده می‌کنند. بطوریکه دشمن اعتراف کرده است که تا کنون صدها قیضه سلاح از قلب یادگانها و از دست سربازانش مصادره شده است، و نیز زدها افسر و سرباز صهیونیست به جهت فروش اسلحه به انقلابیون و مبارزان ملت ما محاکمه شده‌اند.

دشمن مزدوران اشغالگری را در تلاش دارند تا آنچه که نتوانسته‌اند از طریق نبرد های نظامی به دست آورند، به استفاده از شیوه‌های سیاسی به صهیونیستی و همزیستی با آن و پذیرش این موجود غریبه در منطقه می‌باشد و بدین منظور دشمن امریکائی ما که همبیمان استراتژیک صهیونیسم می‌باشد، عادت دارد که پیش و پس از هر نبرد نظامی طرح‌های خود را ارائه کند مثلاً طرح راجز در سال ۱۹۶۹ به عنوان مقدمه الزامی نبردهای بیتا میرسیاه سال ۱۹۷۰ ارائه گردید و نیز طرح ریگان حاصل مستقیم نبرد در بیروت در سال ۱۹۸۲ بود... به طور خلاصه باید گفت که از ساف می‌خواهند تا ما موریت قطار ساف را تسهیل نموده و خود را لغو ساخته و مبارزات فلسطین در طول هفتاد سال را حذف کرده و خون شهیدای سرافراز خویش را زیر پا بگذارد. در حالیکه به سوی یکی از روسای عرب در کرانه باختری به خاطر دعوتی که برای پذیرفتن قلعه‌ها به تقسیم فلسطین کرده بود، گوجه‌فرنگی و تخم مرغ گندیده پرتاب گردید. ما هم اکنون

شاهد آن هستیم که یکی از حکام عرب در تاریخ ۱۹۸۵/۱۱/۵ در لوگزا میپورگ از ساف می‌خواهد تا کبان صهیونیستی را رسمیت شناخته و ایحام گفتگوهای مستقیم با آنرا بپذیرد. در حالیکه دشمن امریکائی و همبیمان صهیونیستی اش اصرار دارند که سازمان آزادیبخش فلسطین را بعنوان یک سازمان تروریستی به شمار آورند و هر ملاقاتی با آنرا ولو بصورت تعارفی باشد، موکول به پذیرفتن قطعنامه‌های ننگین ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و به رسمیت شناختن حق موجودیت کبان صهیونیستی میدانند...

خواهران و برادران کیولاکوهین پس از جمله، هوایی به تونس گفت که دیدار نیروی هوایی اسرائیل از تونس تنها راه گفتگو با سازمان آزادیبخش فلسطین می‌باشد و اسحاق رابین گفت: تنها چائی را که میتوان در آن با ساف ملاقات نمود، همانا میدان نبرد می‌باشد. ما میدانیم که رابین برای این حمله، هوایی بر نامه ریزی کرده بود.

از طرف دیگر ژنیف شیفته تحلیل‌گر روزنامه هارتس گفت: "اگر ما نمیتوانستیم عرفات را از لحاظ بدنی ترور کنیم باید او را از لحاظ سیاسی ترور کنیم". پرابین اساس دشمن صهیونیستی که در زمینه نابودی نظامی ما با شکست مواجه گردید، حال تلاش دارد به دادن امتیازات بیشتر و خدا نا خواسته تحقق پیروزی برای دشمنانمان ما را از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک تعقیب و نا بود کند.

اما کشمکش میان ما و دشمن امریکائی - صهیونیستی، کشمکش طولانی و سخت می‌باشد ما موریتی است که انجام آن به عهده نسل به نسل ما خواهد بود و یک نسل نمیتواند آن را به پایان برساند. زیرا این کشمکش بر سر مرزها درنگ گرفته است بلکه کشمکش بر سر وجود و عدم وجود و کشمکش بر سر آینده امت (تمامی امت و تمامی منطقه) کشمکش میان حق و باطل می‌باشد که بسیار سخت و پیچیده و طولانی خواهد بود اما بیاری خداوند این امت پیروز خواهد بود. به طوریکه سلیمان خاطر

ما حتی یک قطعه زمین برای ایستادن بر روی آن نداریم تا فریاد خود را آزادانه از آنجا سر دهیم با اینهمه میجنگیم

سرباز قهرمان مصر در صحرای سینا ادامه این کشمکش را اعلام نمود و پیش از وی خالد الاسلامبولی و تمامی ملت مصر که فریاد سقوط کمپ دیوید و قطع رابطه با رژیم صهیونیستی را سر داده بودند نیز ادامه کشمکش را اعلام کرده بودند...

پاسخ به سوالات

سوالی در رابطه با توافقنامه سه جانبه دمشق مطرح شد که سفیر فلسطین پاسخ گفت: پاسخ این است که ما طرفدار وحدت و یکپارچگی هستیم و طرفدار حال، تمامی اختلافات می‌باشیم، ما خواستار نشانه رفتن تمام سلاحها و تفنگها به سوی صهیونیستیم. هدف اینست که فلسطین و لبنان و تمامی مسلمانان

در کناریکدیگر بر علیه اسرائیل مبارزه کنند. ما خواستار تحقق این خط هستیم.

وی در رابطه با ملاقات شاه حسین و حافظ اسد، اظهار داشت: ما در تشکیل کمیته رفیع اختلافات بین اعراب شریک هستیم و آنرا تشکیل دادیم پس خوشحال خواهیم شد که بین تمامی اعراب نزدیکی صورت گیرد.

مسئله دیگری که می‌خواستم روشن سازم اینست که راه فلسطین احتیاج دارد که خود فلسطینیان مشغول در آن مبارزه باشند یعنی فلسطینیان پیشاپیش دیگران مشغول مبارزه را به دست بگیرند و به این ترتیب راه ادامه حیات، گسترش مبارزه، مسلحانه است.

ملاج زواوی پیرامون مسئله فرودگاههای رم و وین و مسئله تروریسم گفت: ... فرودگاهها رم و وین خواهی داشت حدها عملیات خواهیم داشت. سؤال مطروحه اینست که فلسطینی که در صرا و شتلا قتل عام میشود، فلسطینی که اردوگاهها پیش در جنوب لبنان و بران میشود، فلسطینی که پدر و مادر، برادر و خواهر خود را از دست می‌دهد، فلسطینی که در همه جا خوش رخت می‌شود آیا ما میتوانیم او را وادار به پذیرش قطعنامه‌های نوشته شده بکنیم

هنگامیکه آیتا... منتظری گفتند که دانشگاه قدس را برای تحصیل دانشجویان فلسطینی افتتاح کنند، ملت فلسطین در اردوگاهها بسیار، بسیار خوشحال شدند

به هیچ وجه کسیکه خانواده و عزیزان خود را از دست داده باشد، هیچ تصمیمی را به توصیه هر کس اتخاذ شده باشد، گردن نخوانند نهاد ما نیز نمی‌خواهیم و نمیتوانیم چنین کاری را بکنیم.

من اینجا اعلام میکنم که پایگاه تروریست امریکاست... آنانیکه به ما نام تروریست را می‌گذارند در حقیقت خود تروریست هستند. آنان زمین‌های ما را مصادره میکنند و اردوگاههای ما را ویران میکنند. ملت ما را از سرزمینش بیرون می‌کنند و سپس بخاطر مقاومت و ما را ترک تروریست را بر او میکنند... من باز تکرار میکنم چرا از جهان میخواهند که با عدل امریکا به همه چیز نگاه بکنند و با معیارهای امریکا همه چیز را بسنجند. من در اینجا به عنوان صلاح زواوی نه به عنوان سفیر فلسطین این سخنان را بر زبان می‌آورم و اعلام میکنم که تهران یا تخت تروریست نیست تونس، دمشق طرابلس مرکز تروریست نیستند. واشنگتن مرکز تروریست است صهیونیستها تروریست هستند، اینست نظرم

در باره رابطه ما با اردن و عراق سؤال شد که در جواب گفتند: ما ملتئ هستیم که انقلاب خود را از غیر ممکن ها شروع کردیم... ما مانند شما نفت نداریم، مانند شما زمین گسترده نداریم مانند شما ثروت‌های بی پایان نداریم پس انقلاب ما با گذر از میان تمامی موانع بی‌نهایت و پیچیده است که به حیات خود ادامه میدهد و هر روز از یک سو چوبی را بر سر ما فرود می‌آورند. امروزه ما این

همه، با تمامی مشکلات انقلاب، با تاج سر تمامی اعراب و مسلمانان است من میخواهم از روزنامه‌های خودتان بپرسید چه کسی صد اتوبوس را با هم از بین برد. چه کسی در عرض یک هفته چندین عملیات پی در پی نظامی را علیه رفیق شراط بسیار سخت امنیتی در داخل سرزمینهای اشغالی اجرا کرد. چه کسی بسرق تمامی سرزمینهای اشغالی را قطع کرد می - خواهیم از منابع خبری روزنامه‌های خودتان بپرسید و مطلع شوید چه کسی روزانه با چاقو و کتک مولوتف در حال جنگیدن با دشمن است مادر چنین شرایط سختی بسر میبریم. ما حتی یک قطعه زمین را برای ایستادن بر روی

ملت فلسطین حاضرند به ایران بیایند، ما دوست داریم در کنار عاشقان قدس، در کنار عاشقان فلسطین، باشیم.

آن نداریم تا فریاد خود را آزادانه از آنجا سر دهیم با این همه میجنگیم. علیه رفیق شراط سخت میجنگیم و به مبارزه خود ادامه میدهیم علیه رفیق اینکه حتی تپه‌ای نداریم تا از بالای آن فریاد بکشیم.

در رابطه با اردن باید بدانید که بخش اعظم ملت فلسطین در اردن بسر می‌برد بخشی از ملت ما در آنجا با انقلاب است و بخش دیگر مانند هر ملت دیگری علت ترس یا هر شراط دیگری سکوت کرده یا انقلاب را فراموش کرده است. ولیکن مسئله‌ای که وجود دارد تماس ما با این ملت است. برخورد و تماس روزانه است و از همه مهمتر ما در اردن نزدیک سرزمینهای اشغالی هستیم، و میتوانیم بطور پنهانی و به دور از چشم رژیم اردن یک قطعه سلاحی را به داخل سرزمین اشغالی بفرستیم. میتوانیم عملیاتی را در سرزمین اشغالی شده به علت نزدیکی ترتیب دهیم و ما اینجا را در حال انجام دادن می‌باشیم من نمی‌خواهم در اینجا درباره رژیمها صحبت کنم ما شاء الله رژیمها هر کجا م رنگ و ریشه خود را دارند. ولیکن از همه این مسائل مهمتر مسئله حضور ما در این کشورها است اگر بخواهیم ما را از سرزمین ما حاضر هستیم به ایران بیاشیم. ما دوست داریم که در کنار عاشقان قدس و در کنار عاشقان فلسطین باشیم من از اینجا اعلام میکنم همینطور که وجوه سیاسی و نظامی ما در معرض خطر است. وجوه تبلیغاتی ما، وجوه اقتصادی ما و همه چیز ما در معرض خطر است. ما به حضور در همه جا برای حفاظت از این وجوه نیازمندیم

اما در رابطه با عراق - پس از نبرد در بیروت بنا به درخواست قریب به وقوع نیروهای لبنانی از آنجا خارج شدیم. من اولین کسی بودم که در ایران اعلام کردم که خواستار آوردن برادران رزمندگان فلسطین به ایران هستیم و خواستار این بودم که به اینجا بیایند. و منتظر بودیم که بین ما و آنها شراط ایران اجازه آوردن این برادران را میدهد یا نه که شراط آن مهیا نشد. ما هر کشور عربی به حسب شراط ما و بر حسب اوضاع ما، به ما اجازه دادند تا ما مقداری از نیروها خود را به آنجا ببریم، چرا چون ما با واقعیت و اعراب روبرو هستیم ما در این واقعیت بسر می‌بریم ولیکن من یک سؤال دارم، آیا نیروهای ما همینطور مانند همه کشورهای

افغانستان

شیعیان پاکستان و افغانستان و انقلاب اسلامی

تعدادی از طایفه " هزاره جات " که از شیعیان افغانستان و پاکستان هستند و در جنگ اسلام و کفر شرکت داشته اند اکنون در عراق در اسارت به سر میبرند. این موضوع باعث فشار دولت یعنی صهیونیستی عراق بر دولت پاکستان شده است که از خروج هزاره های پاکستانی و افغانی از پاکستان به قصد ایران جلوگیری کند. دولت پاکستان به زندانی و بازجویی این افراد مبارز مبارزت میورزده دولت پاکستان، عراق و عربستان سعودی مثلثی را تشکیل میدهند که بر علیه صدور انقلاب اسلامی در پاکستان و افغانستان پول خرج میکنند. درگیریهای اخیر شهر کویت که پاکستان، نمونه ای از عملکرد این مثلث بوده

برخورد مسئولین جمهوری اسلامی بنابر اظهار برخی از هزاره ها آنگونه که مورد نظر ایشان است نمیشود که باعث انفعال این عده گردیده است. این در حالی است که به سبب وحدت زبان (فارسی) و وحدت مذهبی (شیعیه) و همچنین علاقمندی به انقلاب اسلامی هزاره ها دارای زمینه های مساعدی برای پذیرش انقلاب اسلامی هستند. در درگیریهای شهر کویت چند تن از مردان هزاره در مقابل پلیس مقاومت سکند موجب نجات عده زیادی میشوند، لذا محور به ترک پاکستان میشوند.

حائز اهمیت است که هزاره های افغانستان که در قلب این کشورها ساکن هستند از زمان زرتشت - بن افراد بشمار میروند و مورد توطئه های گوناگون دولت افغانستان و سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی غربی که به شکل تیم های پزشکی به آنها میروند قرار دارند. این عده که در پاکستان و افغانستان مورد هجوم آزار و اذیت های گوناگون قرار دارند چشم امیدشان به انقلاب اسلامی ایران است.

نهضت مقاومت افغانستان

اطلاعات هفتگی
گلمدین حکمتیار
بیش از ۸۰٪ از تجهیزات جنگی از دشمن به غنیمت گرفته شده است و تنها ۲۰٪ از خارج تهیه میشود.
- ۳۰۰ هزار محاهد مسلمان افغانی ۹۰٪ از خاک افغانستان را آزاد ساخته اند.
- تاکنون حدود ۵۰ هزار سرباز روسی کشته شده اند.
- بیش از ۱ میلیون مسلمان در افغانستان شهید شده اند که ۹۵٪ شهدا را مردم غیر نظامی تشکیل میدهند.

کشور شد و این که چگونه پس از پیروزی انقلاب این انقلاب سفارت فلسطین را به ما هدیه کرد. فراموش نمیکنم که این انقلاب نفت را به روی آفریقای جنوبی و بر روی رزم صهیونیستی قطع کرد و ما برغم اینکه این رابطه تاریخی است، سو، تفاهمها و سو، فهمهای وجود دارد. شکی در این مسئله نیست البته شاید یکی از کسانی باشم که در توضیح عادلانه بودن مسئله، فلسطین و وابستگای که وجود دارد برای مسئولین و برادران کوتاهی کرده باشم.

اما در اینجا اعلام میکنم شعار "امروز ایران، فردا فلسطین" که در ابتدای انقلاب مطرح شد اگر این جنگ ظالمانه نبود، بدون شک تمامی تفنگها، تفنگهای شما و تفنگهای دیگران بسوی دشمن نشان میرفت و هیچ گاه این تفنگها در این جنگ مشغول نمیشد. هنگامیکه به پشت زهر میروم بیانه دیگری شهرها آرزو میگردم همه در مرزهای فلسطین شهید میشوند اما ما میدانیم که این توطئه آمریکا بود که باعث شد تا این تفنگها جهت خود را عوض کنند و جنگ به این صورت ادامه یابد. ولی من امیدوارم تمامی تفنگها و در رأس آن تفنگهای برادران انقلابیون مسلمان ایرانی بسوی دشمن صهیونیست و همبیمان امریکائیش نشانه رود.

التمه ما در این زمان در تهران شب و روز در راه بسوی روابط خود فعالیت میکنیم چون این سستی روابط نمیتواند طبیعی باشد. ما تلاش میکنیم با دور افتاده ترین کشورها در قلب آفریقا رابطه برقرار کنیم. حال چگونه روابط خود را با کشورهای ملتی که رهبر عظیمی مثل امام دارند و انقلابی را پیروز کرده اند که پشت آمریکا را میبرند

وی در قسمتی از سخنان خود گفت: محک حقیقی برای ارتعاشی و بیثربودن کشورها، کمکی است که این کشورها به انقلاب فلسطین میکنند و ما پس از دریافت این کمکها برای ادامه انقلاب و کمک به آوارگان و کمک به مبارزان شده گان، استفاده میکنیم ملت ما ملت رنج دیده است، این را بدانید مسیح حقیقی ما هستیم، این را بدانید که

صلاح زواوی: کشمکش میان حق و باطل بسیار سخت و پیچیده و طولانی خواهد بود. اما بهاری خداوند این امت پیروز خواهد بود. به طوریکه سلیمان خاطر سربا ز قهرمان مصر در صحرای سینا ادامه ایستادگی کشمکش را اعلام نمود.

در آورده اند، چگونه خواهیم به این انقلاب پشت کنیم. من با تقاضای تمام موهب عنوان یک انسان مومن میگویم که در جهت قرارداد ایران و فلسطین در یک صف واحد تمام تلاشهای خود را بکار خواهیم برد. این رهبری و این ملت که در راه فلسطین به زندان افتاد فلسطین را فراموش نخواهد کرد... ملتی که به آزادی و قدس میزید، طبیعی است که ما با این ملت در یک صف واحد هستیم. من مطمئنم این جنگ روزی به پایان خواهد رسید، و همه تفنگهای خود را بسوی دشمن صهیونیست نشان خواهیم رفت. من مطمئنم آن چه باقی میماند کشمکش و نبرد و تفنگها نیست که بسوی صهیونیست و متحد آمریکا کشیش نشانه رود.



کردند ولیکن ما این مسئله را با احترامی که به مردم ایران قائلیم انجام ندادیم. علیرغم فشارها و تکیه ها ما در این رابطه او را رد شد. روابط ما با کشورها بر اساس مصلحت فلسطین است.

دشمن میگوید ما زمان آزادی بخش فلسطین را به هیچ وجه به رسمیت نخواهیم شناخت حتی اگر این سال زمان قطعنامه ۲۴۲ را بپذیرد. و حتی اگر ما را به رسمیت بشناسد... ما فقط در میدان نبرد با آنها ملاقات خواهیم کرد. و قتی که میگویند قطعنامه ۲۴۲ ما زمان نبرد را بپذیرید، یعنی بپذیرید شما نماینده فلسطینیها نیستند و چایی در این گفتگو ندارید.

در باره خیانت رهبران فلسطین و معامله روی فلسطین سؤال شد که سفیر فلسطین جواب داد: ... مطمئن باشید شما نسبت به فلسطین از ما حریص تر نیستید و نمیتوانید حریص تر باشید. حال اگر از روی دلسوزی میگویند مطمئن باشید کسانیکه از ۷۰ سال پیش مبارزه را شروع کردند آنرا متوقف نخواهند کرد و هیچ نیرویی نمی تواند این مبارزه را متوقف کند... این کشمکش هنگامی متوقف خواهد شد که یکی از طرفین حذف شود.

محک حقیقی برای ارتعاشی و بیثربودن کشورها، کمکی است که این کشورها به انقلاب فلسطین میکنند و ما پس از دریافت این کمکها برای ادامه انقلاب و کمک به آوارگان و کمک به مبارزان شده گان، استفاده میکنیم ملت ما ملت رنج دیده است، این را بدانید مسیح حقیقی ما هستیم، این را بدانید که

حسین حقیقی ما هستیم که در کربلاهای زمان با هزاران جا قوس بریده می شویم. این مثل هستیم که در مقابل دیده گان تمام مسلمانان، تمام اعراب روزانه حسین وار قتل عام می شویم و تمامی مسلمانان و تمام اعراب و تمام آزادگان در برابر این قتل عام و این خونریزی مشغول هستند.

سوالی در باره روابط با انقلاب اسلامی مطرح شد که آقای زواوی در پاسخ گفت همه میدانیم انقلاب فلسطین پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار ملت مظلوم ایران بود و انقلابیون مسلمان ایران در کنار انقلابیون فلسطینی آموزش میدهند، تا با دشمن مشترک مبارزه کنند، ما هیچگاه نقش حضرت امام خمینی را که از سالهای پیش مسئله عادلانه بودن فلسطین را برای مردم ایران توضیح میدادند، فراموش نمیکنیم. و این آگاهی چگونه منجر به پیروزی انقلاب اسلامی و بیرون راندن آمریکا ثانی از این

عربی که به عراق نیز رفتند، تا با شنیدید که حتی یک کودک فلسطینی سلاح برگیرد و سر علیه شما بچنگد؟ این غیر ممکن است. حضور ما در بسیاری از کشورهای عربی وجود دارد ما در یادگانها شیکه در این کشورها داریم به آموزش نظامی میبریم و اجازه نمیدهیم که هیچکدام از این کشورها در مورد داخلی این یادگانها دخالت کند. در مقابل ما نیز در مورد داخلی آنها دخالت نمیکنیم. حضور ما در این کشورها به معنی پیروی از سیاست های این کشورها به هیچ وجه نیست. ما تمام جنگمان در منطقه عربی حفاظت از استقلال و دستگیری از فلسطین است... ما حاضریم اگر بپذیرید دانشجویان فلسطین را برای تحصیل به ایران بیاوریم. ما آماده تمام این مسائل هستیم. ما مطمئنیم که ملت ایران به مسئله فلسطین عشق میورزد. پس ما میخواهیم دوست داریم که در میان عاشقان مسئله فلسطین باشیم دوست داریم تا در میان عاشقان مسئله فلسطین آموزش ببینیم. آموزش ببینیم تا با دشمن صهیونیسم به رویا روئی بپردازیم ما میخواهیم تا که در دانشگاهها به سروری دانشجویان فلسطینی گشوده شود. خیلی هم خوشحال خواهیم شد. مثلاً برای نمونه بگویم ما در سرزمین اشغال شده مواجه با بحران افزایش تعداد کسانیکه هستیم که خواستار آموزش عالی هستند. مثلاً شوروی میگوید ما حاضریم ۵۰۰ بورس به شما بدهیم، کشور دیگری میگوید ۳۰۰ بورس به شما بدهیم. آیا میتوانیم به دانشجویان فلسطینی بگوئیم بروید، و در این کشورها تحصیل نکنید؟ به هیچ وجه ما نمیتوانیم چنین درخواستی را از آنان نکنیم. لیکن نمیتوانیم تضمین کنیم که دانشجویانی که به این کشورها میروند مطابق افکار این کشورها بازنگردند. هیچ ضمانتی برای این مسئله وجود ندارد. پس دانشگاههای خودتان را به روی ما باز کنید. ما نیروهای دریا کستان، سنگلادش و دیگر کشورهای عربی داریم. هنگامیکه آیه الله منتظری گفتند که دانشگاه قدس را برای تحصیل دانشجویان فلسطینی افتتاح کنید، ملت فلسطین در اردوگاهها، بسیار خوشحال شدند و این اقدام بسیار بسیار حکیمانه و به جا بود. مثلاً عراق به ما کمک را دیومیدهد. یا فلان کشوری که دیومیدهد شما دورا دیومیدهد. فلان کشوری که ما صد یادگان میدهد شما دورا بیاورید. دیگر کشورهای ما امکاناتی میدهند شما چند برای آنرا به ما بدهید تا ما محبوسه استفاده از این امکانات نباشیم....

حال اگر شما شنیدید روزی این را دیومها منعکس کننده سیاست این کشورها بود، شما آن موقع به ما انتقاد کنید. اگر شما روزی شنیدید که رادیوی ما در عراق یا در سایر کشورهای به انقلاب اسلامی انتقاد بکند، آن موقع شما به ما اعتراض کنید. مطمئن باشید که ما چنین کاری را نخواهیم کرد. ما بایلمن در این بنا بگویم همینطور که ملت ایران عاشق فلسطین است ما نیز میتوانیم در میان عاشقان خود باشیم. من تمام آن چیزی را که حضرت امام از سالهای گذشته در باره فلسطین گفته اند، مطالعه کرده ام و امیدوارم دست به دست هم بدهیم و این سخنان را الگوئی برای مبارزه با دشمنان خود قرار دهیم.... بسیاری خواستار انتقال مقر فرماندهی ساف به بغداد شدند و به ما این پیشنهاد را

کسانیکه تبعیت از قرآن می کنند در نظر داشته باشند که باید تا آنجا که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم بر داشته شود

استراتژی ذکر و ...

از ذکر خدا که مبنای هر حالت زندگی است به تفکر در خلقت آسمانها و زمین می پردازند. برای اولوالالباب که صاحبان واقعی خرد و اندیشه هستند، ذکر و فکر و مقوله خدا از یک یکرودرد و حوزه عمل و ذهن قرار ندارند بلکه هر دو با یک یگر رابطه داشته منتها آنچه مبنای تفکر و محک آن است ذکر خداست.

اینکه ذکر چگونه مینا میشود و تاثیرش در روش تفکر چیست؟ در قسمت بعد آیه مشخص تر شده است. در قسمت بعد می فرماید: **ربنا ما خلقت هذا باطلا**. یعنی زمین که: **ربنا ما خلقت هذا باطلا**. یعنی نگرشان پرنا (ذکر خدا) و ما خلقت هذا باطلاست. ممکن است گفته شود که این ربنا ما خلقت هذا باطلا نتیجه تفکر و فکر و استنباط و جمع بندی از آیات خلقت است. همچنانکه عمده متفکران اسلامی نظرشان چنین است که هدفداری خلقت امری است که در نتیجه مشاهده آیات و نظام جهان بدست می آید یعنی نخست باید تفکر کرده آنگاه به هدفداری پی برد. با این حساب ربنا ما خلقت هذا باطلا یک قول است و باید می فرمود **بتفکر فی خلق ...** و بقولون ربنا ... در حالیکه فرموده بقولون و نشان میدهد که این گفتار و قول آنها نیست بلکه زبان دل و فکر آنهاست که در نتیجه ذکر خداوند و تفکر در خلقت نگرشان چنین قرار میگیرد که **... آری ذکر ربوبیت خالق متعال و تفکر در خلقت او اولوالالباب جاری است و اینها به هر چه نظر کنند اینگونه نظر میکنند که آنرا آیه دیده و به یاد خدا و عبث نبودن جهان**

میرسند .
(۱) نتیجه اینکه علیرغم آن عده که قرآن را فقط بیدار کننده احساس مذهبی و عواطف انسانی الهی میدانند و احکام و شرایع را در این جهت میدانند ولی بصری اندیشه انسان متدهای بشری و غیرقرآنی و از خارج آن انتخاب میکنند. قرآن خود هم بیدار کننده قطرات است و هم آرائه دهنده روش فکر.
(۲) ذکر در قرآن مبنای تفکر و اندیشه خلقت است.
(۳) تفکر در خلقت از نظر قرآن که باید ذکر خدا مینا باشد همان یادآوری هدفداری جهان است.
(۴) با این روش بیدارنده های خلقت آیات خداست و اولوالالباب (اندیشمندان واقعی) اینچنین می بینند.
(۵) اولوالالباب کسانی نیستند که مناطق یونان و یا منطق دیالکتیک و سایر روشها ی بشری را به قرآن تحمیل کنند بلکه اولوالالباب کسانی هستند که همه اشیا را آیات دیده و مبنای فکرشان ذکر خدا در همه حال و سیر فکرشان مبتنی بر هدفداری جهان که امری فطری است می باشد. لذا هرگاه در روش و یا حالتی و یا خط مشی یاد خدا و ذکر او نباشد آن خط مشی خردمندانه و عاقلانه نیست بلکه شیطانی است.
(۶) ذکر خدا در روشها و همه حالات همان است که بتوانیم هر چیزی را آیه و تحلی صفات پروردگار ببینیم و بتوانیم آنرا برای دیگران توضیح و تشریح نمائیم و نگرش فکرمان قابل آموزش و تعلیم و تعلم نخواهد بود. لذا مجبور خواهیم شد به آموزشهای غیر الهی و بشری روی آوریم. و این مهمترین وظیفه کونی متفکرین اسلامی است. امید است که بتوانیم به منطق توحید و روش شناخت اسلامی دست یابیم و از روشها و منطقهای دیگری نیاز شویم.

انشاء الله . والسلام

افغانستان

۱. ز طریق مذاکرات و بازگشت آبرومندان به بیش از ۳ میلیون آواره افغانی افغانستان توفیق یابده
رادیو سلطان بزرگ ۶۴/۹/۳۰

معاون وزارت امور خارجه آمریکا در امور شرق نزدیک: بر اثر قدرت نظامی محاهدین و فشار سیاسی جهان، شوروی به حقایق پی برده است.
یک راه حل اساسی برای مسئله افغانستان وجود دارد: "حل و فصل مشکلات از طریق مذاکرات دیپلماتیک که آن زمانی امکان دارد که شوروی از افغانستان خارج شود".
باید رفتار در دو حیطه حساس ادامه داده یک دیپلماسی و دیگری در صحنه سرد.
رادیو سلطان بزرگ ۶۴/۹/۲۹

در افغانستان پربشانی زندگی روستایی کم بود مواد غذایی راست شده است روستا نشینان اکنون خودگرسنه هستند، سماربها بی مانند سل و سرخک شیوع یافته است.
نیروهای مقاومت سعی میکنند زهایمترکی و غذایی را فراهم کنند بزشان فرانسوی به نام بزشان بدون مرز، در درو افغانستان به مدوا مشغولند.
دولت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۰ تاکنون مبلغ ۴۳۰ میلیون دلار به مردم افغانستان کمک کرده است؟
در سال جاری برای تهیه بذر و وسایل کشاورزی دولت آمریکا ۱۵ میلیون دلار خرج

رادیو بی بی سی ۶۴/۱۰/۵

در حملات وسیع نیروهای شوروی و دولتی افغان به محاهدین سعی بر این بوده است که تراکز فعالیت محاهدین افغان منهدم شود و یکی دیگر از اهداف این عملیات آن بود که راه ورود و خروج نیروهای جریکی به پاکستان و ایران مسدود شود.

توطئه به سازش کشاندن نیروهای محاهدین
برآودا:

دولت افغانستان آماده است تا نمایندگان اقشار مختلف مردم را در حکومت و اداره کشور شرکت کند.
سازمان ملل جنی بیس با صدور قطعنامه ای دخالت شوروی در افغانستان را محکوم کرد بدسال آن مسکو بیش از اخلاس رنگان و گورباچف اعلام کرد که علاقه ای به حفظ نیروهاش در افغانستان ندارد.
در ششمین دوره مذاکرات ژنو: دولت افغانستان راه داد تا برای نخستین بار موضوع خروج نیروهای شوروی همزمان با عملات جریکی از داخل مرز ایران و پاکستان مطرح شود.
ما موریت گردوز در ایس سری مذاکرات است که در امر خروج نیروهای شوروی با توافق

بمناسبت پنجمین سال شهادت مجاهد شهید مسعود براتی گودرزی

شهادت

پروای شهید



بسم الله رب الشهداء

۱۸ بهمن سال ۱۳۸۹ مسعود براتی گودرزی در شرف سوستگرد، روستای آلوعفر - به جنوسی در یک عمل تهاجمی - نفوذی علیه متجاوزین کافر یعنی شرکت جست و در حالیکه عباس و ابرای امداد رسانی به همسگر مجروحش از بناگاه سرور آمد و بر اثر اصابت ترکش خمیازه به قلبش به شهادت رسید.

مذت کوناهای بی شهادت این سو عمل شریعت، مجلسی در تجلیل از مقام این عزیز تشکیل یافت که در این مجلس شهید علی اکبر توکلی در باب مقام شهید و ضرورت کار سروری زندگی شهید مسعود مالاذیل را صحبت کردند. به واقع که کسی سبتر از شهید در مورد شهید هم زمش نمیتواند سخن بگوید.

"شهادت یک شهید در واقع مرحله ای است که شهید یک بروسه راه با بیان رساننده و وارد یک بروسه جدید و متعالیتر میشود بروسه دنیای مادی را طی کرده و سه مرحله ای از رشد رسیده که بروسه اش را عبور میکند و در مرحله و جهان دیگری مرحله جدیدی را آغاز میکند.

چون شهید در جنگ شرکت کرده در اطلسی ترس تضاد، تضاد اسلام و کفر شرکت کرده است و اینرا اصلیترین تضاد شناخته شده است و برای خودش نیز تبیین کرده و عمل صالح دانسته، برای عمل صالح نیسی تبیین داشته و بکسری شومه ها و اصول را هم در این رابطه داشته و استفاده کرده است.

بنابراین یک شهید بروسه ای که طی کرده تا به مرحله شهادت رسیده هرا حظه فطری تر بوده و هرا حظه فطری تر شده و هر لحظه به اصول نزدیکتر شده. همان اصول فطری و خدائش.

یک شهید بنظر من شهادتش موقعی اتفاق

میافتد که در فطریترین مرحله باشد. در فطریترین مرحله شهادتش اتفاق میافتد. در نزدیکترین مرحله به خدا، آن هنگام اتفاق میافتد.

بنابراین ما اگر بتوانیم اصول و شیوه های شهید را، فطری بروسه، تا زمانیکه به شهادت میرسد، برای مردم موشکافی کنیم میتوانیم کلیه بن بستها و گمراهی که در بسج مردم وجود دارد حل کنیم.

زیرا یک شهید که در عمل صالح شرکت داشته، برای خودش تبیین داشته و تبیینش نیز یک تبیین فطری بوده، تبیین اصولی بوده و هرا حظه اصولی تر شده تا به مرحله شهادت رسیده.

چون فطری بوده اگر ما هم بتوانیم او را برای مردم باز کنیم فطرت مردم را نیز بیدار میکنیم و موجب بسج اصولی مردم میشود.

قسمتی از وصتنامه شهید مسعود براتی گودرزی:

بدرود مادر عزیزم در زمان امام حسین (ع) مردم کوفه به امام پشت کردند و او را تنها گذاشتند، ولی خدا ناپیش امام خمینی که راه او را مسرود و فریاد کمک برسد همدما او را مثل مردم کوفه تنها نخواهم گذاشت بلکه قطره ای از دریای بکران شهیدان را هاش خواهیم بود.

ترکیه صفات اهل کوفه، همان صفاتی که به مرور زمان به بیوفایی و عهد شکنی و عاقبت طلسی و افعال انجاسانان از جهادهای کمرچنگ اسلام و کفر برای تمامی بیروان امام خمینی میباشد. که انشاء الله در شماره های بعد راه مجاهد به شرح صفات اهل کوفه و مسیر شهید مسعود در راه نفی این صفات مطالبی خواهیم آورد.

هر عملی که از جانب امپریالیسم در هر شکل و هر مقطع زمانی صورت میگیرد هدفی جز ساده اندیشی ساختن مردم جهان سوم و جلب حمایت رهبران نهضت های مردمی نداشته و نخواهد داشت.

میکند ارائه کمکهای انسان دوستانه ادای احترام دولت ایالات متحده به مملکتی است که از استقلال خود دفاع میکند

راه محاهد: تعمیق نهضت مقاومت مسلمانان افغانستان عامل اصلی تغییر مواضع سطحی شوروی در زمان حاضر میباشد سی شک و حشت غرب و شرق، از رادیکالیزه شدن منطقه جنوب شرقی آسیا بواسطه رشد و گسترش انقلاب افغانستان مهمترین عامل برای تلاش اسر قدرتها در دستیابی به راه حل دیپلماتیک برای مسئله افغانستان است.

آمریکا درسی آموخته با حصول اطمینان از حاکمیت یافتن جریان میانه رو در انقلاب مقدمات خروج شوروی را فراهم آورده منظور غرب و آمریکا از فشار نظامی

تکیه بر سلاحهای پیچیده آمریکایی و غربی در یک جنگ کلاسیک میباشد این در حالی است که تغییر متی محاهدین افغان از جنگ جریکی با سلاحهای خودکفا و خودیاری (غنیمت گرفته شده) به جنگ کلاسیک گامی خطرناک در جهت عدول از اصول انقلابیگری و حرکتی مهم بدست وابستگی به غرب میباشد.

در این راستا ارزیابی کمکهای ایالات متحده کار آسانی است اگرچه به ارقام اعلام شده توسط آمریکا بایستی یادیده ناباوری نگریست اما مطلب مهم این است که هر عملی که از جانب امپریالیسم در هر شکل و هر مقطع زمانی صورت میگیرد هدفی جز ساده اندیشی ساختن مردم جهان سوم و جلب حمایت رهبران نهضت های مردمی نداشته و نخواهد داشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

ضرورتها :

۱- سرمشق برای زنان انقلاب :

ام سلمه سرمشق زنان انقلاب

در این مقاله به معرفی زن مبارز و مسلمانی می پردازیم که از چهره های درخشان صدر اسلام می باشد .
در حالیکه ما الگوهای غربی را نفی می کنیم لازم است در مقابل، الگوهای اسلامی و جایگزین را معرفی کنیم . بسیاری از زنانی که میتوانند برای جامعه ما الگوی مناسب باشند متأسفانه ناشناخته مانده و در حجاب قرار دارند .

۲- عمده کردن مسئله حجاب در ازبکستان

در شرایط فعلی برخی مسئله حجاب را عمده می کنند . در حالیکه ما مسائل اساسی چون جنگ اسلام و کفر، خودکفایی، استقلال و مبارزه با دستهای مرموز و شیوه های غیر اسلامی و ... داریم . اینها هر چند وقت یکبار تظاهراتی علیه بی حجابی راه انداخته و اذهان مردم را باین مسئله مشغول میکنند و در نتیجه از امور فوق بازمی دارند . این جریان با عمده کردن مسئله حجاب دشمن اصلی را کم فراموش می کند چنانچه دیده شده با ملاک بی حجابی و با حجاب حتی تاریخ را هم تحلیل کرده اند . بطور مثال آیت الله خزعلی در سخنرانی پیش خطبه نماز جمعه در مورد مرحوم " اقبال لاهوری " چنین گفت :
زمانی که دولت انگلیس به مرحوم اقبال پیشنهاد

۳- حل تضاد خانواده و انقلاب

یکی از مشکلات شرایط فعلی تضاد بین خانواده و انقلاب است که مبتلا به اکثر نیروهای انقلابی و مسئولین می باشد . نیروهای انقلابی هم از زن و مرد از طرفی میخواهند دیگر دارای خانواده بود و میخواهند مشکلات و مسائل روزمره خانواده را نیز رسیدگی کنند . دیده شد که برخی به انقلاب پرداخته و از خانواده خود بازمانده اند و بالعکس برخی دیگر به خانواده اصالت داد و تمام نیرویشان مشغول شده و از خدمت به انقلاب اسلامی محروم شده اند .
نیروهای انقلابی به فرمولی نیاز دارند که در عین فعال بودن در صحنه انقلاب مسائل خانواده خود را نیز به شکل صحیحی حل نمایند بدنبال این نیاز بود که مادری شناختن خانواده های صدر اسلام چون حضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و زنان و مردان انقلابی برآمدیم تا در عین اصالت دادن به انقلاب و امور مسلمین ، خانواده خود را نیز به نحو صحیحی اداره کنیم .

معرفی اجمالی ام سلمه :

ام سلمه ، دفاع از حق را بر تمام مصالح فردی ترجیح میداد . چنانچه دفاع از حق حضرت فاطمه (س) باعث گردید خلیفه بمدت یکسال مقرری او را قطع نماید

کرد سلطنت افریقای جنوبی را بپذیرد .
مرحوم اقبال سؤال می نماید که آیا باید همسرم نیز بی حجاب در جلسات شرکت کند؟ میگویند بلی . مرحوم اقبال به این دلیل از پذیرفتن سلطنت منصرف میشود . آیت الله خزعلی در ادامه صحبت خود از این حرکت اقبال تجلیل بعمل آوردند متأسفانه ایشان در تحلیل خود به ماهیت امپریالیستی انگلستان توجه نکردند . حال آنکه سازش با انگلیس استعمارگر خیانتی است آشکاره به مردم مستضعف چه با حجاب و چه بی حجاب البته ما در اینجا به صحت و سقم قضیه کار نداریم .
در این مقاله برآنیم که به معرفی یکی از چهره های اصیل اسلام بپردازیم و رسالت اصلی زن را در زندگی ام سلمه دریابیم .
به این امید که با افراد ساده اندیش این جریان که رسالتی جز حجاب برای زن قائل نیستند برخوردی کرده باشیم ، تا سبب نباشد جریانات انحرافی نیفتند .

ویژگیها و شیوه های ام سلمه

۱- شرکت در عمل صالح زمان و استمرار در آن

ام سلمه همراه پیامبر در جنگها شرکت می نمود و با آبرسانی در جبهه ها و مداوای مجروحین

چنین کن هر چه باشد آنها پیامبری تورا پذیرفته اند .

پیامبر "ص" بید رنگ شتری را قربانی نمودند و به فردی گفتند سرشان را بتراشد . بقیه مسلمانان نیز چنین کردند و همه روانه مدینه شدند .

در این جریان ام سلمه علیرغم اکراه اکثریت از قبول دستور پیامبر ، بدون اینکه در مقابل جو مردد شود قاطعانه در پی انجام وظیفه الهی است . این چنین قاطعیت و مدبریتی کمتر در زنان که رقیب القلب هستند دیده میشود .

۳- حفظ ثبات عقیدتی ، سیاسی ، ثبات اقتصادی

یکی دیگر از ویژگیهای ام سلمه این بود که دفاع از حق را بر تمام مصالح فردی ترجیح میداد . چنانچه در دفاع از حق حضرت فاطمه "س" و حضرت علی "ع" تردیدی بخود راه نداد و در برابر خلیفه قدرتمند وقت ایستاد و از امامت حق دفاع نمود . اگر چه این عمل او باعث گردید خلیفه بمدت یکسال مقرری او را قطع نماید . معمولاً بسیاری از زنان نگران آیند

مسلمانان را یاری میکرد . در زمان حیات پیامبر پیوسته مدافع آنحضرت و مسلمانان بود و پس از رحلت پیامبر نیز مدافع امامت حق بود . برای مثال وقتی عایشه میخواست از موقعیت او به عنوان همسر پیامبر سوء استفاده کند و او را به خونخواهی عثمان فرا خواند تا علیه حضرت علی (ع) بجنگد نه تنها او را همراهی نکرد بلکه عایشه را سرزنش نمود و با یادآوری سخنان پیامبر در دفاع از حضرت علی (ع) او را از این اقدام بر حذر داشت .

دفاع از حضرت فاطمه (س)

هم چنین در جریان سقیفه وقتی عمر به خانه حضرت فاطمه (س) آمد تا با زور و فشار از علی

در شرایط فعلی ، برخی مسئله حجاب را عمده میکنند در حالیکه با مسائل اساسی چون جنگ اسلام و کفر ، خودکفایی ، استقلال ، و مبارزه با دستهای مرموز و شیوه های غیر اسلامی و ... کاری ندارند .

۱- بیعت بگی ام سلمه به دفاع از حضرت فاطمه (س) پرداخت و از حق فاطمه و علی (ع) در برابر خلیفه وقت سخن گفت . و به ابوبکر که خود را جانشین پیامبر میدانست و مدعی پیروی از آن حضرت بود ، سخنان پیامبر را در حمایت از حضرت علی و حضرت فاطمه گوشزد نمود .

ام سلمه پس از شهادت امام علی علیه السلام از امام حسن و امام حسین همیشه دفاع مینمود .

۲- تسلیم به تکلیف الهی

در سال ۶ هجری پیامبر با مسلمانان عازم حج شدند ، اما کفار مانع زیارت شدند و هر چه پیامبر "ص" سعی نمود آنها را قانع سازند که مانع زیارت نشوند آنها نپذیرفتند و راه را همچنان سد کرده بودند . سرانجام پیمانی بین دو طرف بسته شد که یکی از مفاد شرایط بود که در آن سال مسلمانان از سفر مکه چشم پیوشند و در عوض سال بعد به زیارت خانه خدا بیایند . از این پیمان اکثر مسلمانان ناراضی شدند و هنگامی که پیامبر امر کرد لباس احرام را در آورده و به مدینه بازگردند آنان تمرد نمودند . در این هنگام پیامبر "ص" نزد ام سلمه آمد و به او گفت مسلمانان هلاک شدند چون دیگر دستور مرا بکار نمی بندند .

در حالیکه مردان بزرگ در میان همراهان پیامبر "ص" بود پیامبر با ام سلمه مشورت می کند . ام سلمه میگوید : یا رسول الله معذورتان بدار مسئولیت تو در این پیمان سنگین است ، بدون زیارت بازگشتن آنها را عصبانی کرده است خود

اقتصادی خود و فرزندانش می باشند و بدنبال راهی هستند که آینده شان را تضمین کنند بخصوصی که سرپرستی نداشته باشد .

ام سلمه را می بینیم در حالیکه سرپرستی ندارد عقیده خود را فدای ثبات اقتصادی نمی کند این شیوه ام سلمه نه تنها برای زنان انقلابی ایران بلکه برای مسئولان انقلاب اسلامی میتواند رهنمود باشد .

در شرایط فعلی ، جمهوری اسلامی با استمرار درگیری با امپریالیسم ، ثبات اقتصادی با قطع صدور نفت به خطر خواهد افتاد .

رهنمود ام سلمه برای ما این است که به ثبات اقتصادی اصالت ندهد و در راه حفظ عقیده و تدوام انقلاب ثبات قدم داشته باشیم .

در ادارات ما نیز بسیاری از کارمندان ، از تخریب اخراج شدن و برهم خوردن ثبات اقتصادی خود در مقابل شیوه های غیر اسلامی موضع نمی گیرند و اصولاً کاری به حق و باطل محیط کار خود ندارند و بتدریج عقیده خود را فدای ثبات اقتصادی خود می نمایند و تبدیل به انسانهای بی تفاوت می گردند .

برای این دسته هم شیوه ام سلمه می تواند همدار دهنده باشد .

۴- استمرار در عمل صالح

خیلی ها در عمل صالح شرکت می کنند ولی کمتر استمرار و تدوام می دهند . بقول ظریف ، انقلابی بودن مهم نیست انقلابی ماندن مهم است . بعنوان مثال برخی پس از چند ماهی که در جنگ شرکت نمودند منفعلی میشوند و می گویند

قرارداد کنسرسیوم نفتی از منتهی

در حالیکه در همان زمان در کشورهای منطقه مثل ترکیه اسرائیل، پاکستان، هندوستان که بهره برداری از نفت طبق قوانین مخصوص توسط شرکت های خارجی انجام می گیرد، در صورت بروز اختلاف، شرکت های طرف مقابل حق رجوع به حکمیت دادگاه های خارجی ندارند و باید به مراجع قضائی محلی رجوع کنند یعنی کشورهای منطقه حاضر نیستند همان استقلال ظاهری خود را از دست بدهند ولی متأسفانه حکومت ایران با آن همه مبارزات بدست عده ای خائن می افتد و آنها کشور را برخلاف استقلال و خود کفائی بدست کنسرسیوم می دهند در حالی که کشور ایران در رابطه با نفت سابقه مبارزاتی داشت و خود پیش از ملی کردن نفت در منطقه خاور میانه بود.

مطلب قابل ذکر دیگر این است که شرکت های عامل نفت طبق قوانین هلند تأسیس می شوند و حتی دفتر مرکزی این شرکت ها در خود هلند قرار می گیرد.

ایران صاحب نفت است ولی کنسرسیوم بر اساس قوانین کشورهای دیگر برای ایران قانون تأسیس می کند و قرارداد می بندد در ضمن دفتر مرکزی را در هلند می گذارند و خواه ناخواه اختلافات هر دو طرف محاکم هلند باید رسیدگی شود و این برخلاف حق حاکمیت ملی ایران است.

۶- بررسی اقتصادی قرارداد

یکی از مسائل اقتصادی مهم در قرارداد مسئله غرامت است. شرکت نفت ایران و انگلیس اولین شرط را برای جلوگیری از مسئله غرامت میدان آنها میگویند: ایران باید بابت ملی کردن تأسیسات نفت و اینکه در این مدت سه سال انگلیس نتوانسته از ایران نفت ببرد غرامت بپردازد زیرا انگلستان مجبور شده از خارج نفت بخرد و در کشور خود شش تصفیه نماید و به مشتریان بفروشد و تحمل ضرورتان شده است حتی استفاده های باقی مانده که با یک در این سه سال می برده و نبرده است لذا همه را با هم جمع می کند و مبلغ ۲۵ میلیون لیره از ایران غرامت می خواهد.

در همان زمان ایران ۵۱ میلیون لیره از انگلستان غرامت می خواست اما شرکت نفت ایران و انگلیس می گوید: ایران نه تنها باید ۵۱ میلیون لیره را فراموش کند بلکه لازماً ۲۵ میلیون لیره هم بعنوان غرامت بپردازد. نکته ای که قابل ذکر است این است که اعضای کنسرسیوم برای شرکت نفت ایران و انگلیس مبلغ یک میلیارد دلار بعنوان سر قرض تعیین کردند. در قرارداد کنسرسیوم چهار درصد سهام مستقیماً در اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس بود لذا ۴۰۰ میلیون دلار از سر قرضی سهم شرکت نفت ایران و انگلیس می شد.

در نتیجه شرکت های دیگری با بیستی ششصد میلیون دلار بقیه را که معادل ۲۱۴ میلیون لیره بود به شرکت نفت ایران و انگلیس می پرداختند.

خبرگزاری فرانسه از نیویورک نحوه پرداخت این سر قرض را بدینسان شرح داده بود: شرکت سابق نفت مبلغ ششصد میلیون دلار از هفت کمپانی که در کنسرسیوم شرکت دارند خواهد گرفت بدین ترتیب به معنی تصویب

قرارداد از طرف مجلسین ایران شرکت های مزبور مبلغ نود میلیون دلار در سه نوبت به شرکت سابق خواهند داد ۵۰۰ میلیون دلار بقیه را در عرض سی و پنج یا چهل سال خواهند پرداخت و شرکت سابق از هر چلیک نفت که از ایران صادر خواهد شد یک دلار می گیرد تا مبلغ ششصد میلیون دلار مستهلک شود. حساب کردند در عرض چهل سال آینده باید ده میلیارد باری (هر ۷/۵ باری یک تن می شود) یعنی ده هزار میلیون چلیک نفت بپردازند تا این ششصد میلیون دلار مستهلک شود.

شرکت نفت فرانسه که دارای ۶٪ کلیه سهام کنسرسیوم میشود مبلغ شصت میلیون دلار به شرکت سابق خواهد پرداخت که ۹ میلیون دلار آن در اولین سال پرداخت می گردد.

مسئله یک میلیارد دلار آنقدر فضا حست داشت که دولت کودتا حاضر نمی شود آنرا در مجامع بین المللی قبول کرده و به آن اعتراف کند. دکتر امینی وزیر دارائی در مجلس گفت که اساساً یک میلیارد دلار در بین نیست و در قرارداد چنین مطلبی نیست. اگر خودشان با هم قراری گذاشته اند با هم بوط نیست در حالیکه اگر کمی وقت کنیم متوجه می شویم این ششصد میلیون دلار که از استخراج نفت بدست می آید به صورت غیر مستقیم به عهده ایران است چون باید نفت استخراج کنند تا بتدریج این ششصد میلیون دلار مستهلک شود و این کار استثمار دیگری از مردم محروم ایران است در حالیکه طبق قانون ملی شدن صنعت نفت صاحب نفت، ایران بوده و سر قرضی تأسیسات هم به ایران تعلق می گرفت نه شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس. ولی دولت کودتا بهتر از این نمی تواند به اربابها بپردازد کند. چنانچه روزنامه پترولیوم تایمز مورخ ۲۰ اوت ۱۹۵۴ حقیقت امر را آشکار ساخته نوشت:

"ایران به خیال خود یک غرامت ناچیزی می پردازد و غافل از اینکه مبلغ بسیار بزرگتری را نیز که کنسرسیوم به شرکت ایران می دهد باید بتدریج، ایران بپردازد."

ظاهراً این بیست و پنج میلیون لیره غرامت بوده در حالی که وقتی مطلب را خوب باز کنیم می بینیم مبلغ حقیقی غرامت پرداختی حدود ۱۴۳ میلیون لیره بوده ۶۶ میلیون لیره بابت عدم التفع و خساراتی که طی سه سال از صنعت ملی شدن نفت در ایران به شرکت سابق نفت جنوب وارد شده، مبلغ ۱۰ میلیون لیره بابت تأسیسات نفت کرمانشاه و دستگاه های پخش داخلی پرداخت شده، مبلغ ۶۷ میلیون لیره بابت استهلاك تأسیسات نفت جنوب که برابر بند ۱ جز ۳ ماده ۶ قرارداد جزو هزینه های جاری کنسرسیوم منظور خواهد شد و مجموعه اینها می شود ۱۴۳ میلیون لیره جالب اینجاست دولت که غرامت تمام تأسیسات را می دهد نه تنها مالک و اختیار دار آن نشد بلکه تمام آن تأسیسات را مجاناً مادام العمر یعنی تا مادامیکه مورد استفاده هستند در اختیار کنسرسیوم قرار می دهد.

"هیچ" که رئیس هیئت نمایندگان کنسرسیوم است به خبرنگاران خارجی چنین توضیح می دهد:

نحوه عمل شرکت ملی نفت ایران با کنسرسیوم

مانند آن است که کسی مالک اتومبیل باشد ولی استفاده از آن را مادام که قابل استفاده است به دیگری واگذارد یعنی ایران هم فراموش تأسیسات را داد و هم آن تأسیسات را مجاناً در اختیار کنسرسیوم گذاشت که استفاده کند چون خود شکاره ای نبود یعنی کنسرسیوم اجازه نداد آن نفت خامی را که ایران به عنوان حق امتیاز دریافت می کرد در تأسیسات متعلق به خود شش تصفیه کند و به مشتریان محدود شش بفروشد. و به این ترتیب باندک رابطه ای هم شرکت ملی نفت ایران با بازارهای خارجی ایجاد کرده بود از میان رفت.

این نمونه ای است از رابطه ابرقدرتها با کشورهای مستضعف و تجربه ای باشد برای آنهاست که سنگ روابط اقتصادی با غرب را به سینه می زنند و نمی خواهند این ملت روی پای خود بایستد. اگر مسائل فوق در بین ملت مطرح شود خشم ملت برانگیخته خواهد شد که چه خیانتها می در حق او عمل آمده است نمونه دیگر این است که در طی ۴۵ سال یعنی از سال ۱۲۸۸ شمسی که بهره برداری از منابع نفت جنوب توسط شرکت نفت ایران و انگلیس آغاز گردید تا ۱۳۳۳ عایدات دولت

تنها چیزی که از قرارداد کنسرسیوم عاید ایران شد نصف عواید حاصله از نفت بود که ۱۲/۵٪ از آن به عنوان حق امتیاز و بقیه هم به عنوان مالیات پرداخت می شد و کشورهایی مثل عراق، عربستان سعودی بدون اینکه غرضی پرداخته باشند یا تأسیسات نفتی را خریداری باشند همان نصف عواید از نفت استخراج شده را دریافت می کردند.

متوجه می شویم که کنسرسیوم چک قرارداد بی نهایت ظالمانه و بی شرمانه است که بر سر یک ملت مبارزی که خواستند روی پای خود بایستند و بایستند و اقتصاد بدون نفت داشته باشند و خودشان آقای خودشان باشند و بهره و خدمت گزاره اجنبی نباشند این چنین تحمیل میشود. اما مسئله ای که امید بخش است مبارزات ملت ایران است که با تمام این فشارها ساکت نشست و با وجود یک ساواک تشکیل شد تا هر حرکتی را در نطفه سرکوب نماید و قیام ملی مردم را با خاک و خون کشد ولی بالاخره در سال ۱۳۵۷ با قیام پرشکوه ملت مسلمان به رهبری امام خمینی این رژیم کودتائی ساقط می شود و به همان سرعت قرارداد کنسرسیوم ملغی می گردد زیرا که قرارداد کنسرسیوم برخلاف قانون ملی شدن صنعت نفت است و کنسرسیوم به این امر واقف است ولی متأسفانه کسانی هستند که نمی خواهند

باید متوجه باشیم که وحدت و یکپارچگی این ملت است که در پناه اسلام و اعتقاد دین استقامت و اقتصاد بدون نفت و ارزشهای انقلاب و رهبری امام خمینی میتوانند جلوی این دشمنان خونخوار را بایستند

- انگلیس به این شرح بوده است:
- ۱- بدولت انگلیس عاید شده از طریق تفاوت قیمت نفت برای مصرف نیروی دریایی انگلستان ۵۰۰ میلیون دلار
 - ۲- ایضاً بدولت انگلیس پرداخته اند بابت مالیات بر درآمد ۱۰۰ میلیون دلار
 - ۳- یکبار دیگر بدولت انگلیس داده شده بابت سود سهام شرکت نفت متعلق به خزانه داری انگلستان ۱۸۰ میلیون دلار
 - ۴- بسیاری دارندگان سهام شرکت سود داده شده ۱۷۰ میلیون دلار
 - ۵- نزد شرکت نفت انگلیس و ایران بابت تأسیسات متفرقه در تمام اقطار جهان و نفت کپا در تمام اقیانوسها و سواه های گذشته شده در ۱۵۰ شرکت تابعه جهت اکتشاف نفتی و توسعه عملیات مانده ۲۷۰۰ میلیون دلار
 - جمع چهار میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون دلار در مدت ۴۵ سال عاید انگلستان شد. اما جمع کل وجوهی که به دولت ایران یعنی مالک اصلی منابع نفت، پرداخت شده ۵۰ میلیون دلار بود و با انعقاد قرارداد کنسرسیوم نه فقط این ۵۰ میلیون دلار را بنام غرامت از ما برگرفتند بلکه یک میلیارد دلار هم بابت سر قرضی نیز بحساب ملت ایران برداشت کردند با توجه به ماهیت شرکت های نفتی که هیچگونه حق برای ملت ما قائل نیستند آمارهای جز مبارزه با آنها و تلاش برای رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی باقی میماند؟ و آیا درست است که بابتیکه به درآمد نفت ناگزیر باشیم وابستگی اقتصادی خود را به این شرکت های خونخوار حفظ کنیم؟
- متوجه شمرات برپا حکومت در کمردق شوند که این قانون را با باری ملت به کرسی نشاند.
- کنسرسیوم بقدری کارش فضا حست با ربود که تا مدت ها به لغوی کجانبه قرارداد از سوی ایران اعتراض نمی کند ولی جدیاً شرایطی ایجاد شد که برای خود ثرایان حق را قائل شده است که در بهره بردار گاه لاهه ادعای خسارت کند شاید بدلیل دستهای مرموزی است که از داخل به جان انقلاب افتاده و نیروهای متعهد و معتقد را از صحنه بیرون میکنند و با سلاح مصرف و رفا می خواهند طبقه میانه را تشکل داده و وارد عرصه سیاسی مملکت کنند.
- این مطلب را از اینر توضیح دادیم که متوجه باشیم دشمن نه تنها غارت و جپاول می کند و حق ملتی را ضایعی نماید بلکه بمحضراتند موقعیت را مناسب بدید و احساس کرد که مبارزات مردم یک مقداری علی الظاهر به انفعال و رکود کشیده با اطمینان پیدا کرد که دست های مرموز توانسته اند در داخل نظام رخنه کنند و میخواهند شرایط وابستگی را فراهم نمایند جلوا آمده و طرح دعوا و ادعای خسارت کند باید متوجه باشیم که وحدت و یکپارچگی و وحدت کلمه این ملت است که در پناه اسلام و اعتقاد به استقلال و اقتصاد بدون نفت و ارزش های انقلاب و رهبری امام خمینی می تواند جلوی این دشمنان خونخوار بایستد و نگذارد آنان به اهداف پلیدشان برسند.
- ۷- نظرات شخصیت های مختلف
- در کمردق چندین صفحه از لایحه دفاعی خود را به انتقاد از قرارداد جدید نفت اختصاص داد لایحه وی در همان تاریخ از

خط مشی آمریکا تکیه به خط میانه و طبقه رفاه طلب است که عمیقاً حافظان نفتی بوده و از این موضع در مقابل حرکت های انقلابی و قهرآمیز ایستادگی میکند

صلح با سرکوب

دری از شهادت سلیمان خاطر

بنام خدای شهیدان

سادات معدوم صلح با اسرائیل را مطرح کرد و قرار داد کمب دویدرامضاء نمود برای توجیه گفته میشد، صلح با کافر در قرآن و سنت رسول اکرم (ص) آمده است (صلح حدیبیه)، گفته میشد، صلح کنیم تا بتوانیم اوضاع داخلی مصر را سامان دهیم و اقتصاد آنرا شکوفا سازیم. گفته میشد، صلح کنیم تا آرامش و امنیت برقرار گردد. اما دشمن قهار میگفت اگر صداقتی دارید و واقعا صلح طلبید بایستی شیوه های انقلاب و مخالف صهو نیزم را مهار و کنترل نمائید لذا سادات و مبارک سیاست سرکوب نیروهای انقلابی را در پیش گرفتند.

بدنبال امضاء قرارداد کمب دویدر نیروه های انقلابی مصر نیز حرکت مسلحانه خود علیه حکومت را آغاز کردند و امنیت و آرامش را از حاکمان مصر گرفتند. خلاصه کلام اینکه اسرائیل شیطان موفق شد، جنگ مصر با اسرائیل را به جنگ داخلی تبدیل نماید. از این جمله بود شهادت سلیمان خاطر شهادت او هشدار و درسی است برای ما و مخصوصاً مسئولین جمهوری اسلامی. در ایران نیز گاه و بیگاه مسئله صلح با صدام با ظاهری فریبنده مطرح میگردد. بد نیست بدانیم که در زمان بنی صدر در استان اومحرمانه با بعضیهای عراق تماس گرفته تا صلحی برقرار نمایند، ولی میدانید آنها چه گفتند؟

آنها گفتند تا زمانی که در نماز جمعه ها شعار "قدس و کربلا" داده میشود و مردم فریاد میزنند "وعده ما در قدس"، بوی صلحی از ایران به مشام مانمیرسد.

عراقیها با این منطق خود خواستند به بنی صدر بپنهانند که اگر واقعا صلح طلبی باید سازش کرده و نیروهای انقلابی را سرکوب نمائند.

چنانکه دیدیم بنی صدر در اواخر حکومت خود هدف اصلی حملاتش متوجه نیروهای وفادار به امام خمینی و آرمان فلسطین و آزادی قدس شد. دشمن همیشه با شعار صلح و آرامش وارد میشود ولی به سرکوب منجر میگردد.

آزادی قدس جز، لاینفک انقلاب اسلامی میباشد همانطور که نمیتوان سرخی را از گل لاله جدا کرد، قدس را نیز نمی توان از انقلاب تفکیک نمود.

اصلیترین هدف حزب بعثت عراق این است که آنقدر بجنگ تحمیلی ادامه دهد تا نظام جمهوری اسلامی را بزانو در آورده تا از آرزوهای خود دست برداریم. و آنگاه که کوتاه آمدیم جنگ داخلی شروع گشته امنیت و آرامش هم سلب میگردد.

"ان آخ الحرب ارق" بادر انقلابی و رزمنده هوشیار است و زیر بار این توطئه دشمن نخواهد رفت.

والسلام

ارزیابی سیر عملیات

بقیه از صفحه اول

در شرائط فعلی، وجود ایدئولوژی و شیوه نگرشهای مختلف در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی است. لذا هر حرکت و تحول مثبتی در ایران بدلیل لزوم اتفاق نظر در اجراء، همواره با شدت ریح همراه بوده است.

معمولاً حرکت برتر، ابتدا با صورت یک نهاد، مطرح شده و تدریجاً با تأیید توده های جان برکف و تبیین های لازمه جای خود را پیدا کرده و بصورت شیوه حاکم رومی آید. چنانکه در مرحله دفع تجاوز شاهد بودیم که تحول و تدبیر فاز در جنگ از "جنگ و گریز" به "تک محدود" و "آزاد سازی یک منطقه کوچک" باین ترتیب بود که:

ابتدا در یک جبهه نیروهای رزمنده با گذراندن مرحله جنگ و گریز و کسب صلاحیت های لازم و انسجام برتر بین نیروهای رزمنده، تک محدود انجام شد. و یک منطقه کوچک آزاد گردید، همین حرکت الگوئی شد و در دیگر جبهه ها به اجراء درآمد.

مسئولین امر هم بتدریج بعد از مشخص شدن این تحول آنرا مطرح و تأیید کردند. مثل تک چفالوند در سال اول جنگ که قیامی در سکون بود و جو جبهه ها را اندک اندک عوض کرد و به پیروزی های دیگر انجامید.

ب، گامی در اجرای هفت وجه عملیاتی تغییر فاز در جنگ معمولاً به تغییر شیوه عملیاتی مثل تبدیل شیوه "جنگ و گریز" به شیوه تصرف محدود و مواضع دشمن و یسا عملیات گسترده گفته میشود.

در شرائط فعلی جنگ نیز تغییر فاز اجرای کامل و جوه مختلف سری عملیات محدود، ذاتی، سراسری، هماهنگ، دراز مدت، کم تبلیغ یابی تبلیغ) میباشد.

قابل توجه است که در این سیر چند ماهه، وجوه بارزی از هفت وجه مطروحه به مرحله اجراء درآمد باینترتیب که:

بی امان بودن عملیات در این مدت حدود ۱۵ عملیات بانام چون عاشوراها، قدسها و... و تعداد زیادی هم عملیات بدون نام داشته ایم. انجام این تعداد عملیات بعد از یک تک گسترده (عملیات بدر) بمسابقه بوده است. عبارتی جبهه های جنگ اسلام و کفر هر هفته شاهد دو یا سه یا... عملیات بوده است.

بنابراین در این سیر در جهت اجرای بی امان بودن عملیات با گام بلند بر سر داشته ایم.

نفسوزی محدود بودن عملیات از عملیات بیت المقدس جنگ اسلام و کفر وارد مرحله گریلایی جنگ و آزاد سازی کربلا از شرم دام و حزب بعثی صهیونیستی شد. اصیلترین نوع عملیاتی که میتواند پاسخ گوی نیاز جنگ اسلام و کفر در این مرحله باشد شیوه عملیاتی "جنگ و گریز" یا نفوذی بود. حال می بینیم که این شیوه بعنوان یک خط در جبهه، بهرود اجرا گدشته شد

سراسری بودن عملیات سری عملیات ها هم در غرب و هم در جنوب اجرا شده است. عبارتی در این شیوه از تمرکز عملیات و ضربه پذیری آن ممانعت بعمل آمده است. لذا در جهت اجرای وجه سراسری بودن عملیات گام موثری برداشته شده است.

در عین حال باید توجه داشت که اعلام و حمایت از عملیات بی امان نفسوزی محدود توسط برخی، که قبلاً معتقد به عملیات چشمگیر بوده و اکنون هم به همان شیوه عملیاتی معتقدند، دلیل بر غیر اصل بودن این شیوه عملیاتی، نیست بلکه بنظر میرسد این شیوه مکتبی رهگشا و حلال تضاد های مرحله فعلی جنگ بوده است.

و نیاز رزمندگان بوده که بقیه جریان را هم متوجه به لزوم این شیوه نموده است. و آنها هم باین نیاز رزمندگان لبیک گفته اند و اگر در شرائط فعلی این گونه عملیات کم شده و یا صحبت از تعطیل شدن آن است دلائلی دارد که انشاء الله به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

کنسرسیوم

طرف نهضت مقاومت ملی که ناشر افکار مصدق بود انتشار یافت

در آن لایحه چنین آمده است:

"اما اینکه در اعلامیه دولت اظهار شده که بکار انداختن صنایع ملی نفت ما توأم با تحصیل عایدات و حفظ منافع ملت ایران در چهار د یوار قانون ملی شدن صنعت نفت نصیب ما شده است صحیح نیست زیرا مراد از ملی شدن صنعت نفت این بود که آن قسمت از ایران که شرکت سابق در آن فعال میباشد بود و دولت در دولت تشکیل داده بود از تصرف او خارج و دولت ایران از هر جهت بر آن مسلط شود ولی اکنون می خواهند این کار را برهم زنند و دست بریده های که ملت ایران بجای خود وصل کرده است باز قطع کنند و افتخاراتی که در نتیجه فداکاری های زیاد بدست آورده است از نوسلب نمایند و بدینا ثابت کنند که تصویب قوانین ملی شدن صنعت نفت و خلق بیاضیگان یک امر تصادفی بوده است اگر نگذارند ملت ایران از معادن نفت خود بهره برداری کند و در نتیجه اجرای قانون نه ماده ای حیثیات خود را حفظ کند در حسن نیت دولت بزرگ باید تردید کرد زیرا که کمیسیون راهبانه کرده اند برای اینکه ۴ سال دیگر از معادن نفت ماسو استفاده کنند و برای ادامه سو استفاده، ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم نمایند. چه چیز سبب شده که نصف عایدات این

ملت ضعیف را به متعول ترین شرکت های دنیا بدهند و متعول ترین دولتها از آنها مالیات بگیرند. در کمر مصدق سپس می نویسد: تبدیل کله امتیاز به واژه فروش نفت قرار داد را تغییر نمی دهد و سه موضوع اصلی قرار داد را که طرفین قرار داد و مدت و حق الامتیاز است با قرار داد گس - گلشائیان مقایسه نموده و نتیجه می گیرد پیشنهاد کنسرسیوم با قرار داد های سابق یکی است و اختلافی که بتوان گفت "امتیاز" نیست ندارد و نمی تواند در چهار دیواری قوانین ملی شدن نفت وارد گردد (از لایحه دفاعیه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور در شهریور ۳۳) آیت الله کاشانی هم در همان زمان با اعلامیه مفصلی به قرار داد کنسرسیوم حمله کرده و آن را محکوم می کند ایشان در قسمتی از اعلامیه می نویسد:

آیا وقت آن نرسیده بود که دولت انگلیس از ارتکاب اعمال ضد انسانی و طمعکارانه گذشته دست برمی داشت و بخاطر رفعت از جزایر و منفوریت خود و حفظ صلح بین المللی از فرات و سود های دیگر صرف نظر می کرد ناچار یک بار دیگر تا اثر و تأسیف خود را از این سو قضاوت دولت های که خود را پیشرو تمدن و استقلال و حریت می دانند ابراز می دارم.

در جایی دیگر می نویسد:

و نیز مدت ۴ سال می خواهند طوق رفعت و بندگی را به گردن ملت بی پناه ستم کشیده ما بیندازند. تعیین ارز سهمیه ایران به لیره استرلینگ جز اینکه حیات اقتصادی ایران را

تحت الشعاع تعالیم سرمایه داران طماع لندن بنماید معنی و اثر دیگری ندارد بر شرایط و مقتضیات دنیای کنونی نتایج شوم و عواقب سو این قرارداد از قرارداد ۱۹۳۳ به مراتب بدتر و ناگوارتر می باشد متاسفانه عاقدین قرارداد با تبلیغات پوچ و بی اساس می گویند از قانون ملی شدن نفت تخلفی نکرده ایم در صورتیکه این سند افتخار و حیثیات بخش نیست ایران را تصور می کنند با این گونه تحمیلات یک طرفی، می توانند پایمال و ملت را در زنجیر اسارت و نفع طلبی خود نگه دارند. ملت ایران عشق و علاقه مفرط به حل مشکل نفت دارد نه طوق استعمار و بندگی به گردن خود گذاردن و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را از دست بدهد. از نظر ملت ایران یگانه طریق حل مسئله نفت این است که بدون هیچگونه مداخله کنسرسیوم در امور نفت و مناطق نفت خیز و استخراج و اکتشاف و بهره برداری، نفت ایران را به قیمت عادلانه خریداری نماید. و به غیر از این ترتیب برای ملت ایران ضرر سیاسی و اقتصادی غیر قابل تحمل دارد.

آیت الله کاشانی در آخر اعلامیه اشاره می کند:

باهرین حکومت نظامی مطلقه و عدم انتشار جرایم مخالف سیاست نفی دولت و تضییقاتی که به عناوین مختلف به ملت ایران وارد می آید از تمام هموطنان عزیز خاصه از کسانی که در راه نهضت ملی از بذل مجاهدت و کوشش خود دری نکرده اند و از همه آزاد مردانی که

در این راه قربانی داده اند تقاضای نمایم در این لحظات بحرانی سرگرم اختلافات داخلی که به تحریک و نفع جانب است نشوند و با همان اتحاد و اتفاق که در بد و نهضت را به منصف ظهور رسانیدند کاملاً مراقب اوضاع باشند.

بأس و بد بینی را کنار بگذارند تا بعمون الله تعالی و با همت مردان آزاده و حق بینان از شرافت و حاکمیت ملی دفاع کنیم و اگر چه در این راه جان خود را فدا سازیم.

مهندس حسینی از رهبران جبهه ملی قرارداد کنسرسیوم را در همان سال ۳۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ماهیت استعماری آنرا افشا میکند که از طرف حزب ایران در آن زمان منتشر شده بود اما از آنجا که این نوشته را در اختیارند اشتیم موفق نشدیم نکاتی از آن را منعکس کنیم.

یکی از سناریوهای مفصلاً قرارداد مذکور را در سناریوهای کنسرسیوم در میان بیگمی می باشد اوتام موارد قرارداد را یک در سناریو شرح کرده و به آن انتقاد می کند. آنچه فجاجعی را برای ایران به بار می آورد.

این نطق از روزنامه رسمی کشور استخراج شده و به صورت کتابچه ای منتشر شده است. همینطور شریف امامی در مجلس مناطی یک نطقی قرارداد کنسرسیوم را با قرارداد ۱۹۳۳ مقایسه می نماید و نتیجه می گیرد که این قرارداد بدتر و سنگین تر از قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ است

بسم الله الرحمن الرحيم

پیرامون:

ملاقات ملک حسین با رجوی

برای دریافت یک تصویر نسبتاً واقعی از او و ملاقاتها و ملاقاتها شبکه در منطقه انجام بود باید به قرائد کتب دیوبند و روایتش در منطقه توجه عمیق مبذول داشت. امیرالیزم و صهیونیسم و ارتجاع عرب در سی سال زحمت کشیدند تا قسرا در اردیبهشت ماه شصت و سه صورت فرمول نهایی عمل فذخلقی منطقه در آمد.

اگر با طرداشته باشیم در برابر مسائل باقی بین ملک حسین، حسنی مبرسارک و در بغداد انجام شد. در یک مصاحبه از وی مبارک سؤال شد: «بنا بود شما و ملک حسین در قاهره بپیرامون صلح خاورمیانه گفتگو کنید، چه شد که تا کنون به ملاقات صدام نرسید؟» در جواب گفت: «دستبازی به صلح با پادشاه اردن و میانجیگری ممکن میشود که به صلح در لبنان منجر شود، و در لبنان نمیتوان به صلح رسید، بلکه مشکل جنوب لبنان حل شود و مشکل لبنان حل نمیشود، مگر آنکه مشکل لبنان اسلامی حل شود.»

ملک حسین و مبارک زیر فشار اسرائیل و یگانها این نتیجه رسیده اند که تا زمانی که رکنهای انقلابی در منطقه وجود دارد و «عربی علیه اسرائیل» به اسلام ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم و خواهان حکومت می پیوندد بخورد، قرائد کتب دیوبند کاغذهای بیش نبوده و نه تنها امنیت اسرائیل را تضمین نمیکند بلکه تسلیحات متبای مرتجع عرب را نیز بهم میزنند. بدین ترتیب مبارک و ملک حسین آشکارا در صدد تا از طریق تقویت صدام فعیال و احزاب اسلامی را زیر فشار رکود رندتسا تا اصول خود سر داشته و صدور انقلاب

فلسطینیها را از سرارخلیح بیرون کنبد و لذا شعرا سرزمین کوچک فلسطین را میداد. رجوی از موقعیکه احساس کرد ملک حسین در سرکوب انقلاب اسلامی فعال شده به بغداد رفت و به ملک حسین نزدیک گردید از این تاریخ «ملک - صدام - حسنی - رجوی» بوجود آمد، ملک حسین به دودلیل به رجوی نیازمند است یکی به دلیل براندازی انقلاب اسلامی و تقویت تروریسم آمریکائی در درون ایران، دیگر استفاده از تحریکات رجوی در مقابل به با نهضت اسلامی و خط امام در درون اردن. ملک حسین تجربه ای در مورد تقویت تروریسم آمریکا در سوریه دارد. وی مدتهاست که در یک خط مشی هماهنگ با ارتجاع عرب و امپریالیسم، از تروریسم اخوان المسلمین در درون سوریه حمایت میکند. تا از این طریق سوریه را به زانو درآورد. جای این سؤال است که چه شده که ملک حسین پس از سالها حمایت از سران اخوان المسلمین حالامی - خواهد دست از حمایت آنها بردارد؟ خبرها شنیده شده که ۵ نفر از سران آنها را در اردن دستگیر کرده و اعلام کرده دیگر آنها را حمایت نمکند. به نظر میرسد اعضا و هواداران اخوان

ملک حسین به زعم خود میخواد هدایا تقویت صدام از خارج و رجوی از داخل ایران، انقلاب را زیر فشار قرائد دهد. ولی! انقلاب اسلامی با صبر و مقاومت خود در برابر این تهاجمات کمپ دیوبندی ایستادگی مینمایند.

تقدیر کرد. در واقع اسرائیل به ملک حسین با یک تفهیم کرده که با وجود حرکتیهای می در منطقه صلحی نخواهد بود. از طرفی ملک حسین و مقامات اردنی در مصاحبه های تاکید کردند که اگر به فلسطین امتیازی نشود فلسطینیهای غرب رود اردن و نوار به مبارزه مسلحانه دست خواهند زد، و به «ساکت» جنوب لبنان دفع تحسار و جانها خواهند کرد. ملک حسین از گسترش و بندی مبارزه، مسلحانه توده ای در غرب اردن بیمناک است و مطمئن است که بین مبارزه ای پدر طی عملیات مستمر خود از زمان نهدی منسجم و جا افتاده ای برودار است که ملک حسین را با رای مقاومت بر سر آن نیست و سرنگونی خود را تنها در خط مشی مبینند. ملک حسین در موضع بوزی ظاهری برای فلسطین اما در واقع ای حد کردن انقلاب فلسطین از مبارزه باحانه و جدا کردن آن از انقلاب اسلامی وارد به میشود و این قاتل فلسطینیها دم از سوی فلسطین میزند. شاه نیز روزی از سر - بین کوچک برای فلسطین صحبت میکرد. وی خواست بعد از تشکیل سرزمین کوچک همه فلسطینیها از خلیج اخراج شوند و اشری از آنها در خلیج وجود نداشته باشد. شاه بخاطر امنیت خلیج میخواد امنیت

بدور از تشنج درخا، میان هستیم. ایمن رژیم (امام) خمینی است که به صورت تروریسم و ایجا اختلاف بین برادران سنی و شیعه مبادرت میبورد. رجوی با این ملاقات و سخنان سیری را که میبمود شتاب بخشید و از جهان آرا در غرب و رطه، کمپ دیوبند سقوط کامل نمود، چرا که با ارتجاع عرب، صهیونیسم و امپریالیسم همسو همگام و هم موضع گشت. میبینیم که مارک تروریست به جمهوری اسلامی زدن را از امپریالیسم و مارک تفرقه افکنی بین شیعه و سنی را از صهیونیسم گرفته و به جمهوری اسلامی نسبت میدهد، و شعرا رنقی تشنج و ایجاد امنیت در منطقه را از ارتجاع عرب گرفته و مطرح میکند، تا چراغ سبزی با شنبه مثلث

کمپ دیوبند شاید تثبیت کامل در کلیه جناهای شیطان بزرگ از طرف آنها آلترا تیبو ایران شناخته شود، و به زعم خود حیران بسی با یگانهای و انزوی در خلق را از این طریق نموده و حاکم شود. رجوی با تحلیلی که از ایران داردمیناند که هیچ قشر و طبقه فداکاری در ایران او را به عنوان بیشتا قبول ندارد و آنها هم کسه قبول دارند فداکاری و جان نثاری ندارند (گذشته از هواداران خودشان که نه قشرونه طبقه اند) لذا به این قاطعیت رسیده است که برای حاکم شدن راهی جز پیوند خوردن سیستم تیک با جناهای امپریالیسم ندارد و با این مواضع جدید راه کمپ دیوبند را برای حاکم شدن برگزیده است. زیرا میبیند که تنها معادله ای که در منطقه از نظر ابر قدرت - ها برای حفظ حاکمیتها ی ارتجاعی پذیرفته شده است، کمپ دیوبند است. زهی تصور باطل، زهی خیال خام. اللهم ان كان عمری مرتعاً للشيطان فاقتضی خدا یا آن هنگامیکه چراگاه و مورد تغذیه شیطان میشوم، جانم را دریاب. اللهم اجعل مواعدا مورنا خیرا - خدا یا سرانجام کار ما را خیر فرما.



کنگره سراسری...

از صفحه ۱۹
ود بیلمنا تیک نبوه و نباید فقط بدان اکتفا کنیم. - مبارزهای انقلاب ایران را توضیح دهیم که دسته اول تکنوکراتها بودند. ویژگی اینها وابستگی و تعصب به جامعه غریب اعتقاد به دموکراسی غریب، ضدیت با نهضت های انقلابی و تحولات انقلابی که حتی ضدیتشان با کمونیسم از چنین موضعی است و مخالفت با هر نوع آرمان گرایی و نیز اعتقاد به تکنولوژی برتر غریب و آمریکائی است. - بعد از انقلاب این مجموعه بکسار گرفته شده و تأسف ما بخاطر اینست که سگان رهبری اداری و اقتصادی جامعه بدست اینها سپرده شد. مطمئناً اینها کسانی نیستند که انقلاب را از وضع موجود به کمال مطلوب ارتقا دهند. - نیروهای انقلابی و متعهد را متهم به عدم کاردانی و ضدیت با تخصص کردند. حتی جنگ تخصصی و متعهد را نیروهای حزب اللهی دامن نزدند. این تکنوکراتها بودند که بعد از شروع عملکرد هیئت پاکسازی مصوبه شورای انقلاب این دعوای راه انداختند تا راه فراری برای خود بکشایند. - بعد از شهادت بزرگان در تابستان ۶۰ این جریان خود را جمع و جور کرد و مجدداً احیا گردید. - مورد دوم عناصر ملی میانه رو بود که خوشبختانه جریان انقلاب رهبری را از آنها گرفته تصفیه شان نمود. - وجه دیگر روحانیون میانه روی البیبرال با مذمبتشیر اعتمادی بود که از لحاظ سیاسی چند چهره مشخص آن کنار رفتند این جریان نیز از سال ۶۰ به اینطرف مشکلاتی برای انقلاب ایجاد کرد. - گروه چهارم در اثر شبه مد رنیزه کردن ایران بوجود آمد. و شامل صاحبان منابع مونتاز و کسانی بود که در امر وارد کردن کالا از غرب نقش داشتند. اینان از ابقا بازرگانی

خارجی خصوصی حمایت میکنند. - گروه دیگری که مورد توجه غرب بود ارتش است که با نعمت جنگ تحمیلی مقدار زیادی بازسازی و تصفیه گردید. ولی باید به تصفیه آن بصورت جدی تری پرداخت باید روی ادغام سیستماتیک و برنامه ریزی شد ارتش کلاسیک و بسیج توده ای کار نمود تا توانائی ارتش را به حد اعلای آن ارتقا دهیم. زمزمه وحدت استراتژیک با غرب: - دستگاه وزارت خارجه و حسدات استراتژیک با غرب را مطرح میکند. چرا روندی داشته باشیم که قبح رابطه با غرب اینطور شکسته شود. برای ما که آمریکا جغرافیائی نیست نظام مسلطی است که در تمام دنیا جنایت میکند. غربیها هم نوکران اویند. - الان تحت عنوان بهره برداری از تکنولوژی غرب داریم به آلمان غریب - ژاپن و کلا اروپای غریب نزدیک میشویم. با این توجیه که اینها سابق استعماری نداشته اند. اولاً که اینطور نیست. و در و سوابسحق استعماری شدید داشته اند. (آلمان همیتری و امپراطوری ژاپن) در زمان نهضت ملی هم توجیه این بود که آمریکا سابقه استعماری نداشته. ثانیاً سرمایه داری بیوطن است ژاپن و آلمان غریب هم از این قماشند. هدف آمریکا از جنگ حاکمیت خط میانه: - جنگ از نظر آمریکا باید تا جایی ادامه یابد که میانه روها روی کار بنایند. حکومتی که روی خونی به غرب نشان دهد راه حل مسالمت آمیز پیشنهاد کند. آمریکا برای کشتن روحیه انقلابی جنگ را ادامه میدهد و اگر روزی احساس کرد روحیات انقلابی کاهش یافته در فکر توقف جنگ بر میآید. (به استناد لانه رجوع شود. جلد های مربوط به خط میانه: ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸) ادامه دارد

بسم الله الرحمن الرحيم

شاهدان عشق

این شاهدان عشق
هرگز گمان مدار که از یاد رفته اند
با چون گل بهار بر یاد رفته اند
اینان نمرده اند
جاوید زنده اند
هر شب به بال روح ، به معراج میروند
هنگامه صعود در خلوت خدای
آنجا که عقل را نبود رخصت ورود
آنجا که با تمام قریب ، فرشتگان
نا محرمند و راه به آنها نمیدهند
این شاهدان باک در آن خلوت شگرف
برواز میکنند
با دوست
با حقیقت مطلق
با حامل کمال
دمها زمیثوند
با روح تا بناک شهیدان کربلا
همراز میباشوند
در نشانی شهید
هم آواز میباشوند
هنگامه نزول
چون نور آفتاب که بر زد ز آسمان
در آینه زمین
ز آن خلوت بلند دریاها
آواز میباشوند
چون آبشار فخر
در قله ای رفیع
در دره های خاک
سرازیر میباشوند
در جمع دوستانه ، ما بال میزنند
با چهره ای ز خون شهادت ، عشق فام
با عشو ، شقایق و بانایان زلاله ها
اوصاف دلپذیر مقامات خویش را
در گوش جان ماس
فریاد میکنند
ما را نویدفتم
بغلام میدهند
با شعله زبان عقیقین چو شمع بزم
صد داستان ز لذت دیدار داستان
ترسیم میکنند
ما را برای بال گشودن بر او
تشویق میکنند



فریاد میزنند به ما
کای برادران
دروازه شهادت ، اینک گشوده است
رفتن توان از این در گشوده بکنش
با بارگاه ونزه دلدارسی نشان
کوشد تا که با برهمت ، بهمان ما
سرا و جها پیرسد
این خفتگان به خون
این سرخ جامگان
این الهای نغز شفق گون دشت شوق
این جان به دوست داده به جانان رسدگان
هزگز نمرده اند
اینان چون نور مطلق هستی چون نور عقل
با چون کتساب وحی
با چون تجردا بدیت به طاول دهر
جاوید زنده اند
هر روز و هر شبی که بر آید ز روز پیش
خیزتر و شگفته تر و زنده تر شوند
از خضر برترند
کز بندستن رهیده ، حیات مجسمند
روح مخلصند
در اوج عزت و عظمت ، در حریم دوست
روزی خورند و لذتشان جاودانه است
زین بی نشانگان ابدیت نشانه است
این گلرخان نغز
این دسته دسته لاله ، خونین لعل فام
بزمرده کی شوند؟
بر باد کی روند؟
اینان شکوفه های بهشت سعادتند
در جاودانگی جوابد ، بی نهایتند
گلپهای رسته ز آن سوی مرز زمانه اند
از تنگنای حلقه ، تاریخ ، هسته اند
خون عرش جاودانه هر مرز ، رسته اند

"ان فی خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
آیات اولوالالباب الذین یذکرون... قیاما "وقعودا" وعلی
جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت
هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار"

استراژی ذکر روش تفکر در قرآن

در اینجا قرآن میفرماید در خلقت آسمانها وزمین و اختلاف
شب و روز آیتی است برای خردمندان (صاحبان لب). گمانیکه
ذکر میگویند خداوند در حال قیام ، در حال نشستن و در حال
دراز کش به پهلو (در همه حالات مشغول ذکرند) و تفکر میکنند ، در
خلقت آسمانها وزمین. بروردگان را تا طل نیافریدی اینرا باک
و منزهی تو ، پس ما را از عذاب جهنم نجات عنایت فرما
در این آیه مشاهده میشود که اول ویژگی خردمندان
صاحبان لب ، ذکر بودن آنها در هر حالی است. حال بسینیم که
ذکر آنها چه نقشی در شناخت و تفکرشان دارد.

- ۱- ذکر به عنوان ورد.
 - ۲- ذکر خدا از فکر و اندیشه و مربوط به احساس.
 - ۳- ذکر عینی فکر و مینای تفکر و اندیشه اسلامی.
- عده ای ذکر را به عنوان ورد و لقلقه زبان میدانند. عده
دیگر ذکر را امری صرفا "روحانی ، عاطفی دانسته و آنرا مربوط
به دل و وجدان انسان میدانند و از فکر و عقل و استدلال و منطق
جدایش نموده و برای تفکر و تعقل به منطقیهای غیر قرآنی رو
میاورند. این عده معتقدند که قرآن روش تعقل و تفکر ارائه
ننموده است هر چند امر به تعقل کرده. لذا با بدروش تعقل را
خودمان پیدا کنیم و لذا منطقیهای بشری نظیر منطق ارسطو و
منطوقها لکتیک و... را امینا بگیرند.
- آنچه از این آیه شریفه برداشت میشود اینست که صاحبان
خرد (اولوالالباب) را در خلقت آیات زیادی است. آیات یعنی
نشانه ها و قطعا "نشانه های ربوبی و الهی منظور است.
اولوالالباب را معنی کرده میفرماید آنها تیکه در حال ایستاده
و نشسته و برپهلوها یشان (خوابیدند) به عبارتی در هر حال زندگی
(چون انسان تمام زندگی اش از این سه حالت خارج نیست)
مشغول ذکر خدا بند. ذکر خود یا دآوری است در هر حالتی و در تمام
لحظات زندگی یعنی در خلقت آسمانها وزمین آیتی میبینند و
خدا را ذکر میکنند و در همان حال که مشغول ذکرند ، به تفکر در خلقت
آسمانها وزمین نیز میپردازند. به عبارتی تفکرشان نیز در کنار
همین ذکر و خود مرحله ای از آن است.

بقیه در صفحه ۲۶

ماه مجاهد
دوره نشریه راه مجاهد
تشریح نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهندس لطف الله مینمی
صندوق پستی: ۱۷۱۸۵/۵۴۴

این سی و چهارمین شماره راه مجاهد است که با
اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است.
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در
جهت بهتر شدن کیفیت نشریه ، هر چه سردر در اختیار
ما قرار دهید. یا تذکر ، راه مجاهد

برو اندر سی انتشار راه مجاهد
جمهوری اسلامی ایران
وزارت مشاوره اجتماعی
اداره فرهنگ و تفریح

آقای لطف المینمی
توزیع رایج در کتابخانه های دولتی و خصوصی
پروان انتشار راه مجاهد به روشهای زیر:
توزیع منسکی در شهرستان مسهران با همکاری
و شماره ۱۵۲ ، روز پنجشنبه ۱۳۴۴/۱۲/۲۳
بنابراین بفرستد به آدرس زیر

نخبه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به
اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند ، خواهشمندیم
تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴
تیران ارسال دارند. بنیای اشتراک:

۱۲ شماره ۸۰۰ ریال
۶ شماره ۴۰۰ ریال

لطفا وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به
حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹
بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله مینمی
حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا
ارسال نماید.

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید امام خمینی